



National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

بیانیه

سی و نهمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

یک سال دیگر از عمر شورای ملی مقاومت ایران گذشت؛ سالی پرتلاطم و سرشار از مبارزه و مقاومت؛ سالی که با قیام سترگ آبان ۱۳۹۸ زنگ سرنگونی استبداد مذهبی به صدا درآمد و مقاومت رهایی بخش مردم ایران را با تداوم مبارزه و پیکار روزانه خلق و با اعتلای مبارزه نیروهای شورشی پیشتاز وارد مرحله نوینی کرد.

شورا با گذر از ۳۹ سال پیکار، در شرایطی وارد چهلمین سال حیات خود می شود که شوق رهایی و عزم مبارزاتی ملت ایران علیه بیدادگری، در صد و چهاردهمین سالگرد انقلاب مشروطه، همچنان در پیکر جامعه جریان دارد و نیروهای جنبش مقاومت سازمانیافته با در دست گرفتن پرچم استقلال، آزادی و دفاع از عدالت، راه پیشتازان اولین انقلاب ملی - دموکراتیک ایران را با مرزبندی با شاه و شیخ ادامه می دهند.

برای شورا جای بسی افتخار است که با تمام توان علیه وارثان شیخ فضل الله نوری، یعنی خمینی و خامنه ای، قیام کرده و با حضور تمام قد در تحولات کشور، راه هرگونه توطئه استعماری - ارتجاعی، مانند کودتای رضا خان قلدر در سوم اسفند ۱۲۹۹ را مسدود کرده است.

شورا در آغاز چهلمین سال حیات خود، شصت و هشتمین سالگرد قیام ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ در دفاع از نهضت ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق را گرمی می دارد و خود را ادامه دهنده دومین جنبش قدرتمند ملی - دموکراتیک ایران علیه توطئه استعمار (انگلیس و آمریکا) و ارتجاع داخلی (دربار سلطنتی و آخوندهای مرتجع همچون کاشانی) می داند.

با وجود قیامها و جنبشهای توده یی، با وجود کانونهای شورشی در سراسر کشور و با وجود آلترناتیو شورا که در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ به ابتکار مسعود رجوی پایه گذاری شد، راست این است که تلاشهای مبارزان مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت به هدر نرفته، جانبازیهای آنها فراموش نمی شود و میراث گرانبهای خون شهیدان آنها، هر روز در هر کوی و برزن ایران زمین بازنویسی و بازخوانی می شود.

مبارزه غرور آفرین زنان و مردان ایران زمین و پیکار سترگی که در نقطه عطف ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ وارد دوران نوینی شد، در مسیر حرکت پر فراز و نشیب خود، با همه رنجها و سختیها، با قیام ۳۰ خرداد سال ۱۳۸۸، با قیام ۶ دی سال ۱۳۸۸ (روز عاشورا)، با قیام دیماه ۱۳۹۶، با قیام هفته آخر آبان ۱۳۹۸،

با قیام دیماه ۱۳۹۸، با چند ده هزار جنبش، خیزش و شورش، و با پرداخت هزینه های سنگین، توانسته است رژیم ولایت فقیه را در مسیر درماندگی و نابودی سوق دهد.

در قیام خلق محبوب ما در آبان ۱۳۹۸ کانونها و جوانان شورشی در شهرهای سراسر میهن به سراپای حاکمیت آخوندها تهاجم کردند و فقط در یک روز (۲۵ آبان) بیش از تمام قیام دیماه ۱۳۹۶ مراکز سرکوب و غارت رژیم را به آتش کشیدند. پس از طنین شعارهای «اصلاح طلب - اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» در قیام دیماه ۹۶ که بیهوده بودن نظریه «اصلاحات از درون حاکمیت» و ایجاد ترس و توهم در مورد «جنگ داخلی»، «تجزیه ایران» و «سوریه ای شدن» را اثبات کرد؛ در قیامهای آبان و دیماه ۹۸ استراتژی کانونهای شورشی در شهرهای میهن شکوفا شد و شعارهای «مرگ برستمگر - چه شاه باشه چه رهبر»، اصالت جایگزین دموکراتیک، مرزبندی «نه شاه - نه شیخ» و سمت گیری انقلابی جامعه شورشی ایران برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی را به همگان نشان داد.

این کلان دستاورد و این پیروزی بزرگ البته با پرداخت هزینه های زیادی همراه بوده و فقط در قیام آبان سال گذشته، شهادت دست کم ۱۵۰۰ زن و مرد ایران زمین را در برداشت. شهیدانی که شمار آنان را هم همین شورا به ثبت داد والا رژیم به کمترین میزان می رساند.

شورا یاد تمامی شهیدان قیام آتشین آبان و خاطره همه زنان و مردانی را که در ۱۱۴ سال گذشته، برای عدالت اجتماعی و استقلال و حاکمیت مردمی و برای «نان، کار، آزادی» جان فدا کردند، گرامی می دارد.

ما به مقاومت دلیرانه زندانیان سیاسی درود می فرستیم و همبستگی خود را با تمامی یاران و بستگان شهیدان و زندانیان سیاسی که راه و رسم مقاومت و آزادیخواهی، آنها را در مسیر دادخواهی تداوم می بخشند، اعلام می کنیم.

ما خاطره سه عضو درگذشته شورا، مهندس یزدان حاج حمزه (زندانی سیاسی رژیم شاه)، مجاهد خلق مهندس صمد ساجدی (زندانی سیاسی رژیم شاه) و مجاهد خلق مهندس حسین شهیدزاده (فرمانده حسام) و همچنین خاطره هنرمند محبوب و ارزنده کشورمان، خانم مرجان و یاد خانم معصومه جوشقانی را گرامی می داریم که هردو از زندانیان سیاسی مقاوم رژیم آخوندی و از ناظران اجلاسهای شورا بودند.

شورا به طور قاطع و مداوم از مبارزات و خیزشهای مردمی، جنبشهای خاموشی ناپذیر کارگران، معلمان، کشاورزان، بازاریان و کسبه، اعتراضات بی وقفه زنان، جوانان، پزشکان، پرستاران و کادر پزشکی و حرکتهای حق طلبانه ملیتها و مردم به پا خاسته میهنمان، که در چارگوشه ایران درفش مبارزه برای سرنگونی استبداد دینی و تحقق استقلال و آزادی و نفی هرگونه تبعیض جنسی، ملی و مذهبی را، با قبول همه مخاطرات و هزینه های آن، برافراشته نگهداشته اند؛ حمایت کرده و برای رساندن صدای این جنبشها به گوش عموم مردم ایران و جهان به غایت کوشیده است.

شورا از تلاشهای خستگی ناپذیر خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، در حمایت بی وقفه از قیامها و خیزشهای مردمی، در افشا و محکومیت بین

المللی جنایات سرکوبگرانه و اعدامها و شکنجه های رژیم آخوندی ، در رویارویی با بنیادگرایی و تروریسم برخاسته از خلافت خمینی و خامنه ای و در همبستگی با ملتهای رنج دیده از این پدیده شوم، قدردانی می کند.

مردم ایران از زمستان ۹۸ با همه گیری ویروس کرونا روبرو شدند. این ویروس مهلک که تا اواخر مرداد ۹۹ منجر به جانباختن بیش از نود هزار تن از هموطنان ما به شمول صدها تن از پزشکان، پرستاران و کادر درمانی شده است، ماهیت ضدمردمی و ضد انسانی رژیم حاکم را بیش از پیش برملا کرد. اعترافهای تکاندهنده برخی از کارگزاران حکومتی پیرامون ابعاد همه گیری این ویروس و افشاگریهای سازمان مجاهدین خلق ایران نشان می دهد که آن چه برای حکام ایران و به خصوص خامنه ای و روحانی ارزش ندارد، جان هموطنان ماست. رژیم در حالی که میلیاردها دلار برای سرکوب، ساختن بمب اتمی و صدور تروریسم و بنیادگرایی اسلامی هزینه می کند، برای جلوگیری از همه گیری کرونا اقدام جدی انجام نداده و مردم را به حال خود رها کرده یا عمداً به قربانگاه فرستاده است.

شورا مراتب همدردی و تسلیت خود را به خانواده های جانباختگان ویروس کرونا اعلام کرده و برای همه کسانی که با این بیماری درگیر هستند آرزوی سلامتی و بهبودی می کند.

در سال گذشته سپاه منفور پاسداران، در یک اقدام جنایتکارانه، هواپیمای مسافربری اوکراینی را با شلیک دو موشک متلاشی کرد که منجر به جانباختن تمامی خدمه و سرنشینان آن شد. از ابتدا روشن بود که این اقدام عمدی بوده است، اما اکنون نوار مکالمات منتشر شده و نشان می دهد که رژیم در وضعیت آماده باش جنگی و برای رد گم کردن، فضای ایران را برای پرواز باز و آزاد گذاشته بود. شورا از همان لحظه وقوع این رویداد دست به افشاگری زد. دانشجویان و جوانان ایران برای محکومیت این اقدام جنایتکارانه، در همدردی با خانواده ها و بستگان قربانیان به پاخاستند و تنفر و انزجارشان را با خیزشی قدرتمند، نشان دادند.

شورا خواهان رسیدگی قضایی به این موضوع از جانب یک نهاد حقوقی جهانی، مشخص شدن و محاکمه آمران و عاملان و پرداخت غرامت به خانواده های قربانیان این جنایت بر اساس معیارهای بین المللی است. ما همچنین مراتب همدردی و تسلیت خود را به بازماندگان قربانیان این جنایت ابراز می کنیم.

هموطنان،

در یک سال گذشته حاکمیت تبهکار آخوندها زندگی مردم ایران را بازم به سوی فلاکت و تباهی سوق داد. با تعرض ولایت خامنه ای به زندگی و معیشت مردم، سفره لاغر شده زحمتکشان و محرومان به کلی خالی شده است. بحران اقتصادی عمیق، رشد منفی اقتصادی، کسری بودجه، رشد سرسام آور نقدینگی، افزایش نرخ تورم، سقوط بی دنده و ترمز ارزش ریال، افزایش موج بیکاری، تعطیلی واحدهای تولیدی، بی آبی، تخریب محیط زیست، آتش سوزی جنگلها، فساد حکومتی، اختلاس، غارتگری و چپاول ثروتهای مردم و کشور موجب ویرانی میهن و متلاشی شدن زندگی مردم شده است.

از دست رفتن کلان درآمدهای نفت، نپذیرفتن پیمان پالرمو که راه کمک آشکار رژیم به گروههای تروریستی را به طور نسبی مسدود می کرد، خفگی بانکی و مسدود شدن ذخایر ارزی در بانکهای خارجی، بحران اقتصادی را تشدید کرده و رژیم را هرچه بیشتر در گرداب بحرانها و چالشهای داخلی و جهانی فرو برده است.

ولی فقیه در برابر این بحرانها و برای جلوگیری از فوران خشم و نارضایتی اقشار گوناگون مردم سیاست سرکوب و انقباض در پیش گرفته و به منظور یک دست کردن ولایتش با انجام یک نمایش شکست خورده انتخاباتی، مجلسی صد در صد گوش به فرمان به سرکردگی پاسدار قالیباف به راه انداخته است. نقشه خامنه ای این است که از سکوی مجلس برای به کرسی نشاندن یک گماشته از نوع دلوپسان در مسند ریاست جمهوری استفاده کند و اگر شرایط را مناسب تشخیص دهد، با تغییر قانون اساسی، تعیین رئیس جمهور را در شمار وظایف مجلس قرار دهد. البته سیاست انقباضی و یک دست سازی برای خامنه ای راهی هموار و بدون چالش نبوده و نامه موسوی خوئینیها نشان می دهد که شرکای سابق و لاحق به راحتی دست از سهم خواهی در قدرت و ثروت بر نخواهند داشت.

در یک سال گذشته، بحران در عمق استراتژیک نظام به خصوص پس از هلاکت قاسم سلیمانی به شکل بی سابقه تشدید شد. مردم رنج دیده عراق علیه مداخله گری ولایت خامنه ای و برای استقلال و آزادی و خاتمه اشغال عراق اقدام به یک سلسله قیامهای پرشور کردند که هنوز هم در شرایط کرونایی ادامه دارد. فشار خیزشهای مردم عراق گروههای شریک در حاکمیت این کشور را با چالشهای روزافزونی رو به رو کرده و به تنفر و انزجار از گروههای تحت امر رژیم ولایت فقیه دامن زده است. در این شرایط، گروههای تروریستی حشدالشعبی، که حنایشان در بین مردم عراق و به خصوص شیعیان این کشور به کلی رنگ باخته، "به فرموده" ولی فقیه، به سرکوب و ترور مبادرت می کنند. شورا ضمن حمایت از مبارزه مردم عراق برای استقلال، آزادی و حاکمیت مردمی، خواستار خلع ید کامل ار رژیم ولایت فقیه در عراق است. همزمان، مردم لبنان برای خواستهای برحق خود به پاخاسته و دارو دسته مزدور حسن نصرالله را زیر ضرب گرفته اند. وضعیت در سوریه نیز برای رژیم آخوندها مطلوب نیست. خامنه ای با خفت و خواری در مقابل بمباران پی در پی پایگاههای سپاه پاسداران سکوت کرده و جلاد دمشق در بیم از دست دادن حکومت است.

مجموعه بحرانهای اقتصادی و سیاسی، تشدید تضادهای درون هرم قدرت، کنشهای جهانی و منطقه ای و به ویژه جنبشها و خیزشها و قیامهای مداوم مردم نشان می دهد که بحران و شرایط انقلابی وارد اعتلای بی سابقه یی شده است. آتش قیامهای دوسال گذشته در زیر پوست جامعه، انفجار بزرگی را بشارت می دهد. تضاد بین مردم ایران با رژیم ولایت فقیه در اوج شدت و حدت خود قرار دارد. تداوم وضعیت انفجاری جامعه، تشدید تضاد در هرم قدرت و بالاخره تکامل قطب بندی سیاسی بین مقاومت سازمان یافته و استبداد دینی در زمینه سیاسی و اجتماعی روند تعمیق و اعتلا را طی می کند. در این کشاکش سرنوشت ساز، نیروهای طالب «نان، کار، آزادی»، جنبش مقاومت سازمان یافته و کانونهای

شورشی برای مداخله اثرگذار در مبارزه توده ها و سمت دادن تحولات به جانب سرنگونی تلاش می کنند. این تلاشها در قیام آبان ماه سال گذشته به اعتلای انقلابی کیفیتی جدید بخشید. اکنون که میهن ما بیش از هر زمان دیگری در وضعیت انقلابی است، شورا کماکان سرنگونی رژیم ولایت فقیه با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و پیروزی انقلاب دموکراتیک مردم ایران را وظیفه مبرم خود می شناسد.

شورا از طریق انتشار نتیجه بحثهای اجلاسهای خود، از طریق روشنگریهای کمیسیونها و سازمانها و شخصیتهای عضو شورا و به ویژه از طریق سخنرانیها و موضعگیریهای خانم رجوی، مواضع خود را به اطلاع عموم رسانده است.

بیانیه حاضر، شرح مهمترین وقایع یکسال گذشته و جمعبندی فشرده یی از ارزیابی ما پیرامون تحولات مهمی است که با سرنوشت مردم و مقاومت سازمانیافته ایران پیوند دارد.

فصل اول :

قیام آتشین آبان و اعتلای بحران انقلابی

۱- از شامگاه روز جمعه ۲۴ آبان ۹۸ قیام سراسری مردم ایران علیه بیداد حکومت شروع شد و به مدت یک هفته ادامه پیدا کرد. خروش شکوهمند و بی سابقه زنان و مردان ایران زمین در سراسر کشور توسعه یافت و با رزم دلیرانه قیام کنندگان، بنیاد رژیم و مظاهر حاکمیت آخوندی مورد تهاجم های شدید مردم قرار گرفت. این قیام خواستها و نیازهای برآورده نشده مردم ایران را از دریچه گرانی بنزین نمایان کرد و کنش متحد خلق استبداد سیاسی - مذهبی و ماشین سرکوبشان را درهم کوبید.

از بامداد شنبه ۲۵ آبان باوجود بارش برف و باران در شهرهای مختلف، مردم با آتشزدن لاستیک و وسایل مختلف، جادههای ورودی به شهرها و خیابانهای شهرها را بستند. قیام مردم به سرعت به شهرهای مختلف گسترش پیدا کرد و شعارها رادیکال تر شد. مردم شعار می دادند: «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر دیکتاتور»، «دیکتاتور حیا کن، مملکتو رها کن»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید کشته شه». در این روز اعتراضات در بیشتر از ۱۶۰ شهر شکل گرفت. مردم به بانکها، پمپ بنزینها، کلانتریها، استانداریها، فرمانداریها، بخشداریها، کانکسهای نیروی انتظامی، خودروها و موتورهای نیروهای سرکوبگر، پایگاههای بسیج و سپاه، فروشگاههای بزرگ متعلق به سپاه پاسداران، مراکز حوزه علمیه، دفاتر ائمه جمعه، عابربانکها، صندوقهای کمیته امداد، مراکز دولتی و هر آنچه متعلق به رژیم بود، تهاجم کردند و آنها را به آتش کشیدند. ولی به هیچ محل یا مکان مربوط به مردم عادی، آسیبی وارد نکردند. در این قیام بیشترین درگیریها در شهریار، شهرقدس، شیراز، بهبهان، اصفهان و تهران بود.

آخوند علیرضا ادیانی، مسئول عقیدتی سیاسی نیروی سرکوبگر انتظامی و نماینده ولی فقیه در این نیرو در مورد همگانی شدن شورش مردم در روز پنجشنبه ۳۰ آبان گفت: «حوادث چند روز اخیر کشور نسبت به حوادث سال ۷۸، ۸۸ و ۹۶ پیچیده تر و فجایع آن عمیق تر بود.... در یک روز ۱۶۵ شهر در

۲۵ استان و در ۹۰۰ نقطه کشور ناامنی بوجود آمد که از نظر وسعت و شدت به مراتب، خشن‌تر و تا حدی متفاوت‌تر از فتنه‌های سالهای گذشته بود چرا که تا حدودی انگیزه‌های سیاسی در بستر اعتراضات اقتصادی شکل گرفت» (بسیج نیوز). درهمین روز سرکرده عملیات بسیج، پاسدار سرتیپ سالار آبنوش گفت: «به عنوان کسی که در صحنه بودم معتقدم فقط خدا ما را نجات داد!» (ایسنا). پاسدار دریادار علی فدوی، جانشین سرکرده سپاه در روز جمعه اول آذر گفت: «روز اول ۲۸ استان و ۱۰۰ محله و شهر درگیر این موضوع بودند... در برخی مواقع این اغتشاشات انسان را یاد کربلای ۴ می‌انداخت» (بصیرت).

پاسدار یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه پاسداران گفت: «این وقایع با این گستردگی و ابعاد در طول عمر چهل ساله انقلاب اسلامی در نوع خود بی‌نظیر بود... مساله‌ی گسترده و جدید بود که گرچه نمونه‌هایی از آن، مانند حمله به حوزه بسیج و آتش زدن آن و آتش زدن بانکها و مراکز دولتی در اغتشاشات سال ۸۸ و ۹۶ دیدیم اما به لحاظ گستردگی در ابعادی بسیار کوچک‌تر از حوادث اخیر قرار دارد. اعتراضات از روز جمعه به صورت محدود شروع شد و در روزهای شنبه و یکشنبه به صورت گسترده و در ۲۹ استان و در صدها شهر ادامه یافت. یکی از این استانها استان اصفهان بود که در ۱۱۰ نقطه از استان اعتراضات و درگیریها رخ داد و از حیث تجمعات بعد از استانهای فارس و تهران رتبه سوم را در کشور در اختیار دارد» (تسنیم، جمعه ۸ آذر ۱۳۹۸).

۲- آخوند ذوالنوری رئیس کمیسیون امنیت مجلس رژیم در روز یکشنبه ۳ آذر در مصاحبه با تلویزیون حکومتی گفت: «فقط در روز یکشنبه ۲۶ آبان در تهران ۱۴۷ درگیری و در سراسر کشور هم در ۸۰۰ نقطه درگیری بوده است و ۹۰۰ پمپ بنزین در کشور آتش زده شد... دشمن طراحی کرده بود برای پایان دی ماه و اوایل بهمن ماه، که این بحران را در کشور درست کنند، طراحی کرده بودند، ما اطلاع داریم، این اتفاقی که افتاد آن موضوع را جلو انداخت. هول شدند و آمدند جلو از این بستر استفاده کردند. خوب، مقام رهبری آب را ریخت روی آتش و این صف جدا شد. کسی در اطراف بهارستان مسلح دستگیر شد که محل اختفای ۵۰ کلت را لو داد. به یک پایگاه بسیج ۵۰ نارنجک اشک آور زدند تا بتوانند تسخیر کنند، اینها آموزش دیده بودند، تیمهای ۴ نفر تا ۸ نفره، اینها مأمور بودند و خمیرهای خاصی داشتند، وقتی به ستون یا دیوار می‌زدند دیوار را می‌شکافت، ستون را از کار می‌انداخت و تخریب می‌کرد. تیمهایی که به شمار سه بتوانند قفل را بشکنند بروند تو، یک تیم می‌آمد این کارها را انجام می‌داد، تیم بعدی می‌آمد کار بعدی را انجام می‌داد. طرف می‌آمد تو خیابان یک شعار را جلوی ماشین را می‌گرفت همین که چهل - پنجاه نفر جمع می‌شد جیم می‌شدند از داخل جمعیت می‌رفتند».

روز سه شنبه ۵ آذر، عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور، گفت: «در پنج استان درگیر بحران شدیدتری بودیم... بیشترین خسارتها در ملارد، بهارستان، شهر قدس و اسلامشهر بود ... [روز] شنبه [۲۵ آبان] در تهران صد نقطه دچار حادثه و درگیری بود... بیش از پنجاه مورد پایگاه و پاسگاه نظامی

مورد حمله قرار گرفتند... به آقای علی عسگری زنگ زدم و گفتم ۵۰۰ نفر از اشرار در حال حرکت به صدا وسیما هستند. البته با ورود به موقع نیروهای انتظامی، حتی نگذاشتیم آنها به سه کیلومتری صدا وسیما برسند... مجبور شدیم اینترنت را به صورت مقطعی و موضعی قطع کنیم. دستور دادیم نخست، محدود سازی شد و بعد، نتیجه گرفتیم که باید مسدود سازی شود» (ایرنا).

۳- از خراسان تا خوزستان، از بلوچستان تا آذربایجان، از گیلان و مازندران تا سواحل خلیج فارس و از کردستان تا اصفهان و شیراز، مردم مصمم و بدون تردید، با شعار مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، وارد نبردی شدند که سرنوشت مردم و حاکمیت را ورق زد. بنا به اعتراف سرکردگان سپاه و گماشتگان خامنه ای درگیری در بیش از هزار نقطه جریان داشت. مردم به میدان آمدند تا دایره محدود جنبشهای مطالباتی روزانه را درهم شکسته و طی یک هفته پیکار، بساط حاکمیت منحط را جمع کنند.

شهرهای آبادان، اهواز، اسلامشهر، اصفهان، ایرانشهر، ایلام، بهارستان، بوکان، بوشهر، بهبهان، بندر ریگ، تبریز، تهران، جوانرود، خرم آباد، رشت، رباط کریم، سنندج، ساری، سیرجان، شاهین شهر، شیراز، شادگان، شهریار، شهر قدس، شوشتر، قم، کمال شهر، کازرون، کرمانشاه، کرج، کرمان، کنگان، گچساران، گرگان، گوهردشت، مریوان، مشهد، ماهشهر، مهرشهر، ملارد و دهها شهر دیگر در همه استانهای کشور، شاهد خروش پرتوان لشکر فرودستان و به حاشیه رانده شدگانی بود که رژیم ارتجاعی را با تمام هستی خود به چالش کشیدند. قیام مردم آن چنان توانمند بود که در دو روز اول نیروی سرکوب را فرسوده کرد و آنان را واداشت که برای دریافت نیروی تقویتی التماس کنند.

در رأس شهرهای شورشی، شیراز قرار داشت که در سیل فروردین همان سال به شدت داغدار بود. در شیراز، در روز اول و دوم قیام دست کم ۱۲۰ مرکز و مقر بسیج و نیروی انتظامی و حوزه های علمیه و پادگان و بانک و پمپ بنزین توسط مردم و جوانان شورشگر در هم کوبیده شد. روز شنبه ۲ آذر یک کارشناس امنیتی رژیم که نخواست نامش فاش شود، به خبرگزاری حکومتی ایرنا گفت: «شهر شیراز در کنار تهران، اصفهان، تبریز و اهواز دارای بیشترین سطح تحرکات گسترده اشرار و مرتبطن منافقین بود. حجم سنگین خسارات وارده به بانکها، پمپ بنزینها و تاسیسات شهری، تعداد نقاط درگیری و طراحی برای فلج کردن شهر شیراز از طریق بستن شاهراههای حیاتی دسترسی شیراز به خارج شهر، بسیار خطرناک و گسترده تر از سایر شهرهای کشور بوده است... اقتدار [بخوانید سرکوب وحشیانه] نیروهای انتظامی، سپاه و بسیج و همکاری با مجموعه اداره کل اطلاعات در مجموع باعث شد شهر شیراز از یک خطر بسیار جدی [بخوانید آزاد شدن شهر] مصونیت پیدا کند... و با دستگیری لیدرهای اصلی جریان مرتبط با منافقین ... آرامش و امنیت به طور کامل در استان فارس و شهر شیراز محقق شود».

۴- قیام سرنوشت ساز آبان، برجسته ترین و صریح ترین شکل بروز اعتلای شرایط انقلابی را نمایان کرد و تهیدستان با خیزشی سترگ در شهرهای کوچک و بزرگ وارد عمیق ترین مبارزه برای «نان، کار، آزادی» شدند. این قیام در هنگامی رخ داد که عمق استراتژیک رژیم با قیامهای مردم عراق و لبنان زیر ضرب رفته بود. جهانیان دیدند و شنیدند که زنان و مردان ایران زمین چگونه کانون ام القرا و باندهای فاسد و تبهکار حاکم را با قیام رهایی بخش خود؛ با فروزان کردن شعله های خشم و نفرت خود؛ با به آتش کشیدن مراکز ستم و ارتجاع؛ با شعار «بجنگ تا بجنگیم»؛ با بستن جاده ها و بزرگراهها، با تهاجم و به آتش کشیدن بانکها و مراکز غارت و سرکوب، با آتش زدن ساختمانهای دولتی و دفاتر امام جمعه ها و تصاویر خامنه ای؛ با فتح مراکز سرکوب و کلانتریها و آزاد سازی بخشهایی از شهرها، دچار لرزه سرنگونی کردند.

حجم خسارتهای ناشی از قیام توسط کارگزاران رژیم ۲۰ هزار میلیارد تومان و خسارات ناشی از بستن اینترنت حدود یک ونیم میلیارد دلار ارزیابی شده است. در مجموع، بیش از ۱۸۹۰ مرکز سرکوب و غارت و چپاول و تبلیغ ارتجاع، به شرح زیر مورد تهاجم قیام کنندگان قرار گرفت:

بانکها بیش از ۱۰۰۰ شعبه، پمپ بنزینها بیش از ۲۰۰ جایگاه، مراکز نظامی (انتظامی و سپاه و...) بیش از ۴۱ مرکز، دفاتر امام جمعه ها و حوزه های جهل و خرافات بیش از ۱۹ مرکز، مراکز دولتی و سایر نهادهای رژیم بیش از ۱۸۲ مرکز، فروشگاههای زنجیره ای بیش از ۸۰ واحد، خودروهای نیروهای سرکوبگر بیش از ۱۲۰ دستگاه و تعداد زیادی خودروهای عمومی که برای انتقال نیروهای سرکوبگر مورد استفاده قرار می گرفت.

بنا به اعتراف کارگزاران رژیم، نیروی انتظامی با وجود آماده باش قبلی، توان سرکوب قیام را نداشت و از صحنه فرار می کرد. بنابراین از ساعت ۱۴ روز شنبه ۲۵ آبان، سپاه پاسداران فرماندهی صحنه سرکوب را در دست گرفت. در تهران، فرماندهی به عهده قرارگاه ثارالله، و در استانها، به عهده فرماندهی سپاه بود.

روز ۲۶ آبان خامنه ای گفت: «در این دو روز، تقریباً یعنی دو شب و یک روزی که از این قضایا گذشته همه ی مراکز شرارت دنیا علیه ما این کارها را تشویق کردند، از خانواده ی منحوس خبیث خاندان پهلوی تا مجموعه ی خبیث و جنایتکار منافقین، اینها دارند مرتباً در فضای مجازی و در جاهای دیگر دارند تشویق میکنند ترغیب میکنند که این شرارتها انجام بگیرد».

مسئول شورا بلادرنگ اعلام کرد: «خامنه ای بیهوده تلاش میکند با قرار دادن بقایای شاه در کنار مجاهدین و مقاومت ایران گذشته را با آینده درهم آمیزد تا به نفع حال (یعنی حاکمیت شیخ) تمام بشود. اما هیئات که زمان و عقربه های ساعت به عقب برنمیگردد. در دیماه ۹۶ میگفت که نقشه را آمریکا کشیده و پول را عربستان داده و اجرا بر عهده مجاهدین است. این بار اما جرقه را خودش با بنزین زده و پول گرفتن مجاهدین از عربستان هم به برگ سوخته تبدیل شده است» (اطلاعیه ۲۶ آبان).

۵- ولی فقیه روز یکشنبه ۲۶ آبان با غیظ و غضب و به تکرار و تأکید دستور سرکوب داد و گفت: «اینها اشرارند» و «مسئولین حفظ امنیت کشور به وظایفشان عمل کنند». خامنه ای گفت: «اینها اشرارند. این

آتش زدن و خراب کردن و ویران کردن و دعوا کردن و ناامنی ایجاد کردن مال چه کسی است؟ این را بفهمند توجه کنند که میفهمند مردم هم ملتفتند و از اینها فاصله بگیرند. این آن توصیه ماست، مسئولین کشور به وظایفشان به طور جدی عمل کنند».

این سخنان خامنه ای ترس و وحشت او را از خطر برافتادن نظام برملا می کند و از روی آن میتوان عمق، وسعت و بالندگی خیزش آبان را دریافت. او با صدور فرمان سرکوب بی محابا، دست مزدورانش را برای کشتار باز کرد و آنها با وحشی گری و قساوتی کم نظیر دست کم ۱۵۰۰ تن از مردم محروم و شورشگر ایران را با شلیک مستقیم گلوله به شهادت رساندند شمار شهیدان، گواه عمق و ارتقای قیام مردم ایران، از خیزش ۱۳۸۸ و شورش ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۸ است. دبیرخانه شورا در برابر لایوشانی رژیم، به طور مداوم اسامی و تصاویر شهیدان قیام را منتشر کرد.

بعد از دستور سرکوب بی محابا از جانب خامنه ای ، شلیک به سر تظاهر کنندگان برای بالا بردن تعداد تلفات و ایجاد رعب و وحشت یک تاکتیک رایج شد. دستگیریهای کور و گسترده در کف خیابانها، مراجعه به بیمارستانها و کنترل کردن مجروحان، خارج کردن اجساد شهدا از سردخانه گورستانها، کنترل سیستم کامپیوتری پزشک قانونی به منظور پنهان ماندن آمار واقعی شهدا از دیگر شیوه های سرکوب و شقاوت علیه مردم به پاخاسته و پنهانسازی جنایتهای ارتكابی بود. اسناد سازمان اورژانس کشور در تهران در مورد انتقال مجروحان قیام شامل اسامی و مشخصات و نحوه تیر خوردن آنها که توسط کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا در ۷ نوبت در خرداد و تیر ماه منتشر شد گواه انکارناپذیر همین حقایق است.

مزدوران ولایت خامنه ای برای مهار قیام از تمامی ابزار سرکوب، از باتون و گاز اشگ آور تا کلت و سلاحهای خودکار استفاده کردند. در برخی از مناطق مانند ماهشهر از ماشین زرهی، هلی کوپتر و تیراندازی با دوشکا نیز استفاده کردند. در ماهشهر، مأموران مسلح رژیم جوانان را تعقیب کردند و آنها به ناگزیر وارد یک نيزار شدند. سپس سرکوبگران، با دوشکا به سمت جوانانی که در نيزار پناه گرفته بودند، شلیک کردند و عده زیادی را کشتند.

یکی دیگر از شیوه های وحشیانه و ضد انسانی، نفوذ پاسداران به داخل صفوف تظاهرات و شناسایی افراد و شلیک مستقیم با کلت و از فاصله یک متری به تظاهرکنندگان بود. علی فدوی جانشین سپاه سعی کرد تا این اقدام را به تظاهرکنندگان نسبت دهد که گویا با کلت دارای صدا خفه کن شلیک کرده اند.

خامنه ای در روز سه شنبه ۲۸ آبان، باردیگر درباره سرکوب قیام صحبت کرد و این بار صورت سرخ شده از سیلی مردم را علامت پیروزی قلمداد و اعلام کرد که «دشمن را عقب زدیم». گرچه کشتار وحشیانه قیام کنندگان به بهانه «امنیت عمومی جامعه [بخوانید امنیت نظام]» شیوه همیشگی حاکمیت بوده، اما ابعاد سرکوب دد منشا نه نظام در هفته آخر آبان بدون تردید کشتاری بی سابقه در خیابان طی دوران حاکمیت آخوندهاست.

میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روز ۶ دسامبر ۲۰۱۹ (۱۵ آذر ۹۸) در باره سرکوب و کشتار تظاهر کنندگان در ایران اعلام کرد: «بنا بر گزارشها از شروع اعتراضات گسترده در ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان)، دست کم ۷۰۰۰ نفر در ۲۸ استان از ۳۱ استان بازداشت شده اند. نیروهای امنیتی در برخی موارد به معترضان غیر مسلح که هیچگونه تهدید فوری جانی یا آسیب جدی محسوب نمی شده اند، تیراندازی کردند. بنابر گزارشها، نیروهای بسیج و نیروهای سپاه پاسداران در تیراندازی علیه معترضان نقش داشته اند. نیروهای امنیتی با اسلحه از پشت بام ساختمان دادگستری در یک شهر، و از هلیکوپتر در شهر دیگر به معترضان تیراندازی کرده اند. تصاویری نشان میدهد که نیروهای امنیتی به معترضان در حال فرار از پشت سر تیراندازی می کنند یا به طور مستقیم به صورت و اعضای حیاتی معترضان تیراندازی میکنند، به عبارت دیگر تیراندازی به قصد کشتن. این موارد، نقض آشکار تعهدات و اصول بین المللی استفاده از زور، و نقض وخیم حقوق بشر است».

کمیسیون عالی حقوق بشر اضافه می کند: «در میدان جراحی در ماهشهر نیروهای امنیتی ایران علیه تظاهرکنندگان - از جمله افرادی که در حال فرار بودند و افرادی که در نیزار نزدیکی میدان پنهان شده بودند - از سلاحهای سنگین استفاده کردند که به کشته شدن دست کم ۲۳ نفر، و احتمالاً بسیار بیش از آن، منجر شده است»

۶- قیام آبان ۹۸ در مقایسه با خیزشهای سال ۸۸ و ۹۶، سازمانیافته تر بود و کانونهای شورشی به مثابه نیروهای پیشتاز در آن مداخله جدی داشتند. زنان قهرمان و ستمدیده ایران در خیزش آبان نقش بسیار برجسته داشتند و در رهبری عملی و در کف خیابان جسارت و سرعت عمل زیاد که لازم هر قیام است از خود نشان دادند. سخنان گوناگون کارگزاران نظام به این سازمان یافتگی مهر تایید می زند. سخنگوی سپاه منفور پاسداران، رمضان شریف به این واقعیت اعتراف کرد و گفت: «خشونت بالا و سازماندهی و بهره گیری از خانمها برای ایجاد درگیری اول تجربه جدیدی بود» (خبر فوری، دوشنبه ۴ آذر ۱۳۹۸)

حسن روحانی در روز ۱۳ آذر ۱۳۹۸ طی سخنانی تهدید آمیز، مردم قیام کننده را «آشوبگران» نامید که «سازمان یافته، برنامه ریزی شده و مسلح بودند» و اضافه کرد: «آنهايي که سازمانیافته در این داستان آمدند توی اعترافات شان که حالا در آینده پخش می شود و شما خواهید دید، برنامه ریزی اینها بیش از دو سال است، دو سال است اینها برنامه ریزی کرده بودند، پارسال در یک مقطعی می خواستند زمان مناسب نبوده، امسال می خواستند در یک مقطعی مناسب بیشتر هم به فکر مثلاً آخر دی و بهمن یا نزدیکی انتخابات در آن ایام، اینها برنامه ریزی کرده بودند، وقتی که این مسأله اعلام شد آنها اربابانشان از خارج بهشان گفتند الآن موقع آن هست اون را اجرا کنید، آن طرحی که بنا بود آمدند بیرون، خوب باید با اینها برخورد بشود».

پاسدار جنایتکار، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت رژیم، عصر روز یکشنبه ۲۶ آبان در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «این افراد به دولتها و مجاهدین وصل بودند... فکر می کنم ۳۴ نفر از

مجاهدین تاکنون دستگیر شدند و یک شبکه وسیعی از کانالهایی که نه به اسم مجاهدین بلکه با خط و مشی مجاهدین عمل می‌کردند نیز شناسایی شدند». روز بعد او در جلسه غیر علنی مجلس گفت: «تعدادی از افراد که اقدام به تحریک مردم در خیابانها می‌کردند، مشخص شد که با سازمان مجاهدین در ارتباط هستند». (اطلاعیه دبیرخانه شورا، دوشنبه ۴ آذر ۱۳۹۸)

حسین نقوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم در روز دوشنبه ۴ آذر به نقل از نمایندگان وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی که در جلسهٔ محرمانهٔ کمیسیون شرکت کرده بودند گفت: «در این جلسه نمایندهٔ اطلاعات سپاه بیان داشت که در این حادثه همهٔ ظرفیتهای ضد انقلاب و معاند که سالها تدارک دیده بودند به صحنه آمده و با سو استفاده از اعتراضهای مردم سعی کردند آشوب ایجاد کنند» (ایسنا).

حسام الدین آشنا رئیس مرکز بررسیهای استراتژیک و مشاور سیاسی روحانی و معاون سابق وزارت بدنام اطلاعات، قیام سراسری آبان را «عملیات فروغ جاویدان ۲» توصیف کرد و روز پنجشنبه ۳۰ آبان در حساب توئیتری خود نوشت: «خیال کردند عملیات فروغ جاویدان ۲ را کلید زده اند ولی حالا به خوبی فهمیدند که در واقع عملیات مرصاد ۲ کلید خورده است» (ایرنا).

آخوند احمد سالک کاشانی، عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس در روز چهارشنبه ۲۹ آبان گفت: «اتفاقاتی که در لبنان و عراق اتفاق افتاده بود، مقدمه‌ی برای انجام اتفاقات در ایران بوده است. ... و الان کسانی که دستگیر شدند به نوعی ارتباط با منافقین و عناصر بیگانه دارند. آنها هم آموزشهای لازم را در طول دو سال اخیر دیده بودند برای اینکه این اتفاقات را رقم بزنند» (افکار نیوز).

۷- اعترافهای ناگزیر کارگزاران نظام نشان داد که راهبرد کانونهای شورشی در جنبش ضد دیکتاتوری درست بوده است. اگر در دی ماه ۱۳۹۶، حرف اصلی در کف خیابان پایان ماجرای بازی درون رژیم بود، این بار پیام کف خیابان، آغاز مسیر شورش و قیام برای تحقق یک جایگزین دموکراتیک به مثابه تنها راه حل و مسیر رو به پیش و کارساز است. این نکته با خطوط درشت و با رنگ سرخ در سرلوحه قطعنامه خیابان آبان ۱۳۹۸ نوشته شد.

در این باره، مسئول شورای ملی مقاومت در نگاهی به دو موضعگیری ولی فقیه، می‌گوید: «قیام خلق از داخل، زنگها را در ۱۹۰ نقطه در پیکر این خلق و این میهن به صدا در آورده است. در ۲۶ آبان خامنه‌ای از مصیبت ناامنی و از مجاهدین تحت عنوان "مجموعهٔ خبیث و جنایتکار" شکوه می‌کرد که گوئیا با بقایای شاه به "شرارت" ترغیب می‌کنند... اما اکنون در کمتر از دو ماه با برملا شدن جزئیات قیام خلق و شمه‌یی از اسامی و آمار و ارقام شهیدان، در درس "دشمن‌شناسی" که درس پایه‌یی حوزه و رژیم ولایت است، پس از فروکش کردن دود و دمه‌ها و نمایشات پوشالی انتقام‌گیری سخت از آمریکا، خامنه‌ای پرده را درباره دشمن اصلی کنار می‌زند و عقده‌گشایی علیه مجاهدین و مقاومت ایران را تا خالی کردن دق‌دل بر روی آلبانی امتداد می‌دهد. گوش کنید.

خامنه‌ای ۱۸ دی ۹۸: «آنچه که وظیفه ما به عنوان مردم به عنوان آحاد جمهوری اسلامی است اولاً دشمن شناسی دشمن را در شناخت دشمن اشتباه نکنید نگویید که خب همه می دانیم بله شما می دانید که دشمن کی هست دشمن استکبار است دشمن صهیونیزم است دشمن آمریکاست اینها را می دانید شما، اما تلاش وسیعی دارد انجام می گیرد برای این که این قضیه را به عکس کنند نظر مردم را عوض کنند با شیوه های پیچیده تبلیغاتی همه باید مراقب باشند دشمن شناسی بسیار مهم هست یکی این، بعد دانستن نقشه دشمن، دشمن چه کار دارد می کند، چه کار می خواهد بکند، و بعد، دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن، این را باید مردم ما بدانند... در میدان مسائل امنیتی، چند روز قبل از قضایای آبانماه، این قضایای مربوط به بنزین و این حرفها، در یک کشور اروپایی، یک کشور کوچک اما شریر واقعاً خبیث در اروپا، یک عنصر آمریکایی با یک تعداد ایرانی مزدور، وطن فروش، جمع شدند دورهم علیه جمهوری اسلامی بنا کردند برنامه ریزی کردن و نقشه درست کردن. نقشه هم همان چیزی بود که ما چند روز بعدش در قضایای بنزین دیدیم یعنی مردم از حادثه بنزین اوقاتشان تلخ بود یک عده بی از مردم آمدند بیرون به عنوان اعتراض، به مجرد این که مردم، یک تعدادی از مردم البته خیلی هم نبودند وارد میدان شدند این فریب خوردگان، این مغرضین، این عمال دشمن، همان برنامه را شروع کردند اجرا کردن. یعنی بیایند تخریب کنند آتش بزنند آدم بکشند ویران کنند هم مراکز دولتی را هم مراکز مردمی را، جنگ راه بیندازند. این نقشه قبلی بود. البته این که میگویم چند روز قبل از این، این چند روز، تجدید نقشه بود. این کارهایی بود که از قبل کرده بودند افراد را آماده کرده بودند یک عده مزدور را پول داده بودند. این کارها را هم می کنند. هر چه بتوانند انجام می دهند».

خامنه‌ای درست می گوید خلق ما و مقاومت ما، با مجاهدان پیشتاز و جوانان و کانونهای شورشگرش، آنچه را بتوانند برای سرنگونی این رژیم و دستیابی به آزادی و حاکمیت جمهور مردم انجام می دهند. با این تفاوت که مزد و مزدوری که منطق ارتجاع و غارتگری است و می خواهد بر روی ما فرافکنی کند و صله ناچسب است و کسی باور نمی کند.

لجن پراکنی فرو خورده علیه آلبانی، یک سال پس از اخراج سفیر رژیم نیز یادآور خوابهای پنبه دانه خامنه‌ای و همایشان و همایشگان است که گوئیا مجاهدین که از عراق بروند به سرعت در خارجه و در دنیای بورژوازی مضمحل و بی خطر می شوند و به قول کارشناسان اطلاعاتی و امنیتی رژیم «صورت مسأله» که «تشکیلات» آنها باشد، در وادی جنسیت و فردیت خودپرستانه، غرق می شود! » (۱۸ دی ۹۸).

۸- مردم با رزم کم سابقه خود و با شعارهای صریح، شفاف و قاطع خود نشان دادند که جنبش آزادیخواهی و رهایی بخش مردم ایران وارد مرحله جدیدی شده و رژیم ولایت فقیه با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن که عامل اصلی مشکلات و دشواریهای جامعه و مردم است در کانون ستیز با مردم قرار دارد. حاکمیت، زندگی و کرامت مردم را به سخره گرفته و لگدمال می کند و جامعه با خیزش خود برای تغییر بنیادی به پا خاسته تا بساط حاکمیت را به زباله دان تاریخ بریزند.

مسئول شورا در ۶ آذر ۹۸ اعلام کرد: «استراتژی ظفرنمون ارتش آزادی در کانونها و محله ها و شهرهای شورشی محک خورد. مردم و مقاومت ایران با بهای سنگین و خونین به جهشی عظیم و بازگشت ناپذیر دست یافتند. بار دیگر ثابت شد که این رژیم زبانی جز قهر و قدرت و قاطعیت نمی فهمد. باقی، فریب و فسانه است... این، بیمه نامه ما در تحولات آینده است... از فردای قیام دیماه ۹۶ گفته بودیم که این قیام تداوم دارد، گسترش و عمق پیدا می کند. با مقاومت سازمانیافته پیوند و پشتوانه دارد. رژیم در برابر آن هیچ راه حل و برون رفت و برگ برنده ندارد»

مسئول شورا «نسبت دادن رزم‌آوران ارتش آزادی به «دستگاههای امنیتی غربی و سعودی» را «یاوه‌گویی اطلاعات آخوندی» خواند و اضافه کرد: «دستگاههای امنیتی غربی کجا و از چه موقع در فکر سرنگونی رژیم و آزاد کردن محله‌های شیراز بوده‌اند؟! عربستان سعودی هم اگر می‌توانست به حملات موشکی و پهپادی رژیم به تأسیسات نفتی خودش و به سلسله حملات زنجیره‌یی به فرودگاهها و شهرهایش، پاسخی درخور می‌داد. ناراحتی رژیم از این کشور، جدای از بحث منطقه و آمریکا، عمدتاً به‌خاطر حمایت از برخی گروه‌های قومی و حمایت و پوشش تبلیغاتی برای بقایای شاه و ریزشی‌های شیخ است و البته در این میان اطلاعات آخوندها به‌وضوح کار کرد و نفوذ عوامل خود را دارد تا درباره تأمین هزینه‌های مجاهدین توسط عربستان سعودی داستان‌سرایی و یاوه‌گویی کنند».

مزدوران خدا بنده و مصداقی-تلویزیون ایران اینترنشنال ۹ تیر ۹۷ همزمان با توطئه تروریستی رژیم در ویلپنت:

«مصداقی: در طول لاقل سه دهه گذشته مشخصاً عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس بخشی از هزینه‌های مجاهدین را تأمین کردند...»

خدا بنده: من سه تا کامیون طلا، من خودم از ریاض آوردم...

- چه زمانی بود دقیقاً این که می‌فرمائید؟

خدا بنده: کمی قبل از جنگ اول خلیج، یعنی اون موقع که تازه شکرآب شده بود رابطه [مجاهدین] با صدام... هنوز ولی بد نشده بود تا اون حد، رابطه با عربستان بوده! پول همین الان هم می‌رسه!... باز من برمی‌گردم به این مسأله که ایشون [مصداقی] هم گفتند...».

۹- در شب یلدا که همزمان با چهلیم شهدا بود، مردم در تهران و سایر شهرها با گذاشتن شمع و تصاویری از شهیدان، یاد آنها را در خیابانها گرامی داشتند. عده‌ای بر سر مزار شهیدان رفتند و مراسم برگزار کردند.

بعد از اینکه در فضای اینترنت، برگزاری مراسم چهلیم شهدای قیام آبان ۹۸ پخش شد، رژیم در وحشت از شکل گیری مجدد اعتراض و قیام و بروز خشم و نفرت عمومی، اجازه برگزاری هیچگونه مراسم و تجمعی را برای چهلیم شهیدان نداد و در سطح شهرهای مختلف و بطور خاص در نقاطی که اعلام شده بود مراسم شهدا شکل می‌گیرد، دست به اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه زد. با اینحال، مردم برای

گرامیداشت یاد شهیدان به مزار آنان شتافتند و مراسم گرامیداشت آنها در نقاطی شکل گرفت. رژیم به شماری از مراسم حمله و تعدادی را دستگیر کرد.

در میان پرشمار شعارهای مردم، همگانی ترین و گسترده ترین آنها چنین بود: «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «مرگ بر خامنه ای»، «خامنه ای قاتله ولایتش باطله»، «روحانی حیا کن مملکتو رها کن»، «سیدعلی ببخشین، دیگه باید بلند شین»، «مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت»، «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، «بیزیم دوشمن بوردادی، یالاندی آمریکادی/دشمن ما همینجاست دروغ میگن آمریکاست»، «پول نفت گم شده، خرج بسیجی شده»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه»، «ما مردمیم نه اوباش»، «بنزین باید ارزون شه»، «برده داری کافیه، ملت ما عاصیه»، «ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «به من نگو فتنه گر، فتنه تویی، ستمگر».

۱۰- در مراسم گرامیداشت چهلم شهیدان قیام آبان ۹۸ در اشرف ۳ خانم مریم رجوی گفت: «این مراسم بزرگداشت شهیدان از سوی مادری است که در پی پیکر متلاشی شده فرزندش می‌دوید و فریاد می‌کشد که این پسر من است. و از سوی پدرانی است که مجبورشان می‌کنند پول تیرهایی را بپردازند که بر سر و قلب فرزندان‌شان نشست.

این مراسمی است از سوی خانواده‌های دختران و پسران سیزده - چهارده ساله که توسط پاسداران به قتل رسیدند. و این مراسمی است برای دادخواهی خون شهیدان و آتشباری به شقاوت خلافت خامنه ای خونخوار در ایران اشغال شده... بنا به گزارش‌هایی که تا امروز به‌دست آمده، شمار شهیدان قطعاً بیشتر از ۱۵۰۰ نفر است. البته تعداد واقعی بسا بیشتر است. اما تا همینجا هم رژیم دستکم ۶۰ بار بیشتر از قیام دیماه ۹۶ کشتار کرده و جوانان ایران را به شهادت رسانده و تعداد بسیار بیشتری را مجروح و مصدوم کرده است. با تیغ و تبر و گلوله‌های ساچمه‌ای...

جهان می‌بیند که رژیم آخوندها حتی از کشتار کودکان و نوجوانان ۱۳ - ۱۴ ساله ابا نمی‌کند. امیر رضا عبداللهی نوجوان ۱۳ ساله در اسلام شهر، نیکتا اسفندانی ۱۴ ساله در خیابان ستارخان تهران، آرمین قادری ۱۵ ساله، در محله دولت آباد کرمانشاه و خالد غزلوی ۱۶ ساله در خرمشهر و رضا نیسی، ۱۶ ساله، در منطقه پاستوریزه اهواز. تازه این‌ها بخشی از نوجوانان شهید ما در این قیام‌اند. راستی، امیررضا و نیکتا و آرمین به‌چه گناهی کشته شدند؟ خالد و رضا چرا خون‌شان بر زمین ریخت؟ فریاد به آسمان رفته خون آنها این است که **بأی ذنب قتلت؟** به کدامین گناه کشته شدیم؟ در بین شهیدان سرفراز قیام، نامهای زنان دلیر ایران را می‌بینیم. آنها که پاسداران را مغلوب شور و جنگاوریشان کردند و بارها رژیم به نقش تعیین‌کننده آنها در این قیام یعنی قیام آبان ۹۸ اعتراف کرد. همه شهیدان قیام چه آنها که در سنین نوجوانی بودند یا آنها که مادر چند فرزند بودند یا آنها که از فرزندان مردم بسیار زحمتکش و محروم ما هستند، و در ابتدای دوران جوانی خود هستند، بله همه در یک ویژگی مشترک‌اند و آن مظلومیت آنهاست. این عزیزان در روزهای قیام در مقابل هیولای سنگدلی و بی‌رحمی بی‌دفاع و دست خالی بودند.

چه بسیار سرهای پر شور و قلب‌های بی‌آلایش آنها که هدف گلوله‌های جنگی قرار گرفت. و بسیاری از آنها هنوز اجسادشان ناپیداست. اما بگذارید تأکید کنم رژیم می‌که این جوانان و نوجوانان برای سرنگونی‌اش به خیابان‌ها آمده‌اند غیرممکن است که دیگر بتواند خود را سرپا نگهدارد. اگر خامنه‌ای و پاسداران‌اش فکر می‌کنند با پر کردن نیزارهای ماهشهر از پیکرها و خون مردم بی‌دفاع ما، می‌توانند به حکومت خود ادامه دهند سخت در اشتباهند.

اگر فکر می‌کنند با به خاک و خون کشیدن جعفرآباد و دولت‌آباد کرمانشاه یا صدرا و معالی آباد شیراز یا بهبهان و مریوان می‌توانند این رژیم پوسیده را حفظ کنند سخت در اشتباه‌اند... این قهرمانان و این شهیدان سرفراز ما هستند که خامنه‌ای را به عنوان دستور دهنده اصلی این کشتار بزرگ در خیابانهای ایران به منفورترین دیکتاتور خون آشام این زمانه تبدیل کردند».

۱۱- جمع‌بندی

یکم- قیام به سرعت شکل گرفت و مردم و محرومان در شهرهای مختلف در سراسر ایران علیه رژیم به پا خاستند.

دوم- شعارها به سرعت رادیکال شده و خامنه‌ای را نشانه رفت (مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور). سوم- نسل جدید که در این رژیم متولد شده و پیوسته در معرض تبلیغات و القابات همین رژیم مخصوصاً علیه مقاومت بوده، هسته مرکزی خیزش بود.

چهارم- نقش زنان به عنوان نیروی پیش‌تاز و رهبری کننده این قیام، بسیار چشمگیر و تأثیرگذار بود. پنجم- در این قیام تمامی مراکز دولتی، نظامی و وابسته به رژیم مورد حمله و تخریب مردم قرار گرفت. به هیچ وسیله یا اماکنی که مربوط به مردم بود، آسیبی وارد نشد. هر چه بود، توسط مأموران رژیم بود که به خودروها و امکان مردم آسیب رساندند.

ششم- باند مغلوب یا اصلاح‌طلبان کاملاً همراه با باند غالب برای سرکوب مردم بودند. در این قیام اصلاح‌طلبان به طور کامل سوختند.

هفتم- در خیابان و میدان عمل هیچ نشانی از شاه‌دوستان و دیگر مدعیان «خشونت پرهیز» نبود.

هشتم- استراتژی کانونهای شورشی و شهرهای شورشی، در صحنه عمل، آزمایش خود را پس داد.

نهم- به لحاظ تاکتیکی کانونهای شورشی به بهترین شکل فرماندهی را در صحنه به دست گرفتند.

دهم- هیچ یک از افراد و گروهها و رسانه‌های دور و نزدیک که سالها علیه مقاومت ایران و استراتژی و مواضع آن حرف می‌زدند به روی خود نیاوردند که اکنون کدام خط مشی در خیابان جریان دارد و کدام استراتژی است که سخن می‌گوید.

فصل دوم :

هلاکت قاسم سلیمانی، فروپاشی عمق استراتژیک ولایت فقیه

۱۲- در ساعت ۱ بامداد جمعه ۱۳ دی ۹۸ پاسدار قاسم سلیمانی، سرکرده نیروی تروریستی قدس سپاه پاسداران ولایت فقیه، با هواپیما از دمشق وارد فرودگاه بغداد شد و سپس همراه با ابومهدی مهندس، سرکرده بسیجیان حشد الشعبی عراق، و تیم حفاظتی اش با خودرو از فرودگاه بغداد خارج شدند. خودرو آنها پس از خروج از فرودگاه، هدف موشک پرتاب شده از پهپاد آمریکایی قرار گرفت. هر دو نفر و ۹ نفر از همراهان و محافظانشان در جا به هلاکت رسیدند. با هلاکت قاسم سلیمانی، فصل جدیدی در روابط رژیم و آمریکا و عراق آغاز شد. رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که این عملیات به دستور او صورت گرفته است.

کمیته سازمان‌دهنده تظاهرات انقلاب اکتبر در عراق، از این اقدام آمریکا استقبال کرد. خامنه ای بالطبع، آن را محکوم کرد و گفت «انتقام سختی» خواهد گرفت.

مسئول شورا در همان روز ۱۳ دی ۹۸ اعلام کرد: «قاسم سلیمانی آن روی سکه ابوبکر بغدادی است. دوقلوهای همزاد به اصطلاح شیعه و سنی با پدرخوانده واحد که همانا ولایت فقیه است. هلاکت قاسم سلیمانی ترسیم کننده مرزهای دوست و دشمن در منطقه است. کسانی که با رژیم و قاسم سلیمانی هستند ماهیت ارتجاعی خود را برملا می کنند و نیروهای میرا و محوشونده هستند».

مسعود رجوی در پیام ۱۸ دی ۹۸ نیز گفت: «اگر خامنه ای در سوز و سوگ سرپاسدار ولایتش دق مرگ می شد عجب نبود. جای این یکی را، که به راستی شماره ۲ واقعی و بی جانشین رژیم بود، کسی نمی تواند پر کند. عمق استراتژیکی و حفاظتی نظام ولایت فقیه، که در عراق و لبنان به لرزه در آمده بود، اکنون در سیاه چاله ای فرو رفته که انتهای آن سرنگونی است. جنگ افروزی و صدور ارتجاع و تروریسم از آغاز سپر حفاظتی و لازمه بقای ولایت فقیه بوده است. از این رو ذلت و ماتم را در چهره منحوس خامنه ای به وضوح می توان دید. به خصوص که قیام خلق از داخل زنگها را در ۱۹۰ نقطه در پیکر این خلق و این میهن به صدا در آورده است».

شایان یادآوری است که جمال جعفر محمد علی ابراهیمی، ملقب به ابو مهدی مهندس، با نام ایرانی جمال ابراهیمی سالها در تهران و در شهرک سازمانی سپاه در کرمانشاه (مفتح) سکونت داشت. او گماشته سپاه پاسداران در سپاه ۹ بدر و تحت امر پاسدار سرتیپ فروزنده جانشین قرارگاه رمضان نیروی قدس و سپس تحت امر پاسدار قاسم سلیمانی بود. او در عملیات فروغ جاویدان در سال ۱۳۶۷ و در انفجار قرارگاه حبیب در سال ۱۳۷۸ و بسیاری جنایتهای تروریستی دیگر علیه مجاهدین در خاک عراق شرکت داشت و در همان سالها بارها افشا شده بود. مدتی سرکرده سپاه ۹ بدر و سپس سرکرده شبه نظامیان موسوم به کتائب حزب الله در عراق بود. مقاومت ایران در سال ۱۳۸۴ او را در لیست ۳۲ هزار نفره مزدوران نیروی قدس در عراق با حقوق ماهانه ۲۶۰ هزار تومان با کد حقوقی ۳۸۲۹۷۷۰ افشا کرده بود.

۱۳- روز بعد از هلاکت قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس، خامنه ای اسماعیل قآنی را که جانشین نیروی قدس بود به فرماندهی این نیرو منصوب کرد تا جای خالی قاسم سلیمانی را در منطقه پر کند. اما سه ماه بعد وقتی در اولین سفر خود به عراق وارد بغداد شد تا گروههای مزدور رژیم را برای انتخاب

نخست وزیر هم نظر کند، موفق به انجام این کار نشد. قآانی در دومین دیدارش از عراق در ۱۴ خرداد ۹۹ به دستور نخست وزیر عراق مجبور شد برخلاف رویه قاسم سلیمانی، با ویزای رسمی وزارت خارجه عراق وارد این کشور شود.

بعد از هلاکت ابومهدی مهندس، رژیم آخوندی تلاش بسیاری برای انتخاب یک مهره خود به عنوان جانشین او به عمل آورد تا انسجام حشد الشعبی را حفظ کند اما موفق نشد. ظرف کمتر از دو ماه پس از هلاکت سلیمانی و ابومهدی مهندس، در اوایل اسفند ۹۸ گزارشهایی در مورد جدا شدن چهار تیپ حشد الشعبی در رسانه ها منتشر شد.

روز ۱۸ اسفند خامنه ای علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم را برای یک دیدار دو روزه روانه بغداد کرد. هدف این سفر هماهنگ کردن گروههای عراقی برای انتخاب نخست وزیر بود. او با همه سران دولت عراق و سرکردگان حشد شعبی دیدار و گفتگو کرد. ولی در نهایت دست خالی به تهران بازگشت.

۱۴- پیش از هلاکت قاسم سلیمانی، جنبش آزادیخواهی در کشورهایی که برای رژیم ولایت فقیه عمق استراتژیک شمرده می شد، ابعاد نوینی پیدا کرد و خیزشهای مردم عراق و لبنان بسیاری از سنگرهای دفاعی رژیم را ویران کرد. همزمان، ضربات هوایی و موشکی مداوم به نیروهای سپاه پاسداران در سوریه عمق استراتژیک رژیم را به لرزه در آورد.

درعراق، که پس از اشغال آمریکا در سال ۲۰۰۳ در عمل به جولانگاه رژیم ایران تبدیل شد، از همان هنگام، کشتار، ترور و تصفیه افراد و جریانهایی که با اشغال کشورشان، به ویژه با اشغال پنهان از طریق رژیم ولایت فقیه مخالف بودند، شروع شد. حاکمیت فرقه ای و طایفه ای در عراق کاملاً در کنترل سپاه تروریستی قدس قرار داشت و این نیروی تحت امر خامنه ای اقدام به ایجاد جریانهای مزدور خود کرد و اغلب نیروهای سیاسی دیگر را با تهدید و تطمیع از مخالفت بازداشت. حذف شخصیت‌های ترقی خواه و سکولار، مدافعان حقوق زنان، فعالان سندیکایی، مارکسیست‌ها و دگر اندیشان، از راهکارهای مزدوران خامنه ای در عراق است.

مردم رنج‌دیده عراق بارها و بارها و به شیوه های مختلف برای کسب دموکراسی، استقلال و عدالت به پاخاستند و هر بار به شدت سرکوب شدند. قبل از اکتبر ۲۰۱۹، تظاهرات مسالمت آمیز مردم ماهها در میدانهای ۱۰ استان در جنوب و مرکز عراق و همچنین میدان تحریر بغداد ادامه داشت. به دلیل بی جواب ماندن مطالبات مردم، در روز اول اکتبر ۲۰۱۹ تظاهرات سراسری و قیام در عراق آغاز شد که تاکنون ادامه دارد. جرعه قیام در ظاهر امر به خاطر برکناری عبدالوهاب الساعدی، فرمانده نیروهای مبارزه با تروریسم، زده شد ولی در واقع امر، لشکر گرسنگان بود که علیه کلیت دستگاه حکومتی در عراق قیام کرد. در ۳۱ اکتبر، استان دیالی نیز به جمع استانهای به پاخاسته پیوست. بدین ترتیب تظاهرات در ۱۱ استان عراق شامل: دیالی، بغداد، واسط، میسان، بصره، ذیقار، قادسیه، بابل، المثنی، کربلا و نجف ادامه یافت.

مهم این بود که قیام این بار در استانهای شیعه نشین عراق علیه رژیم ولایت فقیه و مزدورانش شعله کشید، استانهایی که خامنه ای تلاش می کرد آنها را ملک طلق خودش جا بزند. در چهل سال گذشته عراق مرکز ثقل جنگ افروزی و سکوی پرش سیاست صدور ارتجاع رژیم ولایت فقیه بود. سرمایه گذاری گسترده بر روی نیروهای نظامی و سیاسی و مذهبی عراقی و ایجاد تشکلهای مزدور و دست نشاندۀ در این کشور بخشی از همین سیاست است. در شرایط بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، رژیم آخوندها توانست هژمونی سیاسی، امنیتی، نظامی و حتی اقتصادی عراق را به دست بگیرد.

با چنین سابقه ای، وقتی از اکتبر سال گذشته مردم مظلوم عراق بپاخاستند و نظام فاسد حاکم بر کشورشان را بخاطر تبعیت از نظام ولایت فقیه هدف دادند، بساط صدور تروریسم و بنیادگرایی خامنه ای به لرزه افتاد. تصویر هزاران هزار تن از شیعیان عراقی که علیه خامنه ای شعار میدهند و جوانان عراقی که با کفش به عکسهای خامنه ای و قاسم سلیمانی میکوبند، کابوس وحشتناکی برای خامنه ای و نیروی تروریستی قدس است که از هیچ جنایتی در حق جوانان قیام آفرین، زنان، روشنفکران و خبرنگاران عراقی خودداری نکردند. با این همه قیام همچنان پر خروش ادامه دارد. قیامی که با خودش فرهنگی جدید و در واقع عراقی جدید به ارمغان آورده است. به این ترتیب خون جوانان شورشگر عراقی با خون جوانان شورشگر و قیام آفرین در ایران در هم می آمیزد و چشم انداز آزادی و دموکراسی در دو کشور و افق صلح و دوستی و برادری را در منطقه نوید میدهد.

۱۵- تظاهرکنندگان عراقی، اولین بار در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۹، به کنسولگری رژیم در کربلا تهاجم کردند و تلاش کردند آن را تصرف کنند. در ادامه، طی روزهای ۵، ۱۴ و ۱۵ نوامبر، این تهاجم تکرار شد. قسمتهایی از دیوار کنسولگری تخریب و به آتش کشیده شد. آنها شعارهایی علیه دخالت رژیم آخوندها در عراق سر دادند و خواستار اخراج و خلع ید از این رژیم شدند. از اول تا سوم دسامبر، کنسولگری رژیم در نجف، سه بار مورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت و به آتش کشیده شدند.

در ۴ ژانویه (۱۴ دی ۱۳۹۸) باز هم تظاهرکنندگان به کنسولگریهای رژیم در نجف و کربلا، تهاجم کردند و آنها را به آتش کشیدند. تقریباً هیچ دفتر و مرکز متعلق به احزاب و شبه نظامیان وابسته به رژیم مانند حزب الدعوة، بدر، نجبا، عصائب، کتائب و ... در استانهای جنوب و مرکز عراق باقی نماند که تظاهرکنندگان به آتش نکشیده باشند. این دفاتر در عمده استانها به ویژه میسان، بصره و ناصریه چندین بار به آتش کشیده شد. به طوریکه هیچ چیز از آنها باقی نماند.

۱۶- اولین زمزمه های استعفای عادل عبدالمهدی از منصب نخست وزیری در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۹، بعد از رشد تظاهرات، از طرف برهم صالح، رئیس جمهور عراق، شنیده شد. او گفت عبدالمهدی حاضر به استعفاست، به شرطی که فرد مناسبی جانشین او شود. رژیم ایران سعی در انتخاب یکی از مزدوران خود منجمله عزت شابندر، ابراهیم بحر العلوم و ... به جای عادل عبدالمهدی کرد ولی موفق نشد.

در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۹، ساعاتی پس از انتشار پیامی از طرف آیت الله سیستانی که در آن خواستار استعفای عادل عبدالمهدی شده بود، وی استعفای خود را تحویل پارلمان داد. پارلمان در اول دسامبر استعفا را پذیرفت و از او خواست تا زمان انتخاب نخست‌وزیر بعدی، عنوان «نخست‌وزیر پیشبرد امور» وظایفش را دنبال کند. اما کمیته‌سازمانده تظاهرات انقلاب اکتبر اعلام کرد تمامی افرادی که بعد از ۲۰۰۳ برسرکار بوده اند، باید از مناصب خود اخراج شوند. از این تاریخ تقریباً به مدت ۵ ماه، احزاب عراق، کاندیداهای متعددی برای منصب نخست‌وزیری معرفی کردند زیرا طبق قانون اساسی سال ۲۰۰۳ عراق، فراکسیون بزرگتر شیعیان باید نخست‌وزیر را معرفی کند. این کاندیداها، یکی بعد از دیگری رد شدند تا نوبت به مصطفی کاظمی رسید.

کتاب حزب‌الله در ۲ مارس، نسبت به احتمال کاندیداتوری مصطفی الکاظمی برای سمت نخست‌وزیری، واکنش نشان داد و طی بیانیه ای اعلام کرد که کاظمی اطلاعات قاسم سلیمانی را که منجر به قتل او شد به آمریکاییها داده است. در ادامه، کتاب حزب‌الله، تهدید کرد که جنگ داخلی در عراق راه خواهد انداخت.

مصطفی الکاظمی، در برنامه پیشنهادی خود، منجمله، بازداشت قاتلان تظاهرکنندگان، برگزاری انتخابات طی یک سال را در صدر برنامه های خود قرار داد. در حالیکه مزدوران رژیم، مأموریت اصلی او را «اجرای مصوبه پارلمان یعنی اخراج نیروهای آمریکا از عراق»، قرار داده اند، او اشاره ای به این موضوع نکرد.

۱۷- هلاکت قاسم سلیمانی در ۱۳ دی ۹۸ تأثیرات قابل توجهی در نیروهای رژیم در سوریه نیز به جا گذاشته است. بمبارانهای مستمر مراکز و اهداف وابسته به رژیم ایران در سوریه، در حقیقت توان نظامی رژیم را کاهش داده و هزینه زیادی روی دست رژیم گذاشته است. این موضوع، سیاست اعلام شده اسرائیل است و ادامه خواهد یافت. این درحالی است که برای رژیم ولایت فقیه حفظ رژیم سوریه به طور عام و حفظ بشار اسد در قدرت به طور خاص، اهمیت استراتژیک دارد. سوریه عمق استراتژی امنیت ولایت فقیه را تا مدیترانه ادامه داده و اتحاد استراتژیک با رژیم ورد زبان بالاترین مقامات سوریه است. یکی از اعضای هیات رئیسه مجلس سوریه در این باره گفته است «هیچ کس نمی تواند حدی برای رابطه بین رژیم ایران و سوریه بگذارد. زیرا این رابطه فوق استراتژیک است. نیروهای ایران به درخواست رسمی دولت دمشق وارد سوریه شده اند و تا زمانی که اعلام نشده، باقی می ماند».

۱۸- طی یک سال گذشته، هواپیماهای اسرائیل و آمریکا، مجموعاً ۳۱ بار مراکز نیرویی، فرماندهی، ستونها، تجهیزات و تسلیحات سپاه پاسداران، شبه‌نظامیان عراقی وابسته به رژیم، حزب‌الله و ارتش سوریه را بمباران کرده اند، تعداد زیادی از عناصر آنها را به هلاکت رسانده اند و خسارات زیادی به آنها وارد کرده اند. در یک محاسبه اولیه، تقریباً هر ۱۰ روز، این مراکز مورد تهاجم قرار گرفته اند. این مراکز

در سراسر جغرافیای سوریه، از استانهای جنوبی یعنی قنیطره و سویدا شروع شده، تا دمشق، آلبوكمال و دیرالزور در شرق تا فرودگاه تی فور در مرکز و استان حلب در شمال سوریه را شامل می شوند. از ۶ مه ۲۰۲۰، پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، و وزیر دفاع اسرائیل، موضع جدیدی در باره حضور نیروهای رژیم در سوریه اتخاذ و اعلام کردند. آنها در یک مصاحبه مطبوعاتی گفتند رژیم ایران هیچ کاری در سوریه ندارد و باید خاک این کشور را ترک کند.

۱۹- لبنان و در مرکز آن دار و دسته حسن نصرالله نقش بسیار مهمی برای رژیم ولایت فقیه دارند. لبنان مرز غربی «عمق استراتژیک» ولایت خامنه ای و نقطه کانونی «محور مقاومت ارتجاع» یا جبهه رژیم در منطقه محسوب می شود. در دوران خلافت خامنه ای، میلیاردها دلار برای حفظ این نقطه از جانب رژیم ایران هزینه شده است. حسن نصرالله با صراحت اعلام کرده که کلیه هزینه های دار و دسته او توسط «جمهوری اسلامی» تأمین می شود: «بودجه حزب الله از ایران می رسد و هیچ طرفی ارتباطی با این موضوع ندارد. پول از ایران می رسد، مانند موشکهایی که با آن اسرائیل را تهدید می کنیم. از حضرت امام خامنه ای، دولت ایران و رئیس جمهوری آن به خاطر حمایت بی دریغ از ما در سالهای گذشته تشکر می کنیم. ما حقوقها را می پردازیم و مشکلی در این زمینه نداریم... تا زمانی که ایران پول دارد ما هم پول داریم. هیچ قانونی نمی تواند مانع این دریافت شود... بودجه حزب الله از همان طریقی به وسیله ایران به دست ما می رسد که تجهیزات نظامی و دیگر نیازمندیها... ما در خصوص بودجه حزب الله شفاف هستیم، درآمدهایش، هزینه هایش، هرآنچه که خورده و نوشیده می شود، موشکها و راکتهایش همه از ایران دریافت می شود» (ایسنا، ۴ تیر ۱۳۹۵).

از اواخر مهرماه ۹۸ مردم لبنان در اعتراض به افزایش مالیاتها علیه دستگاه فاسد حاکمیت که به شدت تحت نفوذ حزب الله است قیام کردند. قیام لبنان که به دنبال قیام عراق کلان ضربه دیگری در عمق استراتژیک رژیم ولایت فقیه بود، در متنی از بی ثباتی سیاسی در این کشور با افت و خیزهایی هم چنان ادامه دارد.

۲۰- در روز ۲۶ مهر ۹۸ خبرگزاریها از لبنان گزارش کردند دهها هزار معترض در سراسر لبنان خواستار برکناری طبقه سیاسی شدند و گفتند هیأت حاکمه با سوء مدیریت و فساد اقتصاد لبنان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است. معترضان با شعارهای «انقلاب - انقلاب» و «مردم سرنگونی رژیم را میخواهند»، جاده ها را بستند و در مقابل ساختمانهای دولتی تجمع کردند.

در مرکز بیروت تظاهرکنندگان طبقه سیاسی را دزد و فاسد خواندند و با آتش زدن لاستیک، راههای منتهی به فرودگاه و نواحی مختلف اطراف پایتخت را مسدود کردند. مردم شهر نبطیه در جنوب لبنان دفاتر و خانه های تعدادی از مقامهای حزب الله و امل را به آتش کشیدند.

فواد سینیوره، نخست وزیر پیشین لبنان، در مصاحبه با اسکای نیوز گفت علت بحرانی که لبنان با آن مواجه است سیطره حزب الله بر این کشور است. چنگ انداختن حزب الله بر حکومت لبنان موجب

اخلال در قانون اساسی و توافقنامه طائف شده و اقتصاد لبنان از سال ۲۰۱۱ تاکنون به دلیل نفوذ حزب الله در نهادهای اصلی دولت لبنان روز به روز بدتر شده است. سمیر جعجع رهبر حزب نیروهای لبنانی گفت: آنچه در لبنان در حال وقوع است انقلاب مردمی حقیقی است. وی حزب الله را مسئول نابسامانی در لبنان دانست و گفت: حزب الله خیلی نگران است و بخشی از هوادارانش علیه این حزب قیام کرده‌اند.

دومین موج بزرگ خیزشها در اردیبهشت ۹۹ با شعارهای سرنگونی نظام در سراسر لبنان، به شمول مناطق شیعه نشین و تحت نفوذ حزب الله، بالا گرفت. تظاهر کنندگان در بیروت، طرابلس، صیدا، صور، نبطیه و بعلبک در اعتراض به وخامت وضعیت معیشتی، گران شدن مواد غذایی و افت شدید ارزش پول ملی که به پایین‌ترین حد خود یعنی چهار هزار لیر در مقابل یک دلار رسیده بود، به خیابانها ریختند. تظاهر کنندگان که با نیروهای امنیتی درگیر شدند، شعار می دادند: «انقلاب، انقلاب، انقلاب»، «این انقلابی است علیه سرکوب و گرسنگی» و «حزب الله تروریست است».

۲۱- سومین موج اعتراضات به دنبال انفجار مهیب سه شنبه ۱۴ مرداد در بندر بیروت بالا گرفت. انفجاری که بندر بیروت و بخشهای بزرگی از شهر را ویران کرد. شمار کشته ها تا ۲۰۰ تن و شمار مجروحان بیش از ۴۰۰۰ تن و شمار بی خانمانها بیش از ۳۰۰ هزار نفر برآورد شده است. ناظران سیاسی این رخداد را سرفصلی در تحولات سیاسی لبنان ارزیابی کردند که در بحبوحه فروپاشی اقتصادی لبنان، سراپای دستگاه سیاسی حاکم را لرزاند و ناکار آمدی و بی کفایتی آن را به اثبات رساند. برخی از رسانه های حکومتی در ایران «این انفجار را تیر خلاصی بر دولت حسان دیاب که رابطه خوبی با حزب الله دارد» توصیف کردند.

در هنگام دیدار رئیس جمهور فرانسه از ویرانه های بیروت در روز پنجشنبه ۱۷ مرداد، مردمی که همه چیز خود را ازدست داده بودند، گریان و فریاد زنان از او و جامعه جهانی خواستار نجات کشور شان از دست حاکمیت نالایق و فاسد شدند. مردم و جوانان خشمگین در میان تمامی مصائب ناشی از انفجار، در بیروت و سایر شهرهای لبنان دست به تظاهرات و قیام زدند

روز شنبه ۱۸ مرداد ۹۹ تظاهرکنندگان لبنانی در حال تشییع سمبلیک پیکرهای کشته شدگان انفجار بیروت، چوبه های دار با خود حمل می کردند و بر روی آنها خطاب به حاکمان نوشته بودند: بین استعفا یا چوبه دار یکی را انتخاب کنید. تظاهرکنندگان خواستار استعفای رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس و نمایندگان پارلمان شدند و گفتند آنها عامل ویرانی لبنان و آواره شدن صدها هزار تن هستند. آنها همچنین شعار می دادند: انقلابی، آزاده، راه را تا به آخر ادامه خواهیم داد.

استمرار خیزشها و موجی از ریزش و کناره گیری در میان سفیران و وزیران و نمایندگان پارلمان ظرف کمتر از یک هفته سرانجام به استعفای حسن دیاب نخست وزیر و سقوط کابینه او در ۲۰ مرداد ۹۹ منجر شد.

فصل سوم :

قیام دی ماه ۱۳۹۸

پس از سرنگونی هواپیمای اوکراینی

۲۲- در اولین ساعات چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰)، همزمان با کارناوال مرده گردانی تابوت قاسم سلیمانی، سپاه پاسداران به فرمان خامنه ای و در واکنش به هلاکت سلیمانی، پایگاه عین‌الاسد در استان الانبار عراق را با ۱۲ موشک، هدف قرار داد. در این حمله هیچکس کشته نشد. جواد ظریف گفت همه را از قبل به مقامات عراقی اطلاع داده بودیم. واضح است که مقامات عراقی هم به آمریکایی‌ها اطلاع داده بودند.

سپاه پاسداران در اطلاعیه خود ادعا کرد که در عملیات به نام سلیمانی دهها موشک شلیک کرده و اگر آمریکا مجدداً «شرارت کند با پاسخ کوبنده تر مواجه خواهد شد» در اطلاعیه سپاه پاسداران به شکل مسخره یی از مردم آمریکا خواسته شده بود که «سربازان آمریکایی را از منطقه فرا بخوانند!» ظریف از ترس واکنش آمریکا سریعاً اعلام کرد: «حمله انجام شد و تمام شد. [رژیم] ایران اقدام متناسب را در دفاع از خود بر اساس ماده ۵۱ سازمان ملل انجام داد و تمام کرد ... ما به دنبال افزایش تنش یا جنگ نیستیم». خامنه ای که از پاسخ ضعیف ولایتش آگاه بود، مساله خروج نیروهای آمریکا از عراق را به عنوان انتقام اصلی رژیم پیرامون هلاکت قاسم سلیمانی عنوان کرد.

۲۳- همزمان با حمله به پایگاه آمریکا، سپاه پاسداران در بامداد چهارشنبه ۱۸ دی به یک هواپیمای مسافربری که از فرودگاه تهران بلند شده بود موشک شلیک کرد و باعث سرنگونی آن و کشته شدن تمامی سرنشینان آن که ۱۷۶ تن بودند شد. تعداد زیادی از مسافران، ایرانیان شاغل یا دانشجوی در کشورهای اروپایی و کانادا بودند. ساکنان منطقه پرند اعلام کردند «ما موشک‌هایی را در آسمان پرند دیدیم و صدای سه انفجار شدید را شنیدیم به شکلی که خانه‌هایمان لرزید».

این که در چنین شرایط جنگی چرا اجازه پرواز به هواپیما داده شده، نکته‌یی است که به مرور روشن شد. ارزیابی سپاه این بوده که اگر آسمان تهران پرواز ممنوع اعلام شود، آمریکاییها از آن مطلع می شوند و بنابراین با توجه به عملیات مربوط به قاسم سلیمانی به عملیات انتقامی پی برده و آمادگی بیشتر پیدا می کنند. چندی پیش نیز شبکه کانادایی سی.بی.سی یک فایل صوتی منتشر کرد که «نشان می دهد مقامات ارشد [رژیم] ایران در زمان حمله موشکی به یک پایگاه میزبان نیروهای آمریکایی در عراق، آسمان ایران را به روی پرواز تجاری باز گذاشتند تا برنامه حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد در عراق، لو نرود» (رادیو فردا). این راهکار جنایتکارانه سپاه بدون تردید با چراغ سبز خامنه ای اجرا شده است.

خانم مریم رجوی بلادرنگ اعلام کرد: سرنگونی هواپیمای مسافری جنایت بزرگ رژیم است مردم نه می بخشند و نه فراموش می کنند. مقصر اصلی خامنه ای، روحانی و سرکردگان پاسداران هستند و

باید محاکمه و مجازات شوند. دبیرخانه شورا در اطلاعیه ۲۱ دی ۹۸ خاطرنشان کرد: «حسن روحانی، رئیس جمهور ارتجاع و ستاد فرماندهی نیروهای مسلح رژیم پس از ۷۲ ساعت تأخیر و تعلل و صحنه سازی و دروغپردازی، زیر ضرب روشنگریها و عکسهای منتشر شده، به ناچار اعتراف کردند که هواپیمای مسافری اوکراینی با شلیک موشکهای سپاه پاسداران سرنگون شده است.»

۲۴- دولتهای کانادا و اوکراین مدارکی در دست داشتند که ثابت می کرد شلیک به طور عمدی انجام شده و بنابراین خواهان دریافت جعبه سیاه و یک تحقیق مستقل شدند. خانواده های جانبازان سقوط هواپیمای اوکراینی هم پس از مدتی به تأسیس «انجمن خانواده های جانبازان هواپیمای مسافربری اوکراینی» اقدام کردند و خواستار انجام تحقیقات بی طرفانه و جامع درباره جنایت سرنگونی این هواپیما و حضور نماینده از آنان در جریان بازخوانی اطلاعات جعبه سیاه شدند.

کارگزاران نظام در ارسال جعبه سیاه چند ماه تعلل کردند و سرانجام در ۲۷ تیر ۹۹ (۱۷ ژوئیه) پس از ۶ ماه تأخیر جعبه سیاه هواپیمای مسافربری بویینگ ۷۳۷ متعلق به شرکت هواپیمایی اوکراینی به پاریس منتقل و ۳ روز بعد بازخوانی اطلاعات آن انجام شد و چند روز طول کشید. اما هنوز هیچ گزارش رسمی در این مورد منتشر نشده است.

خامنه ای و روحانی و سرکردگان سپاه که به محض شلیک موشک از فاجعه‌یی که رخ داده بود مطلع بودند، سه شبانه روز آن را کتمان و انکار کردند. در این اثناء خشم و التهاب عمومی به اوج رسید بطوری که دیگر جایی برای حاشا کردن نبود و پاسدار حاجی زاده سرکرده هوافضای سپاه در یک سناریوی مضحک اعلام کرد «یکی از عناصر ما خبط و خطا کرده» و هواپیما با موشک سپاه سرنگون شده است.

۲۵- به دنبال اعتراف سپاه پاسداران قیامی دیگر در تهران و چندین شهر کشور با پیشگامی دانشجویان شکل گرفت. دانشگاه که رژیم سالها تلاش کرده بود با پاسداران و بسیجیان و انجمنهای رنگارنگ حکومتی و اداره حراست آن را خنثی کند، بار دیگر به کانون شورش و انقلاب تبدیل شد. دانشگاه که جوش و خروش آن یادآور مبارزات مردم علیه نظام سلطنتی بود، اینک صحنه رویارویی با نظام ولایت فقیه شده بود.

هزاران نفر از مردم تهران برای همدردی با خانواده های جانبازان و اعتراض به سپاه در مقابل دانشگاه صنعتی شریف، که تعدادی از دانشجویانش در این هواپیما جانباخته بودند، تجمع کردند. همزمان هزاران نفر از مردم تهران در مقابل دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه هنر، دانشگاه ملی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دانشگاه الزهرا و خیابانهای مختلف تهران از جمله خیابان حافظ، تقاطع خیابان طالقانی و حافظ، چهارراه ولیعصر دست به اعتراض زدند. در سایر شهرها منجمله اصفهان، کرمان، سنندج، ایوانکی، بندرعباس، رشت، لاهیجان

و دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه دامغان، دانشگاه مشهد، دانشگاه مازندران نیز مردم و دانشجویان تجمعات اعتراضی علیه خامنه‌ای و سپاه برگزار کردند.

قیام دیمه ۹۸ با پیشگامی دانشجویان و با حمایت و شرکت مردم سه روز متوالی در تهران و ۱۸ استان دیگر ادامه یافت و نیروهای سرکوبگر انتظامی و پاسداران برای مقابله با آن به حمله و هجوم و تیراندازی و دستگیری شمار زیادی از دانشجویان مبادرت کردند.

۲۶- یک ویژگی برجسته این قیام تمرکز شعارهای قیام روی ولی فقیه و تمامیت رژیم بود و نشان داد که باندهای حاشیه و متن رژیم دیگر در اعتراضها و قیامها محلی از اعراب ندارند و خیابان و قیام به نیروهای واقعاً انقلابی تعلق گرفته که خصوصیت ویژه‌شان مرزبندی با شیخ و شاه است.

دانشجویان شعار می دادند: «غلط کردند، خطا کردند»/ «مرگ بر خامنه‌ای»/ «مرگ بر دیکتاتور»/ «فرمانده کل قوا استعفا استعفا»/ «سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند»/ «دانشجو بیدار است از سیدعلی بیزار است»/ «بسیجی بی غیرت عامل قتل ملت»/ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»/ «نه شاه میخوایم نه رهبر، نه بد میخوایم نه بدتر»/ «حکومت سپاهی نمی خواهیم»/ «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل را ستایش کنیم»/ «ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما»/ «خامنه‌ای حیا کن، مملکتو رها کن»/ «مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت»/ «سپاهی حیا کن، مملکتو رها کن»/ «دانشجو بیدار است، از سیدعلی بیزار است»/ «می کشم می کشم، آنکه برادرم کشت»، «برادر شهیدم، خونتو پس می گیرم»/ «مرگ بر دروغگو»/ «به من نگو فتنه گر، فتنه تویی ستمگر»/ «سپاه بی کفایت، مایه ننگ ملت»، «سپاه بی کفایت، عامل قتل ملت»/ «سلیمانی قاتله رهبرش هم قاتله»/ «نه تاج و نه عمامه، آخوند کارت تمامه» و ...

جوانان شورشی عکسها و بیلبردهای قاسم سلیمانی را پایین کشیده و سوزاندند. مراسم تدفین کشته شدگان بعد از چند روز در شهرهای مختلف برگزار شد. در اغلب موارد خانواده جانبازان اجازه ندادند روی تابوتهای اقوام و بستگان شان، پرچم رژیم انداخته شود.

۲۷- قیام دیمه ۹۸ دو پیام ویژه داشت. نخست اینکه کمتر از دو ماه پس از قیام آبان، و به رغم آن سرکوب وحشیانه و کشتار بی سابقه در خیابان، بحران انقلابی و ضرورت قیام و سرنگونی و آمادگی شرایط سیاسی و اجتماعی را به طور مضاعف اثبات کرد. دوم اینکه بساط دجالبازیه‌های خامنه‌ای با مرده گردانی قاسم سلیمانی و تبلیغات پرهزینه حول آن را به کلی درهم ریخت. آنهم درحالی که رژیم شبکه خبرنگاران دوست خود و امثال اردشیر زاهدی را به خدمت گرفته بود تا جلاد خلقهای منطقه را «سردار ایران اسلامی» و «چه گوارای ولایی» قلمداد کند. اما به زیرکشیدن عکسهای این دژخیم توسط کانونهای شورشی و دختران و پسران دانشجو و دانش آموز در خیابانها در قیام دیمه ۹۸ آه از نهاد دشمن برآورد. پیش از آن جوانان شورشگر عراقی عکسهای منحوس سلیمانی و خامنه‌ای را در میدان آزادی بغداد و در شهرهای شورشی و اغلب شیعه نشین عراق لگد کوب کرده و به آتش می

کشیدند. روز ۲۴ دی ۹۸ علم الهدی امام جمعه و نماینده خامنه ای در مشهد با خشم و درماندگی خطاب به بسیجیان پای منبرش گفت: «عزیزان ما داریم امتحان می‌شویم حاج قاسم سلیمانی رفت، سفره امتحان برای ما پهن است تا کجا ایستاده‌ایم و تا آنجا ایستاده ایم که ستون خیمه این نظام مورد تهاجم قرار بگیرد و بعد شما از کنارش بی تفاوت رد بشوید؟! در شهری که ۷ میلیون جنازه حاج قاسم تشییع کننده داشته هنوز هفتم خاکسپاری او نرسیده توی این شهر می آیند عکس حاج قاسم را پاره کنند آتش بزنند یعنی از آن ۷ میلیون آیا ۱۰ هزار نفر نبود بیاید جلوی این قضیه بگیرد؟ این مایه مصیبت است».

فصل چهارم:

یک دست سازی از طریق انقباض

۲۸- جناح‌بندی و جنگ قدرت بین دزدان و غارتگران مردم و کشور ایران از ابتدای حاکمیت خمینی تا امروز بوده و تا سرنگونی هم ادامه دارد. از سال ۱۳۸۴ و با برآمد مهندسی شده احمدی نژاد، جدال درون باندهای نظام ابعاد جدیدی پیدا کرد. اما از قیام دی ماه ۹۶ فراتر از جنگ قدرت، جنگ برای بقای نظام به دغدغه عمده باندها به ویژه دو باند اصلی (دولت - اصلاح طلبان با حاکمیت - خامنه ای و سپاه) تبدیل شده است. زیرا هر دو باند رژیم مبنای قیامهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ را به صفر نزدیک شدن اعتماد اجتماعی و تنفر و نارضایتی لااقل از دهک هفتم به پائین از کل نظام می‌دانند و خطر براندازی در قیام بعدی را جدی ارزیابی می‌کنند.

روحانی و اصلاح طلبان سیاست راهبردی را در تغییر رفتار یعنی در مماشات بین‌المللی و حل مساله معیشت و اقتصاد و رفم توزیع منابع و قدرت می‌بینند تا به‌زعم خودشان مقداری اعتماد اجتماعی را برگردانند و از این طریق مانع براندازی شوند. روحانی این تضاد را این‌گونه بیان کرد: «مسئله اصلی این است که استراتژی ما باید تعامل سازنده و یا تقابل مستمر باشد».

خامنه‌ای و باندش به صراحت تغییر رفتار را خودکشی قبل از مرگ می‌بینند و تنها راه را در قدرت یابی (از طریق تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی) و جلوگیری از ریزش نیروهای اخص خود (سپاه و بسیج و ...) و سرکوب جامعه به وسیله این نیروها ارزیابی می‌کنند.

خامنه‌ای بعد از قیام آبان ۹۸، ضربه هلاکت قاسم سلیمانی و اعتراضات دی ماه ۹۸ در ۲۶ دی ماه، راه حل را در قدرتمند شدن عنوان کرد. اما روزنامه اقتصاد (از باند روحانی) در ۷ اردیبهشت ۹۹ این سیاست را با عنوان «غولی با پاهای چوبی» تعریف کرد و نوشت: «کسانی که فکر می‌کنند بدون وجود و بی توجه به اقتصادی قدرتمند، فقط با اتکا به قدرت نظامی می‌توان در بلندمدت امنیت را برای کشور تأمین کرد، به یاد داشته باشند شوروی با حمله ارتشی بیگانه از هم فرو نپاشید، این حمله ارتش اقتصاد ناکارآمد خودشان بود که بدون شلیک حتی یک گلوله باعث شکست آنان شد».

۲۹- در سال ۹۸ تا تشکیل مجلس یازدهم در ۷ خرداد ۹۹ جنگ دو خط انبساط و انقباض بین خامنه ای و جناحش باروحنی و اصلاح طلبان بی وقفه ادامه داشت تا به مجلس کاملاً انقباضی در ۷ خرداد ۹۹ انجامید و هرروز این جنگ عمیق تر شد. خامنه ای در ۲۶ شهریور ۹۸ در جلسه به اصطلاح درس خارج فقه گفت: «ملت ایران در مواجهه با موج تبلیغاتی گسترده، عظیم و عمیق دشمن علیه کشور و مقدسات در حال تصمیم گیری است. همه باید بدانند که مذاکره ترفند است. سیاست دولت آمریکا، تنها راه مواجهه با ایران، فشار حداکثری می بیند، هدف آنها از مذاکره این است که به همه ثابت کنند فشار حداکثری جواب داد. اگر دشمن توانست اثبات کند که فشار حداکثری علاج کار و مؤثر بر روی [رژیم] ایران است، [رژیم] ایران دیگر روی آسایش را نخواهند دید، چون پشت سر همه سیاستهای مستکبرانه آمریکا این سیاست قرار خواهد گرفت».

روحانی در ۲۴ مهر در دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه «سرنوشت آینده کشور را انتخابات تعیین می کند» بر روی محور اصلی تضاد در رژیم انگشت گذاشت و با طرح این سؤال که پیشرفت و آینده کشور در سایه تعامل یا تقابل با دنیاست؟ گفت: «این مساله ای راهبردی است که ۴۱ سال است به جواب روشن و قاطع در این زمینه نرسیده ایم. یک عده بر تعامل سازنده وعده ای نیز بر تقابل مستمر با جهان تأکید دارند. یک عده معتقدند که مشکلات موجود جز با قدرت نمایی و شکستن دشمن میسر نیست و یک عده نیز معتقدند می توان بسیاری از مشکلات را با گفتگو حل و فصل کرد. لذا مساله اصلی این است که استراتژی ما باید تعامل سازنده و یا تقابل مستمر باشد. عده ای عنوان می کنند که مذاکره با خارجیها وقت تلف کردن است و باید با آنها تقابل کنیم، در این صورت است که روزی در مقابل ما کوتاه خواهند آمد و در مقابل یک عده هم معتقدند که با جنگ و تقابل به جایی نمی رسیم، بدون تعامل و رابطه با دنیا شاید بتوان زندگی را گذراند اما دستیابی به رشد و توسعه چطور؟ برای موضوعاتی که بیش از ۴۰ سال است راجع به آنها بحث می کنیم به نتیجه نرسیده ایم، باید همه پرسى کنیم».

۳۰- خامنه ای که ۲۴ بهمن ۹۷ در بیانیه «گام دوم انقلاب» سیاست انقباض را در مقابل خط سازش و مذاکره اعلام کرده بود، پس از مهره چین کردن مجلس یازدهم از طریق مهندسی نمایش انتخابات، در سخنرانی روز ۲۹ اردیبهشت ۹۹ خط سیاسی خود را در قالب ضرورت دولت جوان (با شاخص قاسم سلیمانی) مطرح کرد.

قالیباف که روز شنبه ۱۰ خرداد با توافق باندهای بااصطلاح اصولگرا به ریاست مجلس رژیم رسید، روز بعد در جلسه افتتاحیه مجلس روی محورهای همین خطوط تأکید کرد. همزمان سعید جلیلی در نامه یی به قالیباف که با تیتراژ «ردپای دولت سایه در نامه سعید جلیلی به محمدباقر قالیباف» که در خبر آنلاین ۱۲ خرداد ۹۹ درج شده است، به تعیین اولویتهای مجلس جدید پرداخت و با استناد به حرفهای قاسم سلیمانی نوشت «مجلس با انبوهی از موضوعات و مسائل مواجه است که پرداختن به هر کدام آنها می تواند توجیه داشته باشد. اما انتظار منطقی مردم، پرداختن به اولویت ها است».

سپس خامنه ای در روز چهارشنبه ۱۴ خرداد در سالمرگ خمینی، از او به عنوان یک «تحول خواه» یاد کرد و برای قالب کردن خط انقباضی مورد نظرش به سرکردگان ولایت، تلاش کرد که آن را تحول خواهی مورد نظر خمینی قلمداد کند. سیاست انقباضی ولی فقیه شامل؛ یک پایه کردن رژیم با محورهای زیر است:

- تضعیف کیفی دولت روحانی (البته تا مرز برکناری)
- جا انداختن جانشینی آخوند رئیسی برای مقام ولی فقیه
- جا انداختن جلیلی برای ریاست جمهوری
- تشدید خط سرکوب داخلی و اعدام دستگیرشدگان قیام و فعالان کانونهای شورشی
- طراحی چند وجهی به منظور تبلیغ مجاهدین به عنوان خطر اصلی برای همه اجزای نظام و متحدین نظام

- تشدید فعالیت نرم افزاری و توطئه های تروریستی علیه مجاهدین و مقاومت ایران

- تشدید تضادهای بین المللی با افزایش مداخلات منطقه ای، افزایش فعالیتهای موشکی، سرعت دادن به غنی سازی هسته ای و قلمداد کردن آن به عنوان نتیجه تحریمهای ترامپ و حفظ پلهای ارتباطی با اروپا و سرمایه گذاری روی شکست ترامپ و روی کار آمدن بایدن در آمریکا

این سیاست ریسک انزوای رژیم و مماشاتگران را در سطح بین المللی و ریسک ریزشهای سنگین در درون رژیم را در بردارد. ولی خامنه ای سعی می کند با تأکید بر حفظ دولت روحانی تا روز آخر با سیاست یکی به نعل و یکی به میخ در رابطه با برجام و طرفهای اروپایی این ریسک را کاهش دهد.

۳۱- خامنه ای در سال ۸۴ سرمست از جنگهای عراق و افغانستان، با ریاست جمهوری احمدی نژاد، رفسنجانی و باندهای اعتدالی و اصلاحاتی داخل رژیمش را کنار زد و نظام ولایت را یکدست کرد. در سال ۸۸ تلاش کرد طیف مخالفان یکسرگی نظام (از ناطق نوری تا رفسنجانی و موسوی و کروبی) را یک جا از دور خارج کند، که منجر به خیزشهای سال ۸۸ و درهم شکسته شدن اتوریته ولایتش در کف خیابان شد. در سال ۹۲ برای جلوگیری از دو سر شدن ولایت حتی رفسنجانی را رد صلاحیت کرد، اما شکسته شدن اتوریته اش، تشدید تضاد در باند خودش به ویژه در سپاه بین سلیمانی و جعفری، مهندسی اش را به شکست کشاند و روحانی روی کار آمد.

روزنامه تهران امروز، ارگان شهرداری تهران، که مدافع قالیباف بود، در سرمقاله روز ۲۶ خرداد ۹۲ درباره شکست مهندسی ولی فقیه خطاب به جلیلی که کاندید مورد نظر خامنه ای بود، نوشت: «آقای جلیلی شما به قول خودتان و حامیان دو آتشهتان، به تکلیفتان عمل کردید؟ فقط پرسش ما از شما این است که واقعاً به تکلیفتان عمل کردید که انتخابات ریاست قوه اجرایی را به یک رفراندوم هسته یی تبدیل کردید؟!»

خامنه ای برخلاف تمامی انتخابات قبلی در نظام، این بار حتی به روحانی تبریک هم نگفت و علیرغم سازشهای روحانی با خامنه ای و سپاه در چیدمان کابینه، با تشکیل دولت سایه به ریاست سعید جلیلی

مقابله باروحانی را شروع کرد، حمیدرضا آصفی (سفیر اسبق رژیم در فرانسه) در مصاحبه‌ی ۲۴ شهریور ۹۷ گفت: «دولت پنهان قدرت زیادی دارد اما پاسخگو نیست. آنها برای شکست برجام و سرنگونی دولت روحانی، تلاش‌ها کرده‌اند».

با چراغ سبز خامنه‌ای، آخوند ذوالنور در ۲۸ بهمن ۹۷ روحانی را تهدید به استیضاح و شروع به جمع‌آوری امضا کرد و دهقان نماینده دیگر باند خامنه‌ای در ۶ اسفند ۹۷ در ضرورت این استیضاح گفت: «در چند سال اخیر دولت راهی را شروع کرد که به بن بست رسیده است. اما به بن بست رسیدن برخی مسئولان غرب‌گرا به معنای به بن بست رسیدن کشور و ملت ایران نیست. افرادی که ۶ سال مسیر اشتباه را طی کرده‌اند، بعید است بتوانند مسیر دولت را تغییر دهند».

در واکنش به این تهاجم‌ها، روحانی در ۷ اسفند ۹۷ برای اعتراض به خامنه‌ای و باندش در رابطه با FATF گفت: «..... نمی‌شود کشور را به ۱۰-۲۰ نفر داده و بگوییم که هر تصمیمی آنها بگیرند، ما نیز تابع هستیم؛ چنین نیست و صاحب این کشور، ملت بزرگ ایران هستند» و به دنبال آن در ۱۵ اسفند ۹۷ گفت: «در جلسات با رهبر معظم انقلاب گفتم که در این مرحله نیاز به یک فرمانده داریم تا همه مردم و ارکان نظام با یک فرماندهی واحد دشمن را شکست دهند و پیشنهاد دادم که ایشان به عنوان رهبر نظام، فرماندهی جنگ اقتصادی را بر عهده بگیرند اما رهبری گفتند الان شرایط جنگ است و نیاز به فرمانده این جنگ داریم که باید فرمانده آن رئیس‌جمهور باشد». این نشان‌دهنده کوتاه آمدن مجدد خامنه‌ای بود.

۳۲-در ۱۹ فروردین ۹۸ سپاه در لیست تروریستی آمریکا قرار گرفت و در ۸ اردیبهشت ۹۸، ترامپ معافیت ۸ کشور از تحریم نفتی رژیم را لغو کرد. خامنه‌ای که در یک سال گذشته با کنار آمدن باروحانی، به او امتیاز مماشات با اروپا را به امید یافتن راهی برای کم کردن فشار تحریم‌ها داده بود، مذاکره در تعادل قوای فعلی را مساوی تسلیم اعلام کرد و با این تحلیل که آمریکا وارد جنگ نمی‌شود، انفجار ۴ نفت‌کش دریای عمان و ساقط کردن پهپاد آمریکایی و ... حمله به آرامکو در عربستان را انجام داد.

با اوج‌گیری تضاد خامنه‌ای -روحانی، عباس عبدی در ۱۷ آذر ۹۸ با اشاره به وجود تنش در ساختار قدرت پیشنهاد انتخابات زودرس ریاست جمهوری را داد و گفت: هیچ حکومت و دولتی حتی در شرایط عادی نیز نمی‌تواند و مجاز نیست که با این حد از تنش مدیریت خود را تداوم دهد.

به گزارش روزنامه انتخاب در ۲۸ آذر ۹۸، محسن هاشمی رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران، در کنگره حزب همبستگی گفت: افراطی‌ها با افزایش قیمت بنزین، طرح دوفوریتی برای بازگرداندن قیمت و طرح استیضاح وزرا را پیش کشیدند ولی حکم حکومتی از طرف رهبری به مجلس، باعث عقب نشینی تندروها شد...

سپس در مراسم ۹ دی ۹۸ آخوند حاج صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه خواهان برکناری دولت روحانی شد و گفت: مردم نمی‌پذیرند افرادی که در فتنه ۸۸ نقش داشتند در پست و سمت باشند؛ باید

مراقب نفوذ در دستگاه حاکمیتی باشیم. آخوند مصباح یزدی در مدرسه فیضیه پیشنهاد مذاکره با دشمن در خفا را احمقانه نامید. در این مراسم پلاکارهایی علیه روحانی را به نمایش گذاشتند از جمله: «کودتای بنزینی، خیانت و خودبینی»، «وزیر ارتباطات سورپرایز داریم برات».

بعد از هلاکت قاسم سلیمانی و ماجرای موشک پرانی به پایگاه آمریکاییها در عراق و به دنبال ماجرای شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی و شورش بعد از آن، و به ویژه شعارهای سرتاسری دانشجویان علیه کلیت نظام، خامنه‌ای بعد از ۸ سال، در ۲۶ دی ماه ۹۸ به نماز جمعه آمد و بعد از تعریف و تمجید از قاسم سلیمانی و بدون حتی یک تسلیت به خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکراینی و با رد کردن مجدد راه حل مذاکره، راه حل را «قوی شدن» اعلام کرد و گفت: «در یک کلمه؛ ملت [بخوانید ولایت] ایران باید همتشان این باشد که قوی باشند. تنها راه این است که قوی بشویم. ما از مذاکره هم ابایی نداریم».

شایان یادآوری است که در این اثنا، در اوایل زمستان، در دیماه ۹۸ ویروس کرونا وارد ایران شده بود اما آماده سازی برای نمایشهای ۲۲ بهمن و شعبده انتخابات، باعث پنهان کاری و پرده کشیدن بر این خطر مهلک گردیده بود.

۳۳-روحانی قبل سخنرانی خامنه‌ای در ۲۶ دی و قبل از اعلام نهایی نتایج رد صلاحیتها در نمایش انتخابات مجلس، خواهان آشتی ملی شد و تصریح کرد که اگر آشتی ملی انجام شود بر مشکلات پیروز می شویم و الا شکست می‌خوریم و شاخص مشخص آن را هم بازگشت رد صلاحیتها دانست. خامنه‌ای در ۲۶ دی جوابی به روحانی نداد و بدون توجه به مواضع و اظهارهای روحانی، با تیغ شورای نگهبان در رد صلاحیتها، و به نحوی متفاوت با تمامی انتخابات قبلی، ۵۸ درصد کاندیداها را رد صلاحیت کرد که عمدتاً از سران و بدنه اصلاحاتی‌ها بودند. خامنه‌ای به این ترتیب انتخاباتی کاملاً مهندسی شده برگزار کرد، به طوری که در ۱۵۷ حوزه هیچ کاندیدای اصلاحاتی باقی نگذاشت.

در مقابل، روحانی در اوایل بهمن ۹۸ یک میهمانی ترتیب داد که در آن محمد خاتمی، ناطق نوری، حسن خمینی، اسحاق جهانگیری و تعدادی از سران اصلاح طلبان شرکت داشتند. رسانه های باند خامنه‌ای آن را جلسه انتخاباتی نامیدند. در این جلسه تصمیم گرفته شد که اگر شورای نگهبان در رد صلاحیتها تجدیدنظر نکنند، برخلاف تمامی نمایشهای انتخاباتی قبلی، به نام اصلاح طلبان از هیچ لیستی حمایت نشود.

روحانی در ۷ بهمن ۹۸ در همایش استانداران و فرمانداران سراسر کشور، علیه شورای نگهبان و باند خامنه‌ای و رد صلاحیت و عدم تصویب FATF موضع‌گیری تندی کرد که باند خامنه‌ای آن را با موضع گیری وی در انتخاب ۹۶ علیه رئیسی، که از «۳۸ سال اعدام و زندان» سخن گفت، مقایسه کردند. روحانی گفت: «بزرگ ترین خطر برای دموکراسی و حاکمیت ملی روزی است که انتخابات تبدیل به تشریفات شود و جای دیگری انتصاب کنند و مردم پای صندوق بروند و تشریفات انتخابات را انجام دهند. در زمان رژیم گذشته در حوزه های انتخابیه عده ای کاندیدا می شدند اما همه می

دانستند که وکیل چه کسی است و در شهرستانها می گفتند فلانی از تهران تعیین شده؛ مردم هم می دانستند که به هرکسی که رأی بدهند همان آقای که از تهران تعیین شده نامش از صندوقها خارج می شد و این خطر بزرگی بود که ملت ما را تهدید می کند باید به مردم اعتماد بدهیم که نظام ما نظامی تک حزبی و کمونیستی نیست. ما نظام شاه نیستیم و فقط حزب رستاخیز و کمونیست نداریم بلکه ما نظامی چند حزبی هستیم... باید حواسمان به آنهایی که می خواهند اعتماد مردم را ترور کنند جمع باشد. او در ادامه گفت: می ترسم روزی این کلمه جمهوریت نیز تبدیل به جرم شود. نامه هایی که لازم بوده را نوشته و مصلحت ندیدم که این نامه ها را منتشر کنم».

۳۴-باند خامنه‌ای در واکنش به سخنان روحانی، از پخش مستقیم سخنانش در رادیو تلویزیون حکومتی خودداری کرد و روزنامه جوان، ارگان سپاه، در ۸ بهمن ۹۸، با عنوان «آقای روحانی شما را به خدا یک چیزی برای این نظام باقی بگذارید» نوشت: «چقدر خوب بود که اگر رئیس جمهور اشکالی می دید روحیه، تواضع و قدرت نفوذی داشت که جلسه می گذاشت، گفتگو می کرد، اما خود او نیز می داند که ارکان نظامی که وی به ۳۸ سال اعدام و زندان متهم می کند، گوشی برای شنود سخنان ایشان ندارند. ... رئیس جمهور هفته پیش از آشتی ملی گفت، اما حال او رسماً ژست اپوزیسیون می گیرد. تلویحاً انتخابات کنونی در ایران را با انتخابات زمان پهلوی و انتخابات پس از انحراف انقلاب مشروطه قیاس می کند».

خامنه‌ای در ۱۶ بهمن ۹۸ در حمایت کامل از مهندسی انتخابات مجلس یازدهم علیه روحانی صحبت کرد. سخنان خامنه‌ای بیانگر تصمیم نظام به تشکیل یک مجلس یک دست از باند خامنه‌ای با از جناح نظامی - امنیتی بود. خامنه‌ای بدون نام بردن از روحانی گفت: «نباید جوری اظهار نظر کنند که دشمن با بزرگنمایی حرف آنها، برای دلسرد کردن مردم، خوراک گیرش بیاید. وقتی شما به دروغ می گوئید این انتخابات مهندسی شده و یا اینکه انتخابات نیست انتصابات است، مردم دلسرد می شوند. ... حمله به شورای نگهبان از غلط ترین کارهاست».

در مقابل، روحانی در ۱۷ بهمن ۹۸ در پی نامه حزب اتحاد ملت ایران اسلامی (اصلاحاتی، از اعضای مشارکت سابق) به رئیس جمهوری و درخواست ارائه لایحه قانونی به مجلس برای همه پرسی در خصوص نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی، دستور داد «لایحه ای برای اصلاح بخش نظارت» توسط وزیر کشور و دو نفر دیگر تهیه و ارائه شود.

به گزارش انتخاب (اصلاحاتی) در همان روز ۱۷ بهمن ۹۸، آخوند رئیسی گفت: «هرکس با هر انگیزه‌ی جریان انتخابات را زیر سؤال ببرد، بداند یا نداند، بخواهد یا نخواهد، با تضعیف جریان انتخابات در جبهه دشمن قرار می گیرد. راهبرد دشمن آن است که مردم را مأیوس نا امید کند و راهبرد دشمن، در مردم ایجاد دغدغه و تزلزل است».

در این کشمکشها شورای نگهبان چند نفر از سران اصلاحاتی را تأیید صلاحیت کرد تا قادر شوند لیستی در تهران و بعضی از شهرستانها بدهند و شورای اصلاح طلبان و محمد خاتمی مانند انتخابات قبلی، حمایت کنند، اما آنها لیست ارائه نکردند.

در ۲۲ بهمن ۹۸ روحانی مجدداً به نقشه انتخاباتی خامنه‌ای حمله کرد و گفت: «اگر پیش از انقلاب به مردم اجازه انتخاب داده می شد نیاز به انقلاب نبود ... این پدران، مادران، خواهران و برادران ما بودند که راه انقلاب را باز کردند آیا امروز هم ناچاریم دنباله رو راه ۴۱ سال پیش باشیم؟ و بعد با اشاره به حرفهای خمینی در ۱۲ بهمن ۵۷ در بهشت زهرا، گفت: آنچه انقلاب را استحکام بخشیده حضور مردم و رأی مردم است، هرچه مردم از ما می خواهند باید به آن عمل کنیم».

۳۵- سرانجام انتخابات مهندسی شده توسط شورای نگهبان در روز ۲ اسفند ۹۸ برگزار شد. خامنه‌ای برای گرم کردن کارناوال حکومتی ۲۲ بهمن و شعبده بازی روز ۲ اسفند، ورود ویروس کرونا را تا روز قبل از نمایش انتخابات پنهان کرد. شعبده بازی انتخابات به شکل بی سابقه‌ی مورد تحریم قاطبه مردم ایران قرار گرفت. قالیباف در اولین جلسه علنی، این مجلس را در راستای گام دوم انقلاب، که خامنه‌ای اعلام کرده بود، و به عنوان مجلس جوان حزب‌اللهی اعلام کرد.

برای داشتن تصویری از وضعیت و تعادل کنونی در مجلس رژیم، ترکیب و تقسیم‌بندی ۲۶۵ نفر از ۲۹۰ نماینده منصوب شورای نگهبان را در مجلس ارتجاع یادآوری می‌کنیم:

نو اصولگرایان حامیان قالیباف: ۴۵ کرسی

تحول خواهان (رهپویان و ایثارگران): ۴۰ کرسی

جبهه پایداری: ۳۵ کرسی

مدیران احمدی نژاد: ۳۰ تا ۵۰ کرسی

اصولگرایان سنتی (مؤتلفه روحانیت مبارز): ۴۰ کرسی

اصلاحاتی: ۲۰ کرسی

به اصطلاح مستقل: ۳۵ کرسی

تفکیک دقیق نمایندگان حامی احمدی نژاد از جبهه موسوم به پایداری ممکن نیست زیرا نزدیک به هم و روی هم رفته ۸۵ نفر هستند. تعداد به اصطلاح مستقل‌ها هم مورد بحث است اما عموماً از مرتجعین ولایی موسوم به اصولگرا هستند و البته تعدادی از آنها در لیست اصلاحاتی‌ها هم بوده‌اند. این آمار و این ترکیب به روشنی گویای خط انقباضی خامنه‌ای در دوران پایانی برای مهار اوضاع و ممانعت از فروپاشی است.

۳۶- درحالیکه اکثریت قاطع مجلس نشینان از باند خامنه‌ای هستند، اما از انسجام و یکدستی در میان آنها خبری نیست. ۸ ماه پیش از انتخابات، خامنه‌ای به حداد عادل مأموریت داد کلیه احزاب و افراد اصولگرا را هماهنگ کند و او نهادی با عنوان شورای ائتلاف نیروهای انقلاب (شانا) تشکیل داد. اما بین

دار و دسته های مختلف بر سر گنجاندن نفرات در لیستها تا شب قبل از انتخابات (جمعه ۲ اسفند) درگیریهای مستمر وجود داشت. بالاترین درگیری بین جبهه پایداری با شورای ائتلاف نیروهای انقلاب در لیست تهران بود. «شانا» تأکید داشت که فقط برای تهران یک لیست به سر لیستی پاسدار باقر قالیباف بدهند، ولی جبهه پایداری می خواست آخوند آقا تهرانی، دبیر کل جبهه پایداری، سر لیست باشد و پیشنهاد نهایی اش دادن دو لیست بود که ۲۷ نفر مشترک و ۳ نفر متفاوت باشند. سرلیستی شانا قالیباف و سر لیست جبهه پایداری هم آقا تهرانی باشد. حداد عادل این را قبول نداشت و لیستی جدا از جبهه پایداری اعلام کرد اما در نهایت در ساعات اولیه صبح اول اسفند (به احتمال قوی با دخالت مستقیم خامنه ای) جبهه پایداری کوتاه آمد و با لیست مشترک موافقت کرد.

این جنگ بعد از انتخابات نیز برسر رئیس و هیات رئیسه مجلس بالا گرفت و در آخرین ساعات توافق کردند که برای یک سال رئیس قالیباف، نایب رئیس اول از جبهه پایداری و نایب رئیس دوم از وزرای احمدی نژاد باشد و اعضای هیات رئیسه را هم بین خودشان تقسیم کردند. در این توافق مصطفی میرسلیم (از مؤتلفه) که نفر دوم لیست تهران بود مخالف بود و به عنوان کاندیدای ریاست وارد رقابت شد، ولی فقط ۱۲ رأی آورد. برخی از کارشناسان حکومتی این ماجرا را پایان دوران جریانهای سنتی اصولگرایان تفسیر کردند که شاخص آن در ۱۲ سال گذشته ریاست علی لاریجانی بود. این کارشناسان حکومتی مجلس یازدهم رژیم را نقطه عطفی بر پایان قدرت جریانهای نظیر مؤتلفه، جامعه روحانیت مبارز و جبهه پیروان خط امام می دانند و می گویند اصولگرایی از این پس توسط نواصولگرایی قالیباف، احمدی نژادها و جبهه پایداری مدیریت می شود. همه چیز در این رژیم خبر از مرگ و میرایی و به سر آمدن عهد عناصر متشکله آن می دهد.

از ۱۲ عضو هیات رئیسه مجلس ارتجاع ۷ نفر از فرماندهان سپاه و بسیج هستند. حداقل ۲۴ سرکرده و مسئول ارشد سپاه و بسیج با درجه های سرتیپی و سرهنگی برکرسیهای این مجلس نشسته اند. اکثریت اعضا این مجلس دارای سابقه سپاهی و بسیجی و ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی هستند.

۳۷- گروههای تشکیل دهنده اصلاح طلبان که در مجلس قبلی فراکسیون امید را در ائتلاف با باند میانی (روحانی) تشکیل داده بودند، از مسجد رانده از میخانه مانده شدند. پرونده آنان در قیام دیماه ۹۶ در خیابان بسته شد و با تبدیل شدن به زائده باند میانی، در این انتخابات فاقد قدرت تاثیرگذاری شدند. پس از آن که شورای نگهبان اکثر قریب به اتفاق کاندیداهای آنان را رد صلاحیت کرد، شورای عالی اصلاح طلبان تصمیم گرفت برای اولین بار بعد از سال ۷۶ از لیستی در انتخابات حمایت نکند ولی باندهای اصلاحاتی را برای حمایت از کاندیداهایی که دارند آزاد گذاشت. محمد خاتمی هم، که همواره از لیست اصلاح طلبان حمایت می کرد و در کشمکش های جنگ قدرت از سال ۹۲ به بعد در پیروزی روحانی و باند اصلاحات نقش عمده داشت، اعلام کرد از لیستی حمایت نمی کند. ترفند شورای نگهبان از تأیید مجدد صلاحیت چند نفر از اصلاح طلبان برای تغییر این تصمیم گیری نیز شکست خورد.

باندهای اصلاحاتی که در نمایش انتخابات کاندیدا معرفی کردند، عبارت بودند از: حزب مردم سالاری، حزب اسلامی کار، مجمع فرهنگیان ایران اسلامی، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان، حزب همبستگی دانش‌آموختگان ایران، حزب وحدت و همکاری، حزب آزادی و کارگزاران. اما شکست کامل لیست اصلاح طلبان به‌ویژه در تهران (که سر لیست آن‌ها آخوند مجید انصاری بود) باعث اختلاف و دودستگی در میان آنها شده است.

۳۸- در چند سال گذشته، با درهم شکسته شدن اتوریته ولی فقیه در اثر قیامها، شکاف در درون باند اصول گرایان وابسته به خامنه ای هر روز شدیدتر می شود. تضاد باند احمدی نژاد با لاریجانی‌ها، تضاد بین اصولگرایان سنتی با جبهه موسوم به پایداری و احمدی‌نژادی‌ها از آن جمله اند. اما تضاد مهمی که بین آخوندهای تحت امر خامنه ای در سال گذشته بروز علنی پیدا کرد، تضاد بین آخوند ابراهیم رئیسی و آخوند صادق لاریجانی بر سر جایگزینی ولایت فقیه بود.

در ۱۶ اسفند ۹۷ رئیسی رئیس قوه قضائیه و لاریجانی رئیس تشخیص مصلحت نظام شدند. در ۲۳ اسفند ۹۷ رئیسی اکبر طبری را از کارش برکنار کرد. طبری در زمان شاهرودی مدیرکل امور مالی قوه قضائیه بود و صادق لاریجانی او را «مدیرکل امور مالی و معاون اجرایی حوزه ریاست» کرد. طبری ۲۰ سال در بالاترین درجات در قضائیه رژیم بود. در اوایل خرداد ۹۸ زاکانی، نماینده مجلس یازدهم، اکبر طبری را «بیچاره کننده دو رئیس قوه قضائیه» و «مایه بدنامی» و «زد و بند» نامید و در تیر ۹۸ خبر از حضور علی اکبر طبری در دفتر لاریجانی در مجمع داد. دفتر صادق لاریجانی در بیانیه تهدیدآمیز در ۷ تیر ۹۸، ضمن تکذیب حضور طبری در مجمع تشخیص، تصریح کرد برخی از اتهامات مطرح در مورد طبری «قبلاً در دادسرا بررسی شده و کذب بودن آن محرز شده» است.

در ۲۳ تیر ۹۸، نوروزی، نماینده مجلس دهم رژیم، خبر داد که علی‌اکبر طبری به دستور مستقیم رئیسی دستگیر شده است. نخستین دادگاه طبری در ۱۸ خرداد ۹۹ تشکیل شد. این پرونده ۲۲ متهم دارد و لیست اتهامات بر اساس کیفرخواستی که دادستان مطرح کرد. شامل موارد زیر است: «مشارکت در تشکیل شبکه چند نفری در ارتشا، با وصف سردستگی»، «اخذ رشوه از حسن نجفی به مبلغ بیش از ۸۰ میلیارد ریال وجه نقد»، «اخذ زمین به مساحت ۳۰۰ متر مربع در خیابان کریم‌خان»، «اخذ زمینی مشجر به مساحت هزار و ۶۵۷ متر مربع واقع در قریه نجارکلای لواسان»، «اخذ آپارتمان اداری به مساحت ۱۰۸ متر مربع در مجتمع سانا»، «تسهیل وجه نقد به مبلغ ۱۰۰ هزار یورو»، «پول شویی از طریق تبدیل وجه نقد به سهام شرکت سیمان به مبلغ ۴۲ میلیارد ریال»، «دریافت رشوه از رسول دانیال زاده به مبلغ ۱۸۳ میلیارد و ۲۳۳ میلیون و ۳۰۰ هزار ریال» و «دریافت رشوه از مصطفی نیاز آذری».

۳۹- به دنبال دستگیری طبری از طرف صادق لاریجانی یک نامه اعتراضی به خامنه‌ای منتشر شد. در این نامه آمده بود: «مستحضرید که از ابتدا تمایل به ریاست در قوه قضائیه نداشتیم، اما با اصرار

جنابعالی این مسئولیت خطیر را پذیرفتم. ... با این که در کل دوره به خاطر صیانت از حریم نظام با شدیدترین وجه به فتنه گران و جریان انحرافی برخورد کردم. امروز متأسفانه این جانب و همکارانم از جمله آقای "اکبر طبری پور" مظلوم، با همان چماقی از سوی برخی نزدیکان و اطرافیان و سازمانهای تحت امر جنابعالی نواخته می شویم که قبل از آن، امثال احمدی نژاد ملعون و جریان انحرافی فاسد بر من و خانواده ام نواخته بودند. سکوت جنابعالی در پرونده سازیهای اطلاعات سپاه و مصاحبه های مکرر زاکانی و کریمی قدوسی را اگر به دستور برندارم، چاره ای نیست که به رضایت جنابعالی تفسیر شود. در صورتی که چنین است اقدامات این حقیر در جمهوری اسلامی، حتی در حد یک دهداری هم مشروعیت ندارد، چه رسد به ریاست در عالی ترین نهاد قانون گذاری کشور... از اداره ی جلسات معذورم و ترجیح این است باقیمانده عمر را زبان بریده، به کنجی نشینم صم و بکم و به درس و بحث در حوزه نجف ... بگذرانم. صادق لاریجانی آملی / ۱۵ ذی القعدة ۱۴۴۰ (تلگرام همشهری ۲۷ تیرماه ۹۸)».

سایت الف (متعلق به احمد توکلی) در ۲۷ مرداد ۹۸ نوشت: «صادق لاریجانی مدعی بود و هست که شرایط کنونی پیش آمده، برایش مهندسی شده و مدیریت می شود».

آخوند محمد یزدی، رئیس اسبق قوه قضائیه و رئیس جامعه مدرسین، به نیابت از خامنه ای پاسخ صادق لاریجانی را داد. محمد یزدی در جلسه ای با مسئولان مرکز بسیج اساتید و نخبگان حوزه علمیه قم در ۲۲ مرداد ۹۸، خطاب به صادق لاریجانی گفت: «فلانی می گوید اگر این کار را نکنید نجف می روم! خب بروید، آیا با رفتن شما قم به هم می خورد؟ شما در قم بودندتان هم خیلی مؤثر نبود؛ چه رسد که نجف بروید. رئیس دفتری که ۱۰ سال، جای مهمی را اداره کرده دستگیر می شود، بعد اعتراض می کند که چرا گرفتید؟! به اسم مدرسه علمیه، کاخ ساختند! آیا ارث پدرت بود؛ از کجا آوردی ساختی؟» (خبر آنلاین ۲۶ مرداد ۹۸).

در ۲۶ مرداد ۹۸ صادق لاریجانی به یزدی پاسخ داد: «سینه ام خزانه الاسرار اتهامات مجموعه ای از معاونان، قائم مقامان و آقازاده های مسئولان و شخصیتهاست.... آیا جز با صدای بلند و داد و قال، به بزرگان توهین کردن و افترا زدن، کار دیگری هم کرده اید؟ ... چرا به خودتان اجازه می دهید به همه توهین کنید؟ قبلاً هم مکرر، مطالبی از این دست بیان کرده اید که سکوت کردم. سکوت من باعث تنبه جنابعالی نشده؛ توهین هم می کنید.... چه انگیزه ای دارید که آن دروغ را تکرار می کنید؟ هیچ گاه نگفته ام اگر فلانی را دستگیر کنید نجف می روم» (تسنیم ۲۷ مرداد ۹۸).

در وحشت از تهدید آخوند لاریجانی به افشاگری، خامنه ای از عواملش در حوزه مانند مکارم شیرازی و آخوند همدانی گرفته تا شریعتمداری نماینده ولی فقیه در کیهان، برای جلوگیری از افشاگری به دست و پا افتاد و در نهایت با واسطه آخوند جنتی یک آشتی صوری بین محمد یزدی و علی لاریجانی را رسانه ای کردند ولی پرونده علی اکبر طبری همچنان دنبال می شود.

۴۰- با شروع دادگاه طبری در ۱۸ خرداد ۹۹ و ماجرای فرار غلامرضا منصوری متهم ردیف ۹ این پرونده و نقشه بازگرداندن او به ایران، و سپس قتل منصوری در رومانی، در طرح و برنامه ابراهیم رئیسی برای از دور خارج کردن لاریجانی در جنگ جانشینی، صفحه سیاه دیگری گشوده شد.

در این جنگ آخوند جلاد ابراهیم رئیسی (کاندیدای خامنه ای در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶) به اشاره خامنه ای، برای از دور خارج کردن آخوند صادق لاریجانی رئیس قضاییه رژیم و رئیس کنونی مصلحت نظام، به قطع دست راست لاریجانی یعنی اکبر طبری روی آورد که معاونت اجرایی امپراتوری قضاییه رژیم را به عهده داشت. سناریویی که یادآور محاکمه کرباسچی شهردار تهران در سال ۱۳۷۷ به دستور خامنه ای برای چیدن پر و بال رفسنجانی است.

در این باره پاسدار حسن عباسی از سرچماقداران خامنه ای در ۲۳ خرداد ۹۹ پرده را کنار زد و گفت: «در پروژه اکبر طبری ما شخص اکبر طبری را به عنوان یک پدیده مخرب به عنوان یک مفسدی که عادی بوده مطالعه نمی کنیم. در محاکمه اکبر طبری حتماً باید آقای آملی لاریجانی بیاید پاسخگو باشد در دستگاه قضایی. ایشان به عنوان یک کسی که شاهد بوده در این ماجرا (باید) بیاید در صندلی متهم بنشیند» (اصلاحات نیوز، ۲۳ خرداد ۹۹).

۴۱- در روز ۱۸ خرداد همزمان با شروع دادگاه اکبر طبری به جرم اختلاس، رسول قهرمانی نماینده دادستان گفت: «متهم ردیف نهم، غلامرضا منصوری، که از کشور متواری شده به دریافت رشوه بالغ بر ۵۰۰ هزار یورو متهم است». روز بعد، اصفهان نیوز نوشت: «منصوری در دادگاه حضور نداشت. ظاهراً او نیز فراری است. چندی پیش اخباری درباره حضورش در آلمان منتشر شده بود».

در همان روز ۱۹ خرداد، رئیسی در مقام رئیس قضاییه رژیم، گفت: «در پرونده های فساد اقتصادی مطرح می شود که افرادی متواری شدند به خارج از کشور. خب یک سوال این است که اصلاً نه بحث فساد اقتصادی، چرا کشورهای غربی پناه باشند برای مجرمان، برای مفسدان، برای منافقین، منافقینی که اینجا ترور کردند، ۱۷ هزار نفر از مردم کوچه و بازار، از بهترین ها را به شهادت رساندند. چرا پناه می دهند به اینها... یکی از بحث هایی که مورد سؤال جدی است همین کسانی که متهم شدند اینها، در معرض اتهام هستند، مجرم اقتصادی هستند، پولهای حرام را برداشتند بردند توی حسابهایشان در خارج کشور و بخواهند پناهنده بشوند به غربی ها».

پس از انتشار حرفهای رئیسی، یک کلیپ تصویری از غلامرضا منصوری منتشر شد که در آن می گوید: «چند روز قبل مطلع شدم، کیفر خواستی علیه من صادر و به دادگاه ارسال شده است. از وکیلیم خواستم که به دادگاه مراجعه کند من صد در صد با باز شدن مرزها به کشور برمی گردم... من به جمهوری اسلامی و رهبری عزیز و عدالت دستگاه قضایی ایمان کامل و اعتقاد راسخ دارم و خداوند را شاکرم که توفیق عنایت فرمود حدود ۳۰ سال در دستگاه قضایی خدمت کنم و به این خدمتم افتخار می کنم... مرزها هنوز بسته است. از دیروز هم هرچه تلاش کردم نتوانستم مسیری برای برگشت پیدا

کنم. ولیکن فردا حتماً به سفارت جمهوری اسلامی مراجعه می‌کنم تا مقدمات برگشتن به کشور و شرکت در جلسه دادگاه و دفاع را فراهم کنم».

برادرزاده منصوری می‌گوید او در روز ۲۱ خرداد ۹۹ به سفارت ایران در بخارست مراجعه کرده و متقاضی برگشتن به ایران و حضور در دادگاه بوده است.

۴۲- روز ۲۴ خرداد ۹۹ غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قضاییه آخوندها، گفت: «منصوری اعلام کرده بود که ”من دارم به ایران بر می‌گردم و در جلسه شرکت خواهم کرد“ اما با بررسی‌هایی که ما انجام دادیم دیدیم این اعلام خیلی جدی نیست و بیشتر یک برنامه تبلیغاتی است به همین جهت با اقدامی که از ناحیه مرجع قضایی انجام شد، مراتب به پلیس بین‌الملل کشورمان و اینترپل رومانی اعلام شد و از دیشب این فرد در اختیار پلیس اینترپل قرار گرفته و دستور بازداشتش در کشور رومانی صادر شده است اما به دلیل محدودیت‌های پروازی ناشی از بیماری کرونا، انتقال وی به ایران و حضور او در جلسه دادگاه فعلاً ممکن نیست ولی در روزهای آینده این کار انجام می‌شود».

غروب همان روز از بخارست خبر رسید که پلیس محلی غلامرضا منصوری را بازداشت کرده اما دادگاه او را تا تاریخ ۲۰ تیر ۹۹ آزاد کرده است تا رژیم فرصت ارائه مدارک استرداد را داشته باشد.

تا اینجا فرض ما بر این بود که در جنگ گرگها بر سر جانشینی، باند غالب نقشه بازگرداندن و به چنگ آوردن قاضی فراری را دارد. اما وقایع بعدی ثابت کرد که باند حاکم بی اعتناء به خدمات پیشین قاضی خودش، بسا فراتر از آنچه انتظار می‌رفت، با شقاوت فوق تصور نقشه قتل و ”خودکشی“ منصوری را داشته و اسباب کار را با تمام الزامات آن، جزء به جزء فراهم کرده است.

در قتل منصوری جای تردید نیست هر چند مزدوران رژیم از قبیل مصداقی در این قبیل موارد مأموریت دارند با قسم ملا، دم خروس را حاشا و خودکشی سوژه را ادعا کنند یا مانند قتل دلیلی (راهنمای حمله ۱۰ شهریور ۹۲ به اشرف) به گردن مجاهدین بیاندازند.

۴۳- روز جمعه ۳۰ خرداد ۹۹ پلیس و رسانه‌های رومانی گزارش کردند که غلامرضا منصوری قاضی فراری رژیم در ساعت دو و نیم بعد از ظهر از طبقه پنجم ساختمان هتل به پایین افتاد و مرده است. پلیس بخارست اعلام کرد: او براساس گواهی اینترپل که بعد از ورود او به کشور فعال شده بود، توسط پلیس دستگیر و یک هفته پیش در روز جمعه (۲۳ خرداد) در مقابل دادگاه قرار گرفت. دادگاه استیناف بخارست او را آزاد کرد، ولی تحت کنترل قضایی قرار داد.

در همان روز ۳۰ خرداد ۱۳۹۹ کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت با صدور اطلاعیه‌ی اعلام کرد: اطلاعات سپاه، کشتن غلامرضا منصوری را به گردن مجاهدین می‌اندازد. اما همه شواهد حاکی از قتل او توسط رژیم است و هیچ انگیزه و دلیل مشخصی برای خودکشی وجود ندارد. در این اطلاعیه آمده است که ساعتی پس از هلاکت غلامرضا منصوری، سپاه پاسداران سریعاً به نقل از یک «کارشناس مسایل بین‌الملل» اعلام کرد: «اگر واقعاً ماجرای قتلی در میان باشد، باید سرنخ ماجرا را در میان ضدانقلاب و منافقین که از قاضی منصوری زخم خورده بودند جستجو کرد».

اطلاعیه می افزاید: «این سرعت عمل در پیدا کردن سرخ مجازی یادآور سرعت عمل خامنه ای پس از انفجار حرم امام رضا در ۳۰ خرداد ۱۳۷۳ است که ساعتی بعد از ماجرا شخصاً آن را به مجاهدین نسبت داد. اما همه شواهد و قرائن حاکی از این است که آخوند منصوری با همان شیوه‌هایی سر به نیست شده که دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم در آن تخصص دارند و قتل‌های زنجیره‌ای و سربه نیست کردن مهره‌هایی مانند سعید امامی و مسعود دلیلی و همچنین ترور مسعود مولوی را تداعی می‌کند. رویترز در ۱۴ فروردین ۹۹ خبر داد دو افسر اطلاعات در کنسولگری ایران در استانبول ترور مولوی (در ۲۳ آبان ۹۸) را ترتیب داده بودند. اکنون حسام الدین آشنا مشاور روحانی رئیس جمهور رژیم و معاون پیشین وزارت اطلاعات در مورد غلامرضا منصوری بی‌پرده سناریوی «خودکشی شدن» سعید امامی را در توثیت خود یادآوری می‌کند».

اطلاعیه کمیسیون، برگه‌های عبور دو زندانی عادی که قرار بود غلامرضا منصوری هم با آنها به تهران برگردانده شود را به ضمیمه منتشر کرده و یادآوری می‌کند، در اطلاعیه‌های ۲۴ و ۲۷ و ۲۹ خرداد طرح و برنامه‌های اطلاعات سپاه در مورد غلامرضا منصوری را برملا و خاطرنشان کرده است: «زیر ضرب تحریم و کرونا، جنگ گرگها در درون رژیم بر سر جانشینی بالا می‌گیرد و مهره‌ها و نفرات جدیدی «هزینه» و قربانی می‌شوند که در فرهنگ سپاه و اطلاعات ولایت «عملیات پیچیده چند وجهی» خوانده می‌شود».

در روز اول تیر زاکانی نماینده مجلس ارتجاع از قم هواداری اکبر طبری در ابتدای انقلاب از مجاهدین را به رخ کشید و بدون اشاره به پشیمانی و تواب شدن هوادار نادمی که بعداً به دژخیم وزارت اطلاعات تبدیل شده است، گفت: «اکبر طبری در ابتدای انقلاب به دلیل فعالیت در گروهک منافقان زندانی شد اما بعد از آزادی از زندان و با ساده انگاری عده ای، فرماندار شهرستان نور در مازندران شد و بعد از آن نیز با زبان بازی و رابطه وارد نهاد قضایی گردید. این فرد با فساد شبکه ای و ارتباطاتی که داشت خود را تا معاونت قوه قضاییه نیز رسانده است» (سایت انتخاب، اول تیر ۹۹).

سرانجام کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورا در اطلاعیه ۱۴ مرداد با انتشار عکس و سند فاش کرد که غلامرضا منصوری در دام یک زن مأمور به نام فرناز افتخاری به رومانی کشانده شده و زن مزبور پس از دستگیری منصوری در همان روز سریعاً رومانی را ترک کرده و به فرانسه رفته است. استفاده گسترده سپاه و اطلاعات کثیف آخوندها از این قبیل زنان برای دام‌گذاری و شکار و «مأموریت‌های چندوجهی» در داخل و خارج کشور صنعت شناخته شده این رژیم و شایان بحث جداگانه اطلاعاتی و امنیتی است. کمیسیون امنیت و ضد تروریسم در اطلاعیه در اطلاعیه‌های ۲۰ آبان و ۱۶ دی ۹۷ خاطرنشان کرده است: «دام پهن کردن اطلاعات کثیف آخوندی از طریق زنان مأمور، یک شیوه شناخته شده رژیم در نروژ و کشورهای دیگر است» و «اطلاعات آخوندها بارها از آن استفاده است».

۴۴- واقعیت‌هایی که در این بخش برشمردیم، نشان می‌دهد که در بحرانهای دوران سرنگونی راه یک دست سازی برای خامنه ای هموار نبوده و با چالشهای گوناگون روبرو می‌شود. وجود بحران و شرایط

انقلابی، انباشت خشم و نفرت توده ای و جنبشهای اجتماعی، فعالیتهای مستمر مقاومت سازمانیافته و کانونهای شورشی، وجود باندهای گوناگون در درون و بیرون ولایت، تحریمهای کمرشکن، فروپاشی عمق استراتژیک نظام و ... موانع پیش رو برای سیاست یکدست سازی است.

نشان واضح این بحران، کشمکشهای پی در پی مجلس انقباضی ولایت است که هنوز از راه نرسیده وضعیت مجلس فرمایشی شاه در مقطع پایانی را تداعی می کند. بعد از بالا گرفتن موضوع استیضاح و برکناری روحانی در مجلس قالیباف در تیرماه، ولی فقیه که با ملاحظه بحرانهای نظام، احساس خطر کرده بود، دستور بر چیدن بساط استیضاح را داد. خبرگزاری رسمی رژیم روز ۲۲ تیر ۹۹ نوشت: «خامنه ای در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس یازدهم گفت: دولت باید تا روز آخر وظایف خود را انجام دهد». بعد از این دستور صریح، مجلس تحت امر چند روزی دم فروبست ولی یک ماه بعد درست در روز ۲۲ مرداد ۹۹ وحوش مجلس فرمایشی در حملاتی بی سابقه به رئیس جمهور ولایت، نه فقط وزیر پیشنهادی او برای وزارت صنعت و معدن و تجارت (مدرس خیابانی) را در پایان فرصت سه ماهه روحانی برای معرفی وزیر، رد کردند، بلکه استیضاح دو وزیر دیگر را هم علم کردند. روز بعد (۲۳ مرداد)، روزنامه حکومتی شرق نوشت: «رأی نیاوردن مدرس خیابانی در شرایطی است که دو وزیر روحانی در صف انتظار استیضاح قرار دارند و همه اینها یعنی مجلس چراغ قرمز را برای روحانی روشن کرده و تعارضی که قابل پیش بینی بود، نمایان شده است».

هفته بعد در جلسه روز سه شنبه ۲۹ مرداد ۹۹ پروند استیضاح و برکناری روحانی که خامنه ای با دستور آن را بسته بود دوباره باز شد. کوچکی نژاد به قالیباف گفت: «با توجه به این که حدود ۲۰۰ نفر از نمایندگان بر اساس آئین نامه امضا کردند سؤال از آقای رئیس جمهور را، آقای رئیس گوش کن! سؤال از رئیس جمهور که یک حقی است و امروز یکی از ضروریات است. در مجلس دهم به رغم این که مجلس هماهنگ بود با دولت ولی سؤال را هیأت رئیسه اعلام وصول کرد قانون و آیین نامه می گوید که شما یک هفته فرصت دارید که این سؤال را ارجاع بدهید به چه علت آئین نامه را اجرا نکردید؟ نمی دانم به چه علت آقای رئیس شما این آئین نامه را اجرا نمی کنید؟».

احمدی بیغش گفت: «چندی هست که نماینده ها بیش از ۲۰۰ امضا را جمع کردند برای سؤال از رئیس جمهور متأسفانه با تذکرات پی در پی هیأت رئیسه هیچ اقدامی برای اعلام وصول نمی کند چندی پیش استیضاح وزیر کشور را عده ای از نماینده ها امضا کردند و تحویل هیأت رئیسه دادند متأسفانه اعلام وصول نمی شود این تحقیر نماینده است. تذکر به این دولت هیچ ارزشی ندارد چون دولت گوش شنوا ندارد آقای رئیس جمهور محترم گوش شنوا ندارد».

آصفری هم گفت: «آن امضای ۲۰۰ نفر از نمایندگان که یکماه و نیم پیش به حضرتعالی دادیم یک مطالعه بفرمایید شما ۵ تا سؤال کلیدی تویش هست مهمترینش حوزه اقتصادی و مسائل گرانی و تورم و تعطیلی کارخانه ها هست... چه دستوری ویژه تر و مهم تر از حل مشکلات و مسائل معیشتی و اقتصادی مردم است».

پیداست که تضاد اصلی بین مردم و رژیم به درون حاکمیت می ریزد و بحرانهای دوران سرنگونی چندان فرصتی به خامنه ای در یک دست سازی رژیم نمی دهد.

فصل پنجم :

هم جبهه شدن رژیم با کرونا و استراتژی کلان تلفات کارزار بی وقفه مقاومت برای درهم شکستن کرونای ولایت

۴۵- برای همه روشن است که رژیم ولایت فقیه با چند اقدام جنایتکارانه ، عامل اصلی شیوع گسترده و سریع همه گیری ویروس کرونا در ایران شد. ولی فقیه به خاطر تظاهرات فرمایشی ۲۲ بهمن و گرم کردن تنور شعبده انتخابات، ورود ویروس به ایران را پنهان کرد. او با وجود هشدارها و اخطارهای صریح برخی از کارگزاران نظام در این اندیشه ضدانسانی بود که کرونا را نعمت معرفی کند و از آن به مثابه یک فرصت (مشابه جنگ ضد مردمی ایران و عراق) استفاده کند. سرانجام در روز پنجشنبه اول اسفند کارگزاران خامنه ای با اعلام دو فوت در شهر قم بر اثر ابتلا به کرونا مجبور به پذیرش ورود کرونا به ایران شدند، اما کماکان تاریخ ورود و پنهانکاری عمدی خود را لاپوشانی کردند و به جای شفافیت و اطلاع رسانی به موقع و اتخاذ سیاستی به سود مردم، با کرونا یک جبهه متحد تشکیل دادند. جبهه ویروس کرونا و ولایت.

تلویزیون حکومتی در روز یکشنبه ۴ اسفند ۹۸ سخنان وقیحانه خامنه ای را پخش کرد که از تحریم گسترده انتخابات به شدت عصبانی بود و همزمان به پنهانکاری در مورد ویروس کرونا ادامه داد. خامنه ای گفت: «شب پنجشنبه که جمعه اش انتخابات بود خبر بروز این ویروس و این بیماری مثلا در فلان شهر، در قم مثلا، داده شد شب پنجشنبه سحر پنجشنبه شروع کردند تبلیغات کردن که مردم مبادا بروید توی صف انتخابات بایستید، توی صف رای دادن بایستید، آنجا چنین است، چنان است، بیماری هست مرض هست ویروس هست، ببینید یعنی از کمترین فرصتی استفاده کردند نگذاشتند حتی چند ساعت هدر برود.... ببینید دشمن به کجاها کار دارد».

روز سه شنبه ۱۳ اسفند ۹۸ خامنه ای ماهیت ضد انسانی خودش را برای استفاده از فرصت کرونا برملا کرد و گفت: «این بلا به نظر ما بلای آن چنان بزرگی نیست، از این بلاها بزرگتر هم وجود داشته و دارد، خودمان هم در کشور مواردی را مشاهده کردیم.... و مطلب آخر هم این است که مسأله یک مساله گذراست، یک چیز فوق العاده نیست، از این حوادث در کشور پیش می آید، البته من نمی خواهم مساله را خیلی کوچک بگیرم، اما خیلی هم بزرگش نکنیم مساله را. یک قضیه یی است پیش آمده، یک مدتی که انشالله خیلی طولانی نخواهد بود، این برای کشور وجود خواهد داشت بعد همه رخت برمی بندد و می رود و می تواند تجربیاتی که ما در این زمینه بدست می آوریم و فعالیتی که مردم می کنند، دستگاهها می کنند و در واقع یک رزمایشی، رزمایش عمومی در این زمینه انجام می گیرد، این می تواند یک دستاورد باشد. اگر این دستاوردها را داشته باشیم، بلا برای ما تبدیل می شود

به نعمت، تهدید تبدیل می‌شود به فرصت». این چنین است که برای خلیفه ارتجاع هر مرگ یک فرصت و یک نعمت است.

خود داری رژیم از قرنطینه قم، سبب همه گیری بی دنده و ترمز ویروس در سراسر ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب شد و ایران را به کانون شیوع کرونا از عراق تا لبنان و افغانستان و حتی کانادا و آمریکا و سوئد تبدیل کرد.

۴۶- درحالی که از زمان شیوع کرونا در چین سازمان جهانی بهداشت و پزشکان و متخصصان اتفاق نظر داشتند که «اطلاع رسانی عمومی» و «قرنطینه» دو رکن بنیادین مقابله با این ویروس نا شناخته، خطرناک و سریع الانتقال است، رژیم هرگز به این دو رکن اساسی پایبند نبود و به طور عمدی برعکس عمل کرد.

رژیم ابتدا از اعلام ورود کرونا به ایران خود داری کرد. سپس اطلاع رسانی و بیان آمار و ارقام را به ملاحظات امنیتی و حفظ نظام مشروط کرد. بخشنامه ها و دستورالعملهای حکومتی برای مهندسی آمار و اطلاع رسانی در مورد شیوع کرونا که بارها توسط کارگزاران رسمی رژیم هم بیان شده، سند ارتکاب جرم و جنایت علیه بشریت است. در مورد قرنطینه هم، جدای از عملکرد مجرمانه رژیم در مورد قم به عنوان یکی از اولین کانون‌های شیوع کرونا و خود داری رژیم از صرف کمترین هزینه برای تأمین الزامات قرنطینه و تأمین حداقلهای معیشتی محرومان، روحانی در روز ۲۵ اسفند ۹۸ با وقاحت گفت: «چیزی به نام قرنطینه نداریم، اینکه شایع شده در تهران یا بعضی شهرها برخی فروشگاهها و برخی مشاغل قرنطینه هستند، اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. نه امروز قرنطینه است، نه ایام نوروز، نه بعد و قبلش و همه در کسب و کار و فعالیت خود آزادند».

روزنامه ستاره صبح، روز ۷ اردیبهشت حرفهای محبوب فر، عضو کمیته پیشگیری و مقابله با کرونا، را پوشش داده است که می گوید: «دولت ایران به دلیل عدم قرنطینه و محدودیتهای ضروری اجتماعی، تاکنون از بسیاری از کشورها عقب است. درحالی که به محض شناسایی ویروس کرونا در کشور باید قرنطینه و محدودیتهایی ایجاد و برای مقابله و مهار بیماری برنامه ریزی صورت می‌گرفت، اما متأسفانه به دلایل سیاسی این محدودیتهای ویژه در کانونهای انتشار [بخوانید قم] صورت نگرفت؛ آمار ... با واقعیت مطابق نیست و تعداد مبتلایان و جانباختگان بیشتر است. متأسفانه در گواهی فوت بسیاری از افراد مبتلا به کرونا، علت مرگ بیماریهای زمینه‌ای ذکر می‌شود تا آمار فوتیها پایین نگاه داشته شود» البته موضوع فقط قرنطینه قم در تاریخ اعلام شده رژیم برای ورود ویروس کرونا نبود. بعدها معلوم شد که کرونا تنها از قم شروع نشده است، با اسناد منتشر شده از سوی کمیسیون امنیت و اطلاعاتی های دبیرخانه شورا روشن شد که کرونا مستقیماً از چین لااقل به سه مرکز قم و تهران و گیلان وارد شده اما رژیم همه را مخفی کرده است.

خانم رجوی در ۴ اردیبهشت خاطر نشان کرد وزیر بهداشت روحانی می‌گوید «از اواخر دی یعنی دست کم یکماه قبل از ۳۰ بهمن که روحانی مدعیست، تقاضای تشکیل جلسه اورژانس در مورد قطع پروازها

با چین داشته و خواهان "تعطیلی دانشگاه‌ها، مدارس، اجتماعات، نمازهای جمعه، مراسم عروسی و عزاء، اعتکاف، راهیان نور، آستانهای مقدس، سینماها، تئاترها، ورزشگاه‌ها و غیره" بوده است. همینطور، جلالی، سرکرده پدافند غیرعامل رژیم، در تلویزیون رژیم (در ۲۸ فروردین) گفت که وقتی کرونا در چین شیوع پیدا کرد ما "در دیمه جلسات داخلی داشتیم جمع‌بندی کردیم اوضاع را رصد کردیم چه اتفاقی می‌افتد وضعیت داخل کشور را بررسی کردیم که چه کار باید انجام بشود. در پنجم بهمن اولین جلسه رسمی را گذاشتیم همه دستگاههای ذیربط را دعوت کردیم".

۴۷- روز سه شنبه ۶ اسفند ۹۸ روحانی شاید ادعا کرد که: «همان گونه که از بیماری دشوار آنفلوآنزای (اچ ۱ و ان ۱) عبور کردیم از کرونا نیز عبور خواهیم کرد و از شنبه همه چیز به روال عادی برمی‌گردد... یکی از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان ما این است که با هراس افکنی زیاد در جامعه، کشور را به تعطیلی بکشانند... مردم باید به وزارت بهداشت، که از طریق صدا و سیما درباره بیماری کرونا اطلاع‌رسانی می‌کند، اعتماد کنند. به فضای مجازی و برخی رسانه‌های معاند در دنیا که حرفهای عجیب غریب می‌زنند، توجه نکنند و مسئولینی که در زمینه فضای مجازی مسئولیت دارند، مسئولیت شان را انجام دهند. بحمدالله تا امروز کمبود تخت، پرستار و پزشک نداشتیم حتی در بخشهای مراقبتهای ویژه در اکثر شهرها و استانهای ما بخش اضافی داریم».

دروغ درمانی آخوند روحانی که روز شنبه ۱۷ اسفند را روز کنترل کرونا و عادی شدن اوضاع اعلام کرد به موضوع جدال درون نظام تبدیل شده و در این کشمکش‌ها باندها و مهره‌های حکومتی به رویکرد ضد مردمی رژیم و عملکرد کرونای ولایت اذعان می‌کنند. یک عضو شورای حکومتی شهر تهران که در تیول باند روحانی است، گفت: «در این روزها» «از روحانی و معاونش خبری نیست. ظاهراً همه از شنبه سر کار رفته‌اند و دولت به تعطیلات» (امانی، ۲۰ اسفند ۹۸).

یک رسانه حکومتی نوشت: «رئیس‌جمهور یکی دو هفته پیش در اظهار نظری عجیب گفت از شنبه [۱۷ اسفند] شرایط به حالت عادی برمی‌گردد... [اکنون] برای اینکه وانمود شود شرایط عادی است، ساعات کار به روال معمول برگشت ولی همزمان در اقدامی متناقض همچنان به مردم توصیه می‌شد و می‌شود که در خانه بمانند و خود قرنطینگی را اختیار کنند» (سایت فرهیختگان، ۲۱ اسفند ۹۸).

ماهها از این وعده ضد انسانی می‌گذرد، ولی هنوز شنبه موعود شاید نیامده و در عوض آمار جانباختگان هر روز افزایش می‌یابد. روحانی و خامنه‌ای پیش از مراسم ماه محرم، آشکارا برای جان مردم تحت عنوان «ضرورت برگزاری با عظمت و شکوه» عزاداریهای ماه محرم نقشه کشیده بودند. و این در حالی است که بسیاری از کارشناسان به شمول حکومتی‌ها اعلام کرده‌اند که در مراسم ماه محرم امکان رعایت پروتکل‌های بهداشتی (ماسک و رعایت فاصله) وجود ندارد.

روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت خامنه‌ای در ارتباط تصویری با ستاد مبارزه با کرونا که با حضور اعضای این ستاد و استانداران ۳۱ استان کشور برگزار شد، مدعی «توفیق بزرگ» در مبارزه با ویروس کرونا شد و

از حرکت «مؤمنانه و حیرت انگیز» کارگزاران نظام تشکر کرد. اما چند ماه پس از این به اصطلاح توفیق بزرگ، همه گیری کرونا ابعاد گسترده ای پیدا کرده است.

در حقیقت معنای اعلام دوباره مقررات محدود کننده در تهران و چندین استان دیگر آنست که طاعون مدرن، کشور را سخت و محکم در چنگ خود دارد و این شوربختانه تحول جدیدی نیست. آنچه که حاکمیت، اول با پنهانکاری ورود ویروس به کشور، سپس بی اهمیت و محدود جلوه دادن آن و دست آخر خودداری از اعمال تدابیر موثر پیشگیرانه آغاز کرد، در مسیر طبیعی خویش پیش می رود و با هر گام، سخت جان تر و خسارت انسانی و اقتصادی اش گسترده تر می شود.

۴۸- جنایت علیه مردم ایران توسط ماهان ایر، و ابسته به سپاه پاسداران و پروازهای بی حساب و کتاب پاسداران و مهرهای دیگر رژیم به چین، برگ شرم آور دیگری از عملکرد مجرمانه خامنه ای و سپاه ولایت اوست.

روز ۳ اسفند ۹۸، یک کارشناس حکومتی گفت: «بیش از پنج ماه این ویروس به ایران ورود کرده چون ما بیشترین مرادده تجاری و توریستی را با کشور چین داریم. هنوز ایرلاین ماهان در تردد با چین است و ویروس به ایران ورود کرد، ماسک نایاب شده است آن وقت ما به چین کمک بشردوستانه می کنیم؟» (روزنامه حکومتی جهان صنعت)

روز ۸ اسفند، وزارت خارجه رژیم اعلام کرد: قرار است اولین محموله کمک چین برای مقابله با ویروس کرونا روز جمعه با هواپیمای ماهان وارد شود. (حق نیوز). روز ۹ اسفند، کانال حکومتی رویداد ۲۴ اعلام کرد؛ شمار پروازهای ماهان ایر از ۱۱ بهمن تاکنون به حدود ۶۰ پرواز رسیده است. در این زمان اکثر کشورهای جهان ارتباط هوایی و زمینی خود را با چین قطع کرده بودند، اما رژیم آخوندی که در انزوای بین المللی و محاصره بحرانیها به حفظ ارتباط با چین نیاز داشت، به پروازهای ماهان ایر سپاه پاسداران ادامه می داد.

روزنامه حکومتی آرمان در شماره روز ۶ اسفند ۹۸ نوشت: «انگشت اتهام مردم برای شیوع کرونا به سمت شرکتهای هواپیمایی داخلی نشانه رفته و با وجود همه انتقادات، هنوز پروازهای شرکت هواپیمایی ماهان به چین ادامه دارد. این در حالی است که کشورهای دیگر مرزهای خود را بر روی ایران بسته اند.»

روزنامه حکومتی مستقل نیز در روز ۶ اسفند نوشت: «در نیمه اول بهمن، مقامات وزارت بهداشت از هواپیمایی ماهان درخواست کردند که این شرکت کلیه پروازها به چین را لغو نماید. پس از امتناع ماهان، انتظار می رفت وزارت بهداشت روی مسافران و محموله های وارداتی از چین، نظارت سخت گیرانه ای انجام دهد، اما ظاهراً مسئولان در این مرحله هم اهمال کردند و اوضاع وخیم تر شد.» رسانه های حکومتی از جمله سایت آفتاب در ۲۱ اسفند با اعلام ادامه پروازهای هواپیمایی ماهان به چین نوشتند: «ماهان؛ این روزها حتی به طعنه در تاکسیها هم مقصر اصلی ورود کرونا به ایران شناخته می شود.»

یک مهماندار سابق این شرکت در مورد پنهانکاری رژیم گفت: پروازی که پیش تر به ووهان رفته بود، چندی بعد به دوبی رفت و پس از لندینگ در فرودگاه، توسط پرسنل فرودگاه مقصد، تست سلامت انجام شد و در این میان مشخص شد جواب آزمایش یکی از مهمانداران و تعدادی از مسافران، مثبت بوده است. مهماندار سابق شرکت ماهان ایر که اظهاراتش در رسانه های حکومتی منتشر شده، می افزاید: «بسیاری از مهمانداران به هر نحوی با پیام و تماس با من ارتباط گرفتند. نمی توانند حرف بزنند، نمی گذارند که حرف بزنند».

به دنبال بالاگرفتن اعتراضها در مورد ادامه پروازها به چین، ماهان ایر مجبور به صدور بیانیه شد و اعلام کرد: «پروازها بر اثر درخواستهای مکرر وزارتخانه های خارجه و بهداشت و سازمان هواپیمایی کشور و برای بازگرداندن ایرانیان گرفتار آمده در چین « صورت گرفته است. پارسایی، سخنگوی وقت کمیسیون اصل ۹۰ مجلس رژیم، در ۲۳ اسفند ۹۸ گفت: «قطعاً سازمان هواپیمایی کشور که مانع انجام پرواز به چین نشد، در کنار ایرلاین ماهان، از متهمان ردیف اول [ورود ویروس به ایران] است» (ایسنا).

۴۹- آش دروغگویی های آخوندها پیرامون ابعاد همه گیری ویروس، آن قدر شور است که صدای کارگزاران و رسانه های حکومتی را هم در آورده است.

روز ۳ اسفند ۹۸، روزنامه حکومتی جهان صنعت نوشت: «به دلیل عدم شفافیت، هیچ کس به دولت اعتماد نمی کند. وزارت بهداشت از گفتن آمارهای دقیق واهمه دارد و این دروغگویی، موجب بی اعتمادی مردم به نظام شده است درحال حاضر این بی اعتمادی به ۹۰ درصد رسیده است». در همین روز، یک عضو کمیته آنفلوآنزا در وزارت بهداشت اعلام کرد: آمار اعلام شده از تعداد مبتلایان تنها ۵ درصد واقعیت است (روزنامه شهروند).

روز جمعه ۹ اسفند ۹۸، جعفرزاده، عضو سابق مجلس رژیم از رشت گفت: «مکرر آمار را از مردم پنهان می کنند و به صراحت می گویم که آمارهای ارائه شده تا کنون هنوز واقعی نیست. من از بهشت زهرا، تازه آباد و باغ رضوان رشت آماری در خصوص جانباختگان بر اثر کرونا گرفتم و باید بگویم که آمار، خیلی بیشتر از این حرفهاست» (روزنامه امتداد).

روز ۱۰ اسفند ۹۸، دبیرکل نهاد حکومتی خانه پرستار اعلام کرد: «آمار مربوط به پرستاران مبتلا را نمی توانیم اعلام کنیم. آمارها کاملاً امنیتی هستند و به کسی ارائه نمی شود، حتی شاید رئیس بیمارستان هم آمار بیماران کرونا را نداشته باشد» (روزنامه رسالت).

پارسایی، عضو سابق مجلس رژیم، گفت: «آماری که در حال حاضر داده می شود با توجه به جامعه آماری و از لحاظ درصد شیوع و کشندگی واقعی به نظر نمی رسد. ... و ... مسأله اعتماد عمومی... از زمان شیوع این بیماری واگیردار بار دیگر رخ نمایی کرد» (روزنامه حکومتی اعتماد، ۱۰ اسفند ۹۸).

روز ۱۲ اسفند ۹۸، محمود صادقی، نماینده دوره قبل مجلس رژیم، در توییتر خود نوشت: «پس از پنهان کاری درباره کشته شدگان اعتراضات آبان، "سه روز دروغگویی" درباره شلیک به هواپیمای اوکراینی، حالا شیوع یک بیماری مسری را پنهان می کنند».

یدالله اسلامی، عضو سابق مجلس ارتجاع اعتراف کرد: «جامعه ما با پنهانکاری‌های سازمانیافته روبروست. این امر از رخداد‌های آبان و سرنگونی هواپیما روندی رو به افزایش داشته و در کاهش مشارکت در انتخابات به خوبی دیده می‌شود» (روزنامه حکومتی مستقل، ۱۷ اسفند ۹۸).

۵۰- به سخره گرفتن آمار دروغ رژیم در مورد همه گیری ویروس کرونا، حسن روحانی را مجبور کرد تا به ابعاد این فاجعه اعتراف کند. وی در جلسه ستاد مقابله با کرونا در روز ۲۸ تیر با خواندن یک گزارش گفت: «تخمین ما بر این است که تاکنون ۲۵ میلیون ایرانی به این ویروس مبتلا شده اند و قریب حدود ۱۴ هزار نفر هم عمرشان را در این مدت از دست داده اند... ما باید این احتمال را بدهیم که ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفر در معرض ابتلا خواهند بود. پیش بینی شده است تعداد بستریهایی که در آینده باید پیش بینی کنیم حدود دو برابر آن مقداری است که ما در ۱۵۰ روز شاهد آن بوده ایم. خودمان را باید از نظر درمان و تخت‌های بیمارستانی آماده و با شرایط پیش رو مقابله کنیم».

دکتر مردانی، فوق تخصص بیماریهای عفونی و عضو کمیته علمی ستاد مبارزه با کرونا، در روز ۲۹ تیر ۹۹ در گفت و گو با خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران گفت: «اکنون ۲۸ میلیون نفر از جمعیت ایران یعنی ۳۰ درصد جمعیت کشور به این ویروس مبتلا شده‌اند».

معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی اعتراف کرد که «۶ هزار نفر از کادر درمان تهران به کرونا مبتلا شده اند و تا کنون ۱۵۰ نفر آنها جان خود را از دست داده اند» (ایلنا، ۱۵ مرداد ۹۹). روز ۶ اردیبهشت ۹۹، یونسین عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در گفت و گو با روزنامه حکومتی ستاره صبح گفت «آمارها به شکل سیستماتیک بسیار کمتر از واقعیت موجود است. ... می توان گفت آمار واقعی حدوداً ۲۰ برابر آن چیزی است که گزارش می‌شود».

به گزارش جهان صنعت (۱۹ اردیبهشت ۹۹) سراج زاده، از کارشناسان حکومتی و رئیس انجمن جامعه‌شناسی به دولت روحانی هشدار داد و گفت: «همه ما درون یک کشتی زندگی می کنیم و با کوچکترین اتفاقی همگی غرق خواهیم شد. تعداد مبتلایان و فوتیها که وزارت بهداشت رسماً اعلام می کند، صحیح نیست. پنهانکاری دولت در این زمینه یک نقطه ضعف دیگر بر عملکردش محسوب می‌شود. زیرا این عمل باعث شده اعتماد مردم به دولت کمتر از قبل و عمق این شکاف هر روز بیشتر از دیروز شود. در این گیرودار مردم هیچ چاره‌ای جز خود مراقبتی ندارند... دولت به خاطر فشارهای اقتصادی قرنطینه را شکست، در صورتی که بهتر بود دولت این مسئولیت خطیر را به عهده می گرفت و با منابع مالی مختلفی که در اختیار داشت به یاری تک تک مردم می شتافت. ... می توان پیش‌بینی کرد با ترکیب فشارهای اقتصادی و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موج تازه ای از نارضایتیها ایجاد خواهد شد. اگر دولت در سیاستهایش بازنگری نکند. مردم همانند آتش فشانی در حال فوران هستند».

۵۱- از همان ابتدا روشن بود که حکومت نمی خواهد پولهای غارت شده از مردم را در شرایط بحرانی کرونا برای مردم هزینه کند. حکومت به جای توزیع امکانات بهداشتی و درمانی در میان مردم به ترفندهای کهنه شده، وعده های توخالی و، همزمان، هزینه کردن برای سرکوب و صدور تروریسم، اقدام کرد. بارزترین و البته ضد انسانی ترین راهکار خامنه ای تشکیل ستاد کمکهای مردمی برای چاپیدن مردم به جای کمک به مردم بود.

مسئول شورا، آقای مسعود رجوی در پیام روز ۱۷ اسفند ۱۳۹۸ اعلام کرد:

«خامنه ای باید ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه و دارایی های "ستاد اجرایی فرمان خمینی" ملعون و ثروت عظیم انباشته در تعاونی های سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و بنیاد مستضعفان و پولهایی را که در عراق و سوریه و یمن و غزه و لبنان هزینه میکند به بهداشت و درمان مردم ایران اختصاص دهد. -رژیم با همین سرمایه و پول می تواند از طریق سازمان بهداشت جهانی و صلیب سرخ بین المللی بدون هیچ محدودیتی برای مقابله با کرونا دارو و تجهیزات پزشکی تهیه کند و در اختیار بیمارستانها و مردم قرار بدهد.

-بودجه اتمی و موشکی رژیم و سرمایه ها و امکانات هلال احمر، که برای صدور ارتجاع و تروریسم مراکز متعددی در خاورمیانه و آفریقا دایر کرده است، باید صرف درمان مبتلایان کرونا و بیماران محروم شود. - حقوق معوقه پرستاران و کادر پزشکی و کارکنان زحمتکش بیمارستانها باید بلادرنگ از بودجه و کلان سرمایه های سپاه پاسداران پرداخت شود.

-داراییهای آستان قدس رضوی در خراسان که با موقوفات نجومی به نام امام رضا در چنگ خامنه ای است، پول و سرمایه عظیمی دارد که هم اکنون می تواند در آستانه سال نو دستمزدها و حقوق پرداخت نشده کارگران و معلمان و کارمندان و هزینه درمان آنها را تأدیه کند. سیاست ظالمانه و ضد انسانی پرداخت نکردن حقوق به شمار عظیم کارگرانی که در بحران کرونا اخراج شده یا به مرخصی اجباری فرستاده شده اند باید متوقف شود».

۵۲- آخوند مسیح مهاجری، که از سال ۱۳۶۰ تاکنون مدیر روزنامه جمهوری اسلامی به صاحب امتیازی علی خامنه ای و در دولتهای رفسنجانی و خاتمی، مشاور رئیس جمهور نظام بوده است، روز ۲۴ فروردین، یک روز پس از شروع طرح جنایتکارانه و سرکوبگرانه ولی فقیه، در مقاله تکان دهنده یی به باند غالب نظام و بنیادهای تحت کنترل خامنه ای هشدار داد و نوشت: «کمک مردمی هر قدر هم که گسترده باشد نمی تواند پاسخگوی نیازهایی باشد که در اثر رکود اقتصادی ناشی از کرونا پدید آمده است. این کمک می تواند بخشی از زخمها را التیام ببخشد ولی نمی تواند تمام مشکلات را حل کند. برای حل قطعی مشکلات باید قدرتهای مالی بزرگی به صحنه بیایند که از تمکن بسیار بالایی برخوردارند و اموال آنها متعلق به مردم است.

این قدرتهای مالی عبارتند از ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی. امکانات و منابع مالی گسترده ای که در اختیار این مراکز وجود دارند اگر به عرصه کمک به اقشار آسیب دیده از کرونا آورده شوند، مشکلات این اقشار در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل برطرف خواهد شد. این اموال و امکانات متعلق به مردم هستند و دقیقاً در چنین موقعیتهائی باید از آنها برای حل مشکل مردم استفاده شود.

وقتی سخنان مسئولان این مراکز قدرت مالی را درباره اقدامات شان برای کمک به اقشار آسیب دیده می شنویم، به این نتیجه می رسیم که آنها یا از ابعاد گسترده ضربه ای که در این شرایط به مردم وارد شده اطلاع درستی ندارند و یا نمی خواهند پولهائی که در اختیار دارند را برای کمک به آنان هزینه کنند.

ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و آستان قدس اگر پولشان را برای مردم مستضعف هزینه نکنند به چه کاری می آیند؟» (سایت خبر فوری، ۲۴ فروردین ۹۹).

در حالی که حکومت و در رأس آن خامنه ای از در اختیار گذاشتن امکانات خودداری می کند، رسانه های حکومتی اعتراف می کنند که سران و کارگزاران رژیم در اولویت استفاده از امکانات پزشکی برای مقابله با کرونا قرار دارند. روزنامه جهان صنعت در شماره ۸ اسفند ۹۸ نوشت: «طبق گفته شاهدان عینی انستیتو پاستور که محل اصلی تست کروناست، در ابتدای امر از مسئولان و آقازاده ها آزمایش گرفتند، در صورتی که به علت کمبود کیت، اول باید افرادی که بیشتر در معرض خطر هستند مانند پزشکان و پرستاران را مورد آزمایش قرار دهند».

حباب یک میلیارد بودجه برای مقابله با کرونا هم خیلی زود ترکید. به گزارش روز ۴ تیر خبرگزاری سپاه پاسداران، سعید نمکی وزیر بهداشت، در اولین جلسه کمیسیون بهداشت و درمان دوره یازدهم مجلس ارتجاع گفت: «آمریکاییها ۱۱۱ میلیارد دلار و انگلیسی ها ۲۲ میلیارد پوند فقط برای بخش سلامت و مقابله با کرونا هزینه کردند اما در ایران با موافقت مقام معظم رهبری حدود یک میلیارد یورو برای مقابله با کرونا در نظر گرفته شد که بعد از سه ماه و نیم کمتر از ۳۰ درصد از آن را دریافت کرده ایم که سه هفته پیش در بین دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی توزیع شد».

۵۳- به دنبال دستور خامنه ای به پاسدار باقری برای ایجاد قرارگاه سرکوب و جنایت و غارت تحت عنوان قرارگاه کرونا، غلظت حضور نیروهای نظامی و سرکوبگر در شهرها و در فضای مجازی بالا رفت. روز ۱۰ اردیبهشت، وبسایت فردا نیوز، سخنان پاسدار شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح رژیم را منتشر کرد. او گفت: «در خصوص اقدامات صورت گرفته برای مقابله با شایعه پراکنان در فضای مجازی، پلیس فتا اقدامات بسیار خوبی در مسیر مقابله با شایعه پراکنان انجام دادند. ۳۶۰۰ نفر از افرادی که در فضای مجازی شایعه پراکنی کردند توسط نیروی انتظامی و بسیج دستگیر شدند». حسین اشتری، فرمانده نیروی سرکوبگر انتظامی، هم بنا به توصیه خامنه ای «پای کار» آمد و اعلام کرد که: «پلیس فتا از روزهای اول شیوع کرونا با افرادی که در فضای مجازی با شایعه پراکنی باعث

نگرانی و تشویش اذهان عمومی می شدند، برخورد قاطع و قانونی کرده و بیش از ۱۳۰۰ تارنما را شناسایی و ۳۲۰ نفر را نیز بازداشت کرد» (ایلنا، ۲۰ اردیبهشت).

۵۴-مسئول شورا در ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ اعلام کرد که: «اگر برای رژیم ولایت فقیه هر مرگ یک فرصت و یک نعمت است، ما باید با شورش و جنگ صد برابر آن را به تیک تاک قیام و ناقوس سرنگونی تبدیل کنیم. فرصت استبداد دینی و رژیم دجال و ضدبشری به پایان رسیده است». او خطاب به هم میهنانمان گفت: «وضعیت و شرایط ایران و خطی را که رژیم در فاجعه کرونا در پیش گرفته با سایر کشورها مقایسه نکنید. اینجا صحبت از مدل چینی یا اروپایی و آمریکایی، بیراهه رفتن است. خامنه‌ای در ۱۳ اسفند به صراحت گفت بر آن است از بلا و تهدید کرونا، نعمت و فرصت بسازد. منظورش این است که کرونا را بر ضد سرنگونی رژیم ولایت فقیه با تلفات کلان انسانی برای حفظ این رژیم به کار گیرد».

اطلاعیه‌های روزانه دبیرخانه شورا، که بر اساس داده‌های سازمان مجاهدین منتشر می‌شود، سیاست تبیهکارانه رژیم مبنی بر پنهانکاری و ارائه آمار دروغ را بر ملا کرده است. موفقیت این کارزار افشاگرانه موجب آن شده که موضوع ۵ برابر بودن جانباختگان نسبت به آمار رسمی رژیم تثبیت شود. مسئول شورا در ۱۵ اسفند ۹۸ اعلام کرد که «جنگ مردم ایران با کرونا بخشی از جنگ سرنوشت با خامنه‌ای و رژیم دجال و ضدبشری ولایت فقیه است». سپس در روز ۱۷ خرداد ۹۹ در شرایطی که شمار جانباختگان کرونا در ایران از پنجاه هزار تن گذشت، اعلام کرد: «در استراتژی کلان تلفات و سپر انسانی در برابر خطر قیام و سرنگونی... در ۱۱۰ روزی که گذشت روزانه به طور متوسط بیش از ۴۵۰ نفر جان باخته‌اند. با تلخی و تلخکامی بسیار، این آن روی سکه و تداعی کننده چند صد اعدام و تیرباران در شبانه روز در سال ۱۳۶۰ است. رژیم اول کرونا را حاشا کرد، بعد گفت گذراست، رگ است و رد می‌شود. حالا آخوند روحانی می‌گوید «جامعه باید باور داشته باشد که آینده ویروس کرونا نامشخص است بنابراین مردم باید زندگی خود را با این ویروس در هر شرایطی سازگار کنند» مبدا به تبلیغات بیگانه توجه کنید، به جایش به آمریکا بنگرید تا دریابید که چه ظلم بزرگی به سیاهپوستان آمریکا می‌شود و به آنهایی که در آمریکا زندگی می‌کنند و از کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند! روز قبل از آن هم خلیفه ارتجاع به مناسبت سالمرگ دجال برای مردم و سیاهپوستان آمریکا و نقض حقوق بشر سیاهپوستان اشک تمساح ریخت».

۵۵-در همین پیام مسئول شورا درباره دعاوی شیادانه روحانی و خامنه‌ای نوشت: «خدا لعنت کند و به کیفر دنیا و عذاب آخرت گرفتار کند هر کس را که به سیاهان آمریکا و آفریقا و مسلمانان میانمار و اهل غزه و لبنان و سوریه و عراق و یمن و افغانستان ستم کرد و می‌کند و خواهد کرد. اما بگوئید ببینیم که بود آن که پناهندگان افغان را زد و در منتهای قساوت به رودخانه افکند؟ که بود آن که به روی خودرو مهاجران افغان آتش گشود و برخی از آنها زنده زنده در آتش سوختند؟ آیا از یاد برده‌اید که

وحوش ولایت در عراق تحت امر قاسم سلیمانی عراقیان بی گناه به ویژه اهل تسنن را در جرف الصخر چگونه زنده به گور می کردند و یا در الانبار به رودخانه می انداختند؟ دستکم ۱۵۰۰ تن از فرزندان ایران را چه کسی در قیام آبان کشت؟ قتل عام مجاهدین و دیگران زندانیان در سال ۶۷ را چه کسی انجام داد؟ قتل عام مجاهدین، مجاهدین مجروح و دست بسته در اشرف در شهریور ۹۲ را چه کسی انجام داد؟ در موضوع کرونا هم، مجاهدین و مقاومت ایران در دفاع از خلق مظلوم شان هموردی خود با رژیم را به منتها درجه نشان دادند و از روز اول اسفند تا امروز گریبان رژیم دجال و ضدبشری ولایت فقیه را سفت و سخت و بی امان گرفته و آنرا به ستوه آورده اند. روزمره، تمام عیار و گسترده... آنقدر که درخواستهای ما برای اختصاص دادن دارایی و سرمایه های بنیادها و مؤسسات تحت کنترل خامنه ای به بهداشت و درمان مردم و تأمین حقوق زحمتکشان به یک خواست عمومی تبدیل شده و حتی به داخل صفوف و رسانه های رژیم راه برده است.

آنقدر که در ۱۲ اسفند جیغ ارگان سازمان تبلیغات آخوندی درآمد و اعلام کرد «در مسابقه کشته سازی» [بخوانید آمار قربانیان کرونا] «مریم رجوی گوی سبقت را از سایرین ربوده است». آنقدر که ترکان، مشاور روحانی و وزیر دفاع رفسنجانی، با وحشت زوزه سر داد «ما الآن با ۲ ویروس طرف هستیم، یک ویروس کروناست و یک ویروس تیراناست که پایتخت آلبانی است که در آن جا ۱۵۰۰ مجاهد را در سالنهایی تجهیز کرده اند... ما هم کرونا و هم تیرانا را داریم و آنها دارند به این ترتیب اعتماد [به نظام] را از بین می برند، سال ۹۹ سال سختی خواهد بود».

پس جست و خیزهای دلتنگان رژیم برای رفتن به آلبانی با طومار ۸ هزار نفری و لجن پراکنی مزدوران و مزدور بچگان همزاد آنها در خارجه بی حکمت نبود. می بینید که خامنه ای و روحانی تا کجا برای حقوق بشر در آمریکا و اروپا و مخصوصاً در اشرف ۳ در آلبانی دل نازک شده اند؟! این درجه از هزل و ابتذال ناشی از منتهای درماندگی و فشار است. آنقدر که باند فاشیستی مؤتلفه در اول اردیبهشت یک فهرست طولانی و روزبه روز از بیانیه ها و اقدامات مریم رجوی برای مقابله با پنهان کاری جمهوری اسلامی، برای بازدید سازمان بهداشت جهانی، برای قرار گرفتن امکانات در اختیار پزشکان و پرستاران، برای بازدید از زندانها و حفظ جان و سلامت زندانیان، برای شورش در زندانها، برای اعتراض به حاکمان و خنثی کردن پنهان کاریهای آنان و برای اعزام هیأتهای بین المللی به ایران ارائه می دهد.

باند فاشیستی مؤتلفه خاطرنشان می کند که مجاهدین یک آرزو دارند و آن هم فروپاشی و سرنگونی نظام است و از اینروست که آمار دروغ از مبتلایان به کرونا در ایران ارائه می دهند، سپاه را به قاچاق متهم می کنند، وضعیت بیمارستانها را اسفناک جلوه می دهند و این که نظام در پذیرش و رسیدگی به بیماران کاملاً ناتوان است. از این رو مریم رجوی، خواستار خارج کردن امکانات پزشکی و بهداشتی از انحصار پاسداران و در اختیار قرار دادن پزشکان و بیمارستانها و مردم می شود. مردم را به شورش علیه نظام فرا می خواند و بر ضرورت ابراز انزجار از رژیم و اعتراض و اعتصاب تا هرکجا که امکانپذیر است تأکید می کند. نسبت به شیوع کرونا در زندانهای ایران هشدار می دهد و از دبیرکل، شورای حقوق بشر

و کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و دیگر مراجع بین‌المللی مدافع حقوق بشر برای نجات جان و سلامت زندانیان و جلوگیری از یک فاجعه بزرگ انسانی استمداد می‌طلبند.

آیا منتهای درماندگی رژیم را می‌بینید؟...

اکنون پس از ۴ ماه استراتژی رژیم ولایت فقیه مبنی بر کلان تلفات و سپر انسانی در برابر خطر قیام و سرنگونی به اثبات رسیده است. صورت مسأله این است که رژیم در کلان بازی مرگ، کلان برنده است یا کلان بازنده؟

کلان برنده یعنی این که می‌خواهد و می‌تواند با گرد مرگ و یأس، راهبندی برای سرنگونی بسازد و جامعه را منفعل و منجمد کند. در خوابهای خون سرشته و پریشان ولایت فقیه می‌توان مانند ایلغار مغول، ۳۰۰ سال ایران را سرکوب و منکوب و میخکوب کرد.

کلان بازنده یعنی که خامنه‌ای و روحانی بر سر شاخ و بن می‌برند. رژیم شان را موریانه کرونا و بحرانا از درون خورده و وعده خدا حق است. برخلاف تصور آنها جانهایی که از دست می‌رود نه عامل بقای رژیم بلکه تیک تاک فنا و پایان است».

فصل ششم :

تبہکاری چهل ساله در اقتصاد و قتل عام طبیعت

بازتولید فقر و بیکاری و گرسنگی

۵۶- در بیانیه سال گذشته ما براین حقیقت تأکید کردیم که دستاورد چهل سال حاکمیت استبداد مذهبی برای اکثریت قاطع مردم ایران چیزی جز فقر و فلاکت نبوده و رژیم ولایت فقیه به طور روزانه به سطح زندگی و معیشت شهروندان یورش برده است. بحران ساختاری اقتصادی، هزینه های سرسام آور نظامی و امنیتی، چپاول و غارت اموال مردم و سرمایه های کشور، بحران بی آبی و تخریب طبیعت و محیط زیست، فساد کاملاً نهادینه شده، گسترش رانت، صعود نرخ تورم، افزایش قاچاق، بیکاری، زندگی اشرافی صاحبان قدرت و ثروت که در برجهای لوکس و مناطق مولتی میلیاردها زندگی می کنند و تشدید شکاف طبقاتی، سیاهچالهایی از فقر، بی خانمانی، تنگدستی و فلاکت برای مردم ایران و به ویژه برای نیروهای گوناگون کار، ایجاد کرده که به طور روزمره فرودستان را قربانی می کند. در یک سال گذشته دو عامل تحریم و کرونا این روند ویرانگر و بحران ساختاری و ورشکستگی اقتصادی را تشدید کرده است.

اقتصاد رژیم ایران که در بنیادهای خود فلج بود، زیر تأثیر تحریمها به حالت اغما افتاده است. درآمدهای کشور برای امنیت نظام هزینه می شود و البته زیر خیمه ولایت، وابستگان به باندهای درونی نظام، به فراخور قدرت و نفوذشان سرمایه های کشور را غارت و جیب مردم را خالی می کنند. ما اکنون شاهد حکومت یک خلیفه اعظم و دهها سلطان از جمله سلطان سکه، سلطان شکر، سلطان مسکن،

سلطان قیر و حتی سلطان قبر هستیم. در مقابل، زندگی و معیشت مردم مرزهای فاجعه را درنوردیده و اکثریت مردم در عرصه مسکن، خوراک، پوشاک، سلامت و آموزش هر روز محتاج تر از روز پیش می شوند.

راغفر از کارشناسان اقتصادی رژیم تحت عنوان «نابودی طبقه متوسط با افزایش فاصله طبقاتی» می نویسد: «در حال حاضر در شمال تهران برج می سازند متری ۱۵۰ میلیون تومان، پول این خانه را چه کسی می خواهد پرداخت کند. در حالیکه در جنوب شهر افراد برای امرار معاش کودکان خود را می فروشند، معلوم است که در چنین شرایطی جامعه آرام نخواهد بود، روز به روز بر شدت فاصله طبقاتی افزوده شده و طبقه متوسط در حال نابودی و محو شدن است» (۵۵ آنلین، ۱ تیر ۹۹).

آخوندهای تبهکار مردم را به فقر و فلاکت کشانده و با رویکردی اشغالگرانه زیست بوم آنها را، از خزر و خلیج فارس تا منابع زیر زمینی آب و از جنگل ها و مراتع تا اراضی عمومی و کوه پایه ها، و حتی فضای شهرها را عرصه سودجویی، غارتگری و وطن فروشی کرده اند. رسوایی طرح قرارداد وطن فروشانه خامنه ای با سران حکومت چین و فضیحت دست اندازی اوقاف به کوه دماوند برگهای سیاه دیگری از این کارنامه ننگین است.

۵۷- پاسداران ولایت خامنه ای که نوروز و بهار سال ۹۸ را با سیلابهای ویرانگر و فاجعه دروازه قرآن شیراز به عزا تبدیل کردند، بهار امسال را هم با آتش سوزیهای گسترده در جنگلها و مراتع در نقاط مختلف کشور در دود و اندوه فرو بردند و فاجعه دیگری را برای محیط زیست کشور رقم زدند. بسیاری این آتش سوزیها را مشکوک و دست حکومت، به ویژه سپاه پاسداران، را در آن می دیدند. اما مهمتر از این مساله ناتوانی رژیم و کارگزاران رژیم در حفاظت از جنگلها، فقدان امکانات کافی برای رودرویی با آتش سوزی در جنگلهاست.

به نوشته رسانه های رژیم، کل بودجه در نظر گرفته شده برای سازمان حفاظت مراتع و جنگلها در لایحه بودجه سال جاری برابر ۲۸۳ میلیارد و ۲۳۵ میلیون تومان است. این بودجه قرار است در برنامه های آبخیزداری و حفاظت خاک، احیا، توسعه و بهره برداری اصولی از جنگلها، ترویج و توانمند سازی جوامع محلی و بهره برداران، حفاظت و حمایت از منابع طبیعی کشور و موارد دیگر صرف شود. منطقه جنگلی زاگرس بین ۱۱ استان ایران پراکنده شده است و نزدیک به ۴۰ درصد کل پوشش جنگلی ایران را شامل می شود (همشهری، ۵ بهمن ۹۸).

در حالی که صدها هکتار از جنگلهای بلوط در کوههای زاگرس طعمه حریق شده و ثروت کلانی از مردم و کشور در آتش سوخته است، سرکرده یگان حفاظت محیط زیست اعتراف می کند که سازمان محیط زیست هلی کوپتر مجهز برای کنترل حریق در اختیار ندارد. می توان ابعاد جنایت رژیم را که میلیاردها دلار صرف آشوبگری و کمک به تروریستها می کند از نبودن هلی کوپتر برای مبارزه با حریق دریافت.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان اعتراف کرده که « ۳۰۰ هزار هکتار از عرصه های

منابع طبیعی گلستان در معرض بیابانی شدن قرار گرفته است.... با اعتباری که اکنون برای مقابله با بیابان زایی گلستان اختصاص می یابد، نجات ۳۰۰ هزار هکتار عرصه منابع طبیعی فعلی از بیابان شدن، یک قرن به طول خواهد انجامید» (ایرنا، ۲۸ خرداد ۹۹).

دبیر کمیته حقوقی انجمن دوستداران طبیعت و محیط زیست استان خوزستان و از وکلای محیط زیستی استان در باره آتش افتاده به جان مناطق حفاظت شده خائیز، گفت: «آتش از ساعت ۳ بعد از ظهر در منطقه آزاد آغاز شده و روی سطح زمین بوده و به منطقه حفاظت شده خائیز در حوزه شهرستان بهبهان می رسد و آتش از تنگه شیخ و چمران به سمت چاه ریگک و از ارتفاعات به سمت شهرستان دهدشت و روستای آب کاسه و از طرف دیگر به سمت پادوک (حدفاصل گچساران و دهدشت) گسترده شده است. چندین هزار هکتار در بهبهان و چندین هزار هکتار در دهدشت در سایه بی کفایتی مسئولان سوخته و تا این لحظه که با شما صحبت می کنم خبری از بالگرد آبیاش نیست. حتی یک دمنده و آتش کوبی نداریم» (اسکان نیوز ۱۰ خرداد ۹۹).

سرهنگ عباس نژاد، سرکرده یگان حفاظت سازمان جنگلها در ایران، می گوید که از ابتدای سال جاری خورشیدی تا روز یکشنبه ۸ تیر، حدود ۱۱۰۰ مورد آتش سوزی در جنگلها و مراتع کشور به وقوع پیوسته است. گزارش سازمان دیده بان جهانی جنگل که بر اساس نقشه های ماهواره های مختلف ناسا تنظیم شده، نشان می دهد که استانهای خوزستان، فارس، بوشهر، ایلام و اصفهان بیشترین موارد آتش سوزی را داشته اند. کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، خراسان رضوی، تهران و کرمانشاه در رتبه های بعدی هستند (دویچه وله به نقل از ایسنا ۸ تیر ۹۹).

سه تن از فعالان محیط زیست هنگام خاموش کردن آتش در منطقه حفاظت شده اورامانات به شهادت رسیدند. سازمان حقوق بشری «هه نگاو» گزارش کرد که این سه نفر بر اثر انفجار مین جان باخته اند. یکشنبه شب ۸ تیر، شماری از مردم پاه مرکز اورامانات، به استقبال آمبولانس حامل جانبختگان رفته و شعار «شهید نمی میرد» سر دادند. تجمع کنندگان عکس سه فعال محیط زیست، مختار خندانی نوسود، از اعضای هیأت موسس و سخنگوی انجمن محیط زیستی ژیلوای، یاسین کریمی، عضو دیگر این انجمن و بلال امینی، از فعالان محیط زیست، را در دست داشتند.

۵۸- از شروع دهه ۱۳۹۰ اقتصاد کشور دچار یک انسداد ساختاری شده و عوامل این وضعیت، انحصار بخش مؤثر اقتصاد کشور توسط بیت خامنه ای و سپاه پاسداران است. آنها به صورت یک طرفه مکنده های منابع اقتصادی و زیست محیطی اند و چیزی به اقتصاد کشور بر نمی گردانند. رشد عجیب و غریب سوداگری مالی (از جمله با ۶۳۰۰ مؤسسه مالی و اعتباری غیر قانونی) به صورت پیوسته و دائم میزان نقدینگی را بالا می برد و قیمت کالاها را چنان افزایش داده که سفره لاغر مردم را تهی کرده است. انسداد اقتصادی خود را در مختل شدن انباشت سرمایه، توقف یا به حداقل رسیدن بازتولید اجتماعی، گسترش فوق العاده جمعیت غیرفعال (دست کم ۴۰ درصد جمعیت کشور)، ناچیز شدن یا به صفر رسیدن توان ایجاد اشتغال، گسترش جمعیت زیر خط فقر (حداقل ۶۰ میلیون نفر)، زوال تقریبی ارزش

پول رسمی کشور و ... نشان می‌دهد

بر اساس آخرین رتبه بندی بنیاد هریتیج از آزادی اقتصادی در جهان در سال ۲۰۲۰، ایران در جایگاه ۱۶۴ در بین ۱۸۰ کشور قرار گرفته و جزء اقتصادهای بسته طبقه بندی شده است.

رتبه ایران در مقایسه با رتبه بندی سال گذشته، ۹ پله بدتر شده است. ایران در میان ۱۴ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه ۱۳ و قبل از الجزایر که بسته ترین اقتصاد در این منطقه است جای گرفته است. امارات متحده عربی آزادترین اقتصاد در این منطقه عنوان شده است. از بین همسایگان ایران، تنها ترکمنستان رتبه ای پایینتر از ایران دارد و کشورهای افغانستان و پاکستان حدوداً ۳۰ رتبه بالاتر از ایران هستند (مردم سالاری آنلاین، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۰).

هدایت الله خادمی، از مجلس نشینان قبلی، در ۱۶ اردیبهشت ۹۹ گفت: «متأسفانه طی چند ده سال گذشته گروهی مدیر نوکیسه و تازه به دوران رسیده ناکارآمد و منفعت طلب بر امور اجرایی و دولتها چنبره زدند و نتیجه عملکردشان باعث گسترش فقر شدید، فاصله طبقاتی، کودکان خیابانی، بیکاری و افسردگی جوانان، عادی شدن اختلاس، گسترش مصرف مواد مخدر و دهها مشکل دیگر شده است. این گروه منفعت طلب از یک جریان خاص نیستند گرچه شاید سهم جریانی کمتر یا بیشتر شود؛ گاهی چپ هستند و گاهی راست، همانند فصول سال چهار فصل هستند نقطه اشتراک همه آنها اختلاس و حیف و میل منابع کشور است به همین دلیل است که خاوری‌ها به وجود آمدند و راحت رفتند، برای همین است که خبری از چهار و هشت دهم میلیارد دلاری و هزاران میلیارد دلار نیست و تازه می‌خواهند ۵ میلیارد دلار دیگر هم بگیرند و مردم فقیر را بدهکار کنند. هیچکس جرأت حرف زدن در مورد کرسنت را ندارد و مسکوت می‌ماند حتی منتقدان خود کرسنت، کرسنتیها را به صدارت می‌نشانند. برای همین است که از مجلس نهم تعدادی از آنها وارد مجلس یازدهم شدند به کرسنتیها رأی دادند تا افتضاح توتال و آی پی سی و توقف خط لوله صلح را به وجود بیاورند برای همین است که مجلس دهم هم باز به کرسنتیها رأی داد برای همین است که منابع مالی کشور به خودروسازان داده می‌شود تا مشتی قوطی حلبی چرخدار تولید و به کشتن مردم ادامه دهند عجب داستانی است» (راديو فرهنگ).

۵۹-رژیم ولایت فقیه از همان ابتدای غصب حاکمیت مردم، با دو نرخه کردن ارز، مسیر بزرگترین غارت و چپاول از ثروتهای ملی و دسترنج یک خلق را برای چند دهه گشود. این مسیر باعث شد که: اولاً- به جای کالاهایی که در ایران تولید می‌شد، کالا از خارج وارد شود. وارد کنندگان کالاها که از دارو دسته های رژیم بودند، ارز را به قیمت رسمی (بسیار ارزانتر از بازار آزاد) از بانک مرکزی می‌گرفتند و کالا را وارد می‌کردند و چون قیمت کالاها در بازار با قیمت آزاد ارز در بازار تراز می‌شد، سود زیادی برای واردکنندگان کالاهای مختلف داشت و در نتیجه تولیدکنندگان داخلی نمی‌توانستند در تولیدات خود، با کالاهای خارجی رقابت کنند و تولید را تعطیل می‌کردند.

ثانیاً- نهادهای مالی چپاول به سرعت شکل گرفت و سرمایه‌ها از تولید به سمت نهادهای مالی سرازیر

شدند.

نتیجه این شد که تولیداتی مانند کشت پنبه، کارخانه های پنبه پاک کنی، نساجی و بافندگی و ... از دور خارج شوند و به تبع آن کارگران و کشاورزان زیادی بیکار می شدند. در همین رابطه در رسانه های رژیم می خوانیم که: «در بخش تولیدات دامی ۸۵ درصد خوراک مورد نیاز دامها از واردات تأمین می شود و درصد کمی تولید داخل است یا بالای ۹۰ درصد بازار روغن خوراکی ایران به واردات وابسته است... تقریباً هر سال محصولات کشاورزی جزو ۱۰ قلم عمده کالای وارداتی به ایران هستند. براساس گزارش گمرک، میزان واردات محصولات اساسی کشاورزی در یک دهه گذشته به طور میانگین ۷،۹ میلیارد دلار طبق آمار گمرک ایران بوده است» (شهروند ۴ اردیبهشت ۹۹).

تقریباً ۸ میلیارد دلار واردات محصولات کشاورزی، یعنی از دور خارج کردن حداقل ۸۰۰ هزار کشاورز که با خانواده خود حدود ۵ میلیون نفر می شوند و اجباراً به حاشیه کلان شهرها رانده می شوند. بر اساس گزارش مرکز پژوهشهای مجلس رژیم: «اقتصاد ایران در سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب با رشد اقتصادی ۵ و ۷ درصدی منفی» مواجه بود (جهان صنعت ۲۰ اردیبهشت ۹۹).

کار بجایی رسیده که رسانه های حکومتی نوشتند: «آنچه در ایران قطعیت دارد مهیا نبودن شرایط کشور برای رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی است» (جهان صنعت ۱۲ خرداد ۹۹). البته ۱۵ ماه قبل از این آمارها، در مجلس رژیم هم گفته شد: «سوءاستفاده از ارز دولتی به نام واردات کالاهای اساسی. رانت گسترده در واردات محصولات کشاورزی و صنعتی. رانت در توزیع کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم تعمیم فساد و رانت... در طول یک سال دو سال به ثروتهای افسانه ای دست یافته اند و فقر گسترده و گرانی کمرشکن جامعه ما را فراگرفته است» (رادیو فرهنگ، ۲۶ اسفند ۹۷). وقتی صحبت از «رانت گسترده» و دست یافتن «به ثروتهای افسانه ای» می شود، این حرف بدون در نظر گرفتن دزدیهای آشکاری است که سران رژیم انجام می دهند. دیوان محاسبات رژیم گزارش داده که «۴،۸ میلیارد دلار از ارزهای دولتی ما به ازای واردات کالا نداشته» و یا «در سال ۹۷ بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان انحراف در خصوصی سازی وجود داشته است» (روزنامه شرق ۲۷ فروردین ۹۹).

۶۰- خروجی این سیاست اقتصادی ضد مردمی و ضد ایرانی، افزایش بی سابقه اختلاف طبقاتی، پیوستن میلیونها ایرانی به ارتش بیکاران و رو آوردن انبوهی از مردم به کارهای سخت و طاقت فرسایی مانند کولبری، مسافرکشی، دستفروشی و... برای به دست آوردن لقمه نانی است.

در حالی که بانک مرکزی تورم متوسط در سال ۹۸ را بیش از ۴۱ درصد اعلام کرده بود، به حداقل دستمزد کارگران، فقط ۲۱ درصد افزوده شد. ناصرچمنی، نماینده کارگران در شورای عالی کار، گفت: جامعه کارگری مصوبه حداقل دستمزد را امضا نکردند. یعنی کارگران منتظر بازنگری در دستمزد هستند و مصوبه را قبول ندارند. ما به دنبال این هستیم که افزایش در پایه حقوق محقق شود. در حالی که قیمتها واقعاً پرواز می کنند.

«دستمزد کارگر در این ۴۰ سال حدود ۹۰۰ برابر شده است، در حالی که قیمت بنزین ۳ هزار برابر،

قیمت نان ۳ هزار برابر، قیمت خودرو ۳ هزار برابر، قیمت مسکن ۶ هزار برابر و قیمت سکه ۱۰ هزار برابر شده است» (ستاره صبح ۱۳ اردیبهشت ۹۹). بنابراین قدرت خرید کارگران حدود ۴ بار کمتر شده است. وضعیت معیشتی کارگران، یعنی گرسنگی کارگران و خانواده شان، آنها را علیه رژیم بسیار عاصی کرده و از هر امکانی برای تحقق خواسته های برحق خود استفاده می کنند.

خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران در جلسه اتاق بازرگانی، با اشاره به رشد ۷ برابری قیمت سکه و ۵,۲ برابر شدن قیمت دلار، از احتمال وجود آمدن «ابر تورم» سخن گفت و اضافه کرد که: «اکنون ۶ دهک زیر خط فقر قرار گرفته اند» (ایلنا، سه شنبه ۳۱ تیر ۹۹).

در چهل سال گذشته، با وجود درآمدهای کلانی که از فروش نفت، میعانات و صادرات نفتی به جیب رژیم رفته، نه تنها یک دلار هم برای مردم هزینه نشده، بلکه آن درآمدها را علیه مردم در سیاست صدور تروریسم و سرکوب به کار گرفته است. نمازی، نایب رئیس مجمع نمایندگان ادوار مجلس، گفت: «در این ۳۰ سال» از میزان «هزینه ۳۰۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی» چیزی به مردم نرسیده است (آرمان ۲۳ فروردین ۹۹).

یعنی رژیم به طور متوسط هر سال ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد از صادرات نفتی داشته است. اما از موقعی که تحریمها علیه رژیم اجرایی شدند، رژیم در تنگنای شدیدی قرار گرفت. رژیم فکر می کرد می تواند با استفاده از شکافهای مختلفی که بین کشورها وجود دارند، بازهم درآمد هنگفتی داشته باشد. به این دلیل «در بودجه سال ۹۹ پیش بینی شده که ایران در روز حداقل یک میلیون بشکه نفت به فروش برساند». قیمتی که برای هر بشکه نفت در بودجه دولت در نظر گرفته شده، برای هر بشکه ۵۰ دلار است. اما در حال حاضر «فروش نفت به زیر ۱۰۰ هزار بشکه رسیده است» (آرمان ۱۰ خرداد ۹۹).

۶۱- هزینه های سرکوب و صدور تروریسم و هزینه های فوق اشرافی که در بودجه هرساله برای پاسداران، نهادهای مروج ارتجاع و سران رژیم در نظر گرفته می شود، با سیاستهای به غایت کثیف زیر تأمین می شود:

یکم- چاپ اسکناس بدون پشتوانه، یعنی غارت از جیب و سفره مردم. این امر در دوران آخوند روحانی شاید رکورد جدیدی بر جای گذاشته است. «بر اساس آمارهای رسمی، حجم نقدینگی کشور در سال ۱۳۹۳ کمی بیش از ۷۸۲ هزار میلیارد تومان بوده است» (روزنامه شرق ۳ خرداد ۹۹). در پایان خرداد ۱۳۹۹ نقدینگی به ۲۶۵۱ تریلیون تومان رسیده و این رقم لحظه به لحظه در حال افزایش است (گزارش بانک مرکزی، تیر ۱۳۹۹) یعنی در دوران روحانی به حجم نقدینگی بیش از ۱۸۶۹ تریلیون تومان اضافه شده و حجم نقدینگی بیش از سه برابر شده است. این افزایش با قیمت رسمی تقریباً معادل ۴۵۰ میلیارد دلار می شود که از جیب و سفره مردم غارت شده است.

دوم- استقراض «در حال حاضر حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت و ۵۲۵ هزار میلیارد تومان بدهی شرکتهای دولتی برآورد می شود» (خبرگزاری مجلس، ۱۱ خرداد ۹۹) در هیچ شرایطی دولت نمی تواند ۱۰۲۵ تریلیون تومان را بازپرداخت کند. یعنی دولت یک دولت ورشکسته است. علاوه

برقرضهای فوق الذکر، هم اکنون «کسری بودجه ۱۸۵ هزار میلیارد تومانی دولت در سال ۹۹» است (همان منبع).

کسری بودجه را رژیم از خودیهای ثروتمند تأمین نمی کند بلکه دست در جیب مردم می کند. مطابق نوشته یک متخصص «۷۵ درصد این نقدینگی، نزد بانکها سپرده شده و روزانه یک تریلیون تومان - تا قبل از کاهش بهره بانکها- بهره دریافت می کردند و گفته می شود ۵۰۰ نفر، بخش عمده این حجم نقدینگی را در اختیار دارند. اگر نصف سود روزانه به عنوان مالیات اخذ گردد، هرماه ۱۵ هزار میلیارد تومان حاصل» می شود (روزنامه مستقل ۱۲ خرداد ۹۹).

علاوه بر آن «ثروت کلیه ی نهادهای اقتصادی بیت ولی فقیه، معادل هزار میلیارد دلار می شود. سود ده درصدی این ثروت، یکصد میلیارد دلار است» (همان منبع).

ملاحظه می شود که چگونه ثروتهای ملی و سرمایه های مردم دست کسانی است که مطلقاً برای هزینه های سرسام آور و سیاستهای ضدبشری خود یک تومان هم نمی پردازند و آن هزینه ها را از مردم غارت می کنند.

۶۲-روز ۳ اردیبهشت آخوند روحانی اعلام کرد که «خبرهای خوبی از بورس در هفته آینده خواهد شنید». چند روز بعد شرکت «شستا»، که زیر مجموعه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است، «بیش از ۶ هزار میلیارد تومان به بازار بورس تزریق» کرد (سایت داتیکان ۲۱ اردیبهشت ۹۹). اسحاق جهانگیری، معاون اول روحانی، گفت: «امروز حدود ۵۰ میلیون نفر از جامعه دارای سهام شرکتهای مختلف در قالب سهام عدالت هستند که فقط ارزش شرکت هایی که در بورس هستند به تنهایی ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است» (خبرگزاری فارس، ۲۲ اردیبهشت ۹۹). هر معامله در بورس «نیم درصد ارزشش میرود تو جیب دولت به عنوان مالیات، دیروز حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان معامله در بورس انجام شد، نیم درصدش می شه ۱۲۵ میلیارد تومان» (سایت خبر ثریا، ۲۶ اردیبهشت ۹۹) همچنین «روزانه نزدیک به یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان نقدینگی جدید وارد بورس می شود» (سیاست روز ۶ خرداد ۹۹).

بنابراین، رژیم با شیادی و نیرنگ و حيله گری تمام، کسری بودجه ی خود را از جیب مردم تأمین می کند. «کاهش درآمدهای نفتی و مالیاتی منجر به کسری بودجه حدوداً ۲۰۰۰ هزار میلیارد ریالی [۲۰۰ تریلیون تومان]» می شود (جهان صنعت، ۲۰ اردیبهشت ۹۹).

اما کارشناسان گفتند، که این غارتگری رژیم به سرعت علیه خودش برخواهد گشت و برخی کارشناسان رژیم کار بورس بازی رژیم را خطرناک توصیف کرده اند. «برای آنکه به خطرناک بودن این کار بیشتر پی ببریم، تأکید می کنیم که صنایع بزرگی مانند پتروشیمی ها و پالایشی ها به یکی از مهم ترین پشیمانان جذب تقاضا و رشد قیمت سهام در بورس تهران بدل شده اند، حال آنکه این صنایع به دلیل سقوط بهای نفت و کاهش تقاضا، در وضعیت متزلزلی قرار دارند. یا شرکتهایی که با زیان انباشته بسیار بالا مواجه اند یا حتی شرکتهایی با بدهی های بسیار سنگین و در مرز ورشکستگی، رشد ناباورانه

قیمت سهام خود را تجربه می کنند» (جهان صنعت، ۲۰ اردیبهشت ۹۹).

یعنی مشخص است که دولت با حيله گری کامل پولهای مردم را می گیرد اما سهام شرکتهایی را به آنها می فروشد که در مرز ورشکستگی هستند.

برخی از کارشناسان اقتصادی رژیم، اقدامات رژیم در بازار بورس را شبیه «حباب» می دانند که بزودی خواهد ترکید. به خصوص که «بانک مرکزی در پایان سال ۹۸ تورم را ۴۱ درصد» اعلام کرد و از طرف دیگر سود سپرده ها را در «اردیبهشت سال جاری به ۱۵ درصد» کاهش داد. یه این ترتیب سپرده های افراد زیادی را در بانکها به اجبار به سمت بورس تهران کشاندند.

از نظر برخی کارشناسان ترکیدن «حباب» بازار بورس قریب الوقوع است. دبیر کانون نهادهای سرمایه گذاری می گوید: «تا زمانی که بازارهای جایگزین در رکود به سر می برند و فقط یک بازار در مسیر افزایش ارزش قرار می گیرد بی شک می تواند باعث ایجاد یک حباب جدی در بازار شود».

۶۳-پیش بینی ها در مورد ترکیدن حباب بورس خیلی زود به واقعیت تبدیل شد. روز یکشنبه ۲۶مرداد۹۹ رسانه های حکومتی خبر دادند که شاخص بورس تهران، در ادامه روند نزولی خود با ریزش تاریخی ۸۹ هزار واحدی به یک میلیون و ۹۰۳ هزار واحد رسید و شاهد خروج ۸۷۵ میلیارد تومان پول از بازار توسط حقیقی ها بودیم. شاخص بورس تهران که تا عدد ۲ میلیون و ۸۰ هزار واحد هم صعود کرده بود، در جریان معاملات یکشنبه در ادامه ریزش های روزهای گذشته در محدوده ورود به کانال یک میلیون و ۷۰۰ هزار واحد قرار دارد. شاخص کل بورس تهران در معاملات یکشنبه با ریزش سنگین ۸۹ هزار و ۶۹۳ واحد (بیشترین کاهش در یک روز) به یک میلیون و ۸۱۳ هزار و ۵۷۴ واحد رسید تا سهامداران شاهد بیشترین کاهش مقداری و سومین کاهش درصدی (منفی ۴,۷۱ درصد) شاخص کل در تاریخ بازار سرمایه باشند (دانانیوز ۲۶مرداد ۹۹).

در پی ریزش بی سابقه بازار بورس، کاربران شبکه اجتماعی توئیتر با پیوستن به هشتگ بورس نسبت به آن واکنش نشان داده و آن را در ترند جهانی قرار دادند. برخی از پیامهای هشتگ بورس چنین بود: -کاری که وعده گشایش روحانی با بورس کرد، جهانگیری با دلار نکرد. -به جمهوری اسلامی اعتماد نکنید. پولتان را به دزد نسپارید.

-جمهوری اسلامی حتی نمی تواند هر بشکه نفت را ۱۰ دلار بفروشد ولی با وقاحت تمام می خواهد هر بشکه را ۹۴۵ هزار تومان (معادل ۴۲ دلار) در بورس به مردم قالب کند. بشکه نفت برابر ۱۵۹ لیتر است یعنی هر لیتر نفت برای خریداران ۶ هزار تومان (دو برابر بنزین) آب می خورد، گول این شارلاتانها را نخورید.

-بازار می داند که با فعال شدن مکانیزم ماشه توسط آمریکا تحریمهای سازمان ملل حداکثر ظرف دو ماه برمی گردد و فشارها چند برابر خواهد شد.

-بازار بورس ایران در انتظار انفجاری بزرگتر از انفجار بندر بیروت است.

-فتیله بازار بورس آتش گرفته و در حال رسیدن به چاشنی باروت است. این یعنی احتمال انفجار بازار بورس با همان ریزش.

-به این می‌گویند کلاهبرداری و رانتخواری. این نتیجه سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی است. ریزش امروز در بورس مساوی بود با کل ارزش این بازار در سال ۹۶.

-کاهش تاریخی شاخص بورس تهران، که بیشترین کاهش مقداری در تاریخ بازار سرمایه به حساب می‌آید، زنگ خطری جدی از نوع افزایش قیمت یک شبه بنزین است!

۶۴- فاجعه کرونا که به دست رژیم گسترش یافت، وضعیت مردم فقیر را از نظر معیشتی، در تنگنای بیشتری قرار داد. با وجود آن که تمامی ثروتها و سرمایه‌های ملی و همچنین غارت دسترنج مردم، دست رژیم انباشته شده است، اما رژیم هیچ کمکی به مردم ستم‌دیده نکرده و نمی‌کند. وضعیت کارگران و حاشیه‌نشینهای کلان‌شهرها روز به روز وخیم‌تر شده‌است. این امر باعث شده از یک طرف مردم روز به روز خشمگین‌تر و گاه‌نترس‌تر شوند و از طرف دیگر، رژیم به شدت از جرقه قیام وحشت داشته باشد. در جامعه امروز، صف بندی بین رژیم و مردم، به خصوص فقرا، در شدیدترین درجه رسیده است.

کارگران، زنان سرپرست خانواده، بیکاران، حاشیه‌نشینان و کودکان کار بیشترین آسیب از این شرایط را دیده‌اند و می‌بینند. آماري که رسانه‌های رژیم منتشر می‌کنند بسیار دردناک است: «تست کروناي ۳۷ کارگر کارخانه پتروشیمی ارومیه مثبت شده است. در این کارخانه ۸۲ مورد تست کرونا گرفته شده، یعنی ۴۵ درصد کارگران مثبت اعلام شده است» (شرق، ۸ اردیبهشت ۹۹).

«ما از سه هزار نفر از کارگران ساختمانی سوال کردیم و حدود دو هزار و سیصد نفر پاسخ دادند که قبل از عید درآمدی نداشته‌اند. بنابراین صدمات جبران‌ناپذیری تا مرز گرسنگی به کارگران فصلی و ساختمانی وارد شده است» (ستاره صبح، ۳ اردیبهشت ۹۹).

«در ۱۰ روز گذشته دست‌کم صد هزار کارگر در سه استان مازندران، گلستان و لرستان از کار بیکار شده‌اند (شرق، ۸ اردیبهشت ۹۹).

«مطابق آمار، جمعیت کارگر در کشور ۷،۵ میلیون خانوارند حدود ۱۲ میلیون کودک یعنی حدود نیمی از کودکان کشور در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند» (شهروند، ۱۳ اردیبهشت ۹۹).

«در تهران ۱۴ هزار زباله‌گرد مشغول ارتزاق‌اند که از این تعداد ۴۶۰۰ نفر کودک هستند. نیم میلیون نفر کودک کار در ایران وجود دارد که اگر کار نکنند و به خیابان‌گردی رو نیاورند روند طبیعی زندگی‌شان دچار بحران عمیق خواهد شد» (روزنامه مستقل، ۲۱ اردیبهشت ۹۹).

«آمار رسمی می‌گوید زنان سرپرست خانوار ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر هستند، اما بعید نیست اینجا هم آمار غیر رسمی وجود داشته باشد؛ آماري که همیشه از آمارهای رسمی بیشتر است» (جوان، ۸ اردیبهشت ۹۹).

در ۹ مرداد ۱۳۹۶ وزارت راه و شهرسازی، تعداد حاشیه‌نشینان در ایران را ۱۹ میلیون نفر و حاشیه

نشینهای تهران را ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرد. اکنون تعداد حاشیه نشینان «افزایش یافته و رقمی معادل ۳۲ میلیون نفر از جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران را تشکیل می دهند. در تهران جمعیت حاشیه نشین تا ۱۱ میلیون نفر افزایش یافته است... جامعه متشتت، فقدان نظام تولیدی، وجود انبوه مشاغل خرد و خدماتی، تراکم فقرا و مهاجران و حاشیه نشینان در سطح کشور بسان یک بمب اجتماعی است که می تواند هر لحظه منفجر و منجر به ناآرامی اجتماعی شود» (آرمان، ۲۴ فروردین ۹۹).

این آمار هر روز افزایش پیدا می کند. حاشیه نشینان از هیچ امکان زیرساختی برای زندگی برخوردار نیستند. اکثریت حاشیه نشینان ساکن کلان شهرها هستند.

فروش در مغازه ها و بازار اساساً راکد است. به غیر از فروشگاههای مواد غذایی، بقیه فروشگاهها فروش اندکی دارند. مثلاً فروشگاههای لوازم برقی یا اثاث خانگی، موبایل فروشیها، لباس فروشیها و ... تقریباً فروشی ندارند.

فصل هفتم :

خشم مهار ناپذیر مردم

صف بندی کانونهای شورشی در مقابل رژیم

۶۵- وضعیت وخیم اقتصادی که با کرونا و تحریمها هر روز عمیق تر می شود، با توجه به قیامهای پیاپی آبان ۹۸ و دی ۹۸، جامعه را در شرایط انفجار قرار داده و در چنین شرایطی نیروی پیشتر و انقلابی و به طور مشخص کانونهای شورشی برای رژیم مهمترین تهدیدند. برای پی بردن به نقشی که دشمنان ولایت خامنه ای به طور عام و کانونهای شورشی به طور خاص، در شعله ور کردن هرچه بیشتر جنبشهای توده ای و جهت دادن به این جنبشها دارند باید به سخنرانی خود او در روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت برای دانشجویان بسیجی مراجعه کرد. خامنه ای سه تهدید برای حکومت را برشمرد. او بدون آوردن اسم سازمان مجاهدین خلق، گفت: «ما در اوایل انقلاب جوانهایی را داشتیم که اینها مردمان مسلمانی بودند و برای اسلام وارد میدان شده بودند، اما چون مبانی معرفتی شان ضعیف بود، پایه های معرفتی شان محکم نبود - حالا به هر دلیلی محکم نبود - اینها جذب گروههای التقاطی شدند و آن فجایع را، آن جنایات را به وجود آوردند؛ آخر هم سر از زیر پرچم صدام درآوردند. همه به این توجه داشته باشند که آنها روی جوان ما کار می کنند، سعی می کنند که از جوان ما سوءاستفاده کنند، آنها همه این را دنبال می کنند و برای این برنامه ریزی می کنند برنامه ریزی می کنند...» (سایت خامنه ای)

ولی فقیه به دانشجویان بسیجی هشدار داد که «اگر توجه نکنند این تهدیدها برای کشور اولایت فقیه [بسیار گران تمام خواهد شد]

خامنه ای در مورد بریده های درون نظام گفت: «برخی افراد در ابتدای انقلاب بسیار انقلابی عمل می

کردند اما به دلیل مبانی ضعیف معرفتی، اکنون جزو پشیمانها هستند که یکی از مسائل انقلاب اکنون همین حضرات پشیمان شده هستند.» (همان جا)

سپس به چپ پرداخت و گفت: «جریان چپ مارکسیستی دیگر در دنیا آبرویی ندارد و از فقر اندیشه ورزی، فقر سیاسی و فقر نیروی میدانی کارآمد در رنج است. اما به هر حال همیشه ممکن است عده ای با تصاحب شعارهای خوب، سوء استفاده کنند.» (همان جا)

در همین سخنرانی خامنه ای تاکید کرد که «منافق جذب نکنید» و ادامه داد «مکرر به مسئولین توصیه کرده ام بروند با دانشگاهها صحبت کنند، منتها آنها در جواب میگویند که وقتی ما می رویم، هدف این جوانهایی که آنجا جمع می شوند، فهمیدن مسائل و روشن شدن مسائل نیست، هدفشان تخریب کردن است.» (همان جا)

خامنه ای که رویدادهای دی ۹۶ تا دی ۹۸ را رصد کرده و گزارشهای دقیق از قیام آبان ۹۸ دارد و برای مثال می داند که فقط در روز شنبه ۲۵ آبان ۹۸ بیش از تمام قیام دی ماه ۹۶، مراکز سرکوب و غارت حکومت در هم کوبیده و به آتش کشیده شدند به دانشجویان بسیجی توصیه می کند که: «جذب کنید و یارگیری کنید ولی منافق جذب نکنید» و ادامه می دهد «نگذارید این مطالبه ی شما و اعتراض شما اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشه؛ این مهمه؛ دشمن منتظر اینه. دشمن از نحوه ی اعتراض شما اعتراض به نظام را تلقی می کند یا القا می کند که این اعتراض به نظام بود؛ این را نگذارید؛ این را جداً مانع بشوید و نگذارید که دشمن چنین فرصتی پیدا کند که از مطالبه ی شما، از اعتراض شما یک چنین تلقی ای به دست بیاورد یا چنین تلقی ای را بتواند به مخاطب القا کند.

اگر شما این پرچم را زمین گذاشتید کسانی ممکن است این پرچم را بردارند که هدف شان رفع مشکلات مردم نیست هدفشان معارضة و مبارزه با اسلام و با جمهوری اسلامی و با نظام اسلامی ست این را نگذارید.» (همان جا)

۶۶- پس از دو قیام آبان و دی ۹۸ مردم ایران با تحریم قاطع نمایش انتخاباتی رژیم در ۲ اسفند ۹۸ یکی از بزرگترین حرکتهای اعتراضی در چهار دهه حاکمیت آخوندها را شکل دادند و رژیم را مجبور کردند که رسماً اعلام کند مشارکت در انتخابات بسیار پایین بوده است. در چنین شرایطی، سرکردگان و کارشناسان رژیم با توجه به ورشکستگی کامل اقتصادی و سقوط آسانسوری ارزش ریال و تلفات فزاینده کرونا به طور مرتب در باره خطر انقلاب و قیامهای بنیان کن هشدار می دهند :

-محمدرضا مرتضوی، رئیس انجمن آردسازان ایران و رئیس کانون انجمنهای صنایع غذایی ایران، در ۵ خرداد ۹۹ در یک اعتراف تکانهنده گفت: «جاهایی را دیدم که پول آسانسورش به اندازه همه ثروت ۴۰ کارگر است، اینها تبعیض و پولهای دزدی است... این بغض از گلوی کارگر فرو نمی رود و منجر به انقلابات کارگری می شود ... این بغض اجتماعی که گلوی طبقات متوسط را گرفته، یکی از عوامل بازدارنده رونق در کشور است ... چون این بغض تبدیل به یک کینه اجتماعی می شود....

روزی که انقلاب شد من یادم میاد یک عده ای به خانه ها می ریختند و خانه ها را می گرفتند و در خانه ها

و آپارتمان‌ها می‌نشستند و... می‌گفتند چه کسی گفته متعلق به آنهاست؟ من آن روز را می‌بینم و مثل روز برایم روشن است می‌بینم که این باستی هیلز را میریزند میگیرند یعنی من، به عنوان کسی که جامعه را می‌شناسم و دارم نگاه می‌کنم، می‌بینم که این بغض متراکم می‌شود... خدمات مالیات نمی‌دهد، حساب‌های بانکی بهره می‌گیرند و بدون زحمت مالیات نمی‌دهند، طلا می‌خرند، ۲۵ هزار تا ۳۰ هزار می‌خرند، مالیات نمی‌دهند، آپارتمان و مسکن می‌خرند مالیات نمی‌دهند، کی مالیات می‌ده؟ کارگران. کی مالیات می‌ده؟ کارمندان... این اشرافیتی که در ایران می‌بینم، در هیچ جای دنیا نمی‌بینیم!... این پارتی‌های شبانه‌ای که من دیدم در هیچ جای دنیا نمی‌بینیم....

معلم فقیر! کارگر را می‌گیرند شلاق می‌زنند که آمده می‌گوید حقوق مرا نمی‌دهند، کسی که حقوق کارگر را نمی‌دهد صاحب کاخ است!... امضاها طلایی ناموس این مملکت را فروخته است. این فقر برای تقسیم ناعادلانه ثروت است... کاخ شاه در مقابل چیزهایی که اینها می‌سازند صفر است... شاهد باشید من گفتم، روزی فقرا این خانه‌ها را آتش می‌زنند (اعتماد آنلاین).

-محبوب فر، عضو کمیته حکومتی پیشگیری از کرونا، در ۲۴ خرداد ۹۹ در جهان صنعت نوشت: «ضمن فراخوانی اتاق‌های فکر امنیتی و اطلاعاتی درون حاکمیت جمهوری اسلامی به بازسازی ساختارهای درون خود، از این نهادها دعوت می‌شود در این برهه حساس به ایفای نقش تاریخی خود در جهت خروج از شرایط بحرانی فعلی کشور بپردازند». وی نوشت: «شرایط اقتصادی و مالی کشور ایران در دوران کرونا اکنون تبعات اجتماعی خودش را در درون جامعه نشان داده و قتل‌های ناموسی خانوادگی و خودکشی‌های سریالی اخیر در کشور تنها بخش اندکی از تبعات اجتماعی کروناست... بازگشت محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های گذشته به کشور و سوءمدیریت در ساختارهای اقتصادی کشور و افزایش فسادهای مالی و اقتصادی سیستماتیک در ساختارهای فعلی نهادهای حاکمیتی و رشد افزایش قیمت ارز و به تبع آن افزایش غیرقابل کنترل و چندبرابری قیمت کالاهای اساسی مردم و افزایش قیمت خرید و اجاره مسکن، تاب و تحمل اجتماعی را به طور محسوس و معناداری کاهش خواهد داد... بخش کوچکی از اعتراضات اجتماعی اکنون در کشور به صورت خشونت، قتل‌های ناموسی و خودکشی‌های سریالی شکل گرفته و بخش اعظم آن به زودی می‌تواند بسان اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸ درآمده و به سراسر کشور با دامنه گسترده‌تر و تشدید خشونت‌ها منتقل شود. اگر در آبان سال ۹۸ نام چهار استان دارای شاخص فلاکت بالا بر سر زبان‌ها بود، این بار شاخص فلاکت مختص بخش کوچکی از کشور نیست و تقریباً کل کشور با بحران‌های مالی و اقتصادی دست به گریبان است و کاسه چه کنم چه کنم در دست گرفته است».

۶۷- نمکی، وزیر بهداشت، در ۱۸ تیر به صراحت گفت: «گزارش دوستان امنیتی برای ما می‌آید این که مردم از فقر و تهیدستی رو به سمت طغیان می‌برند این بحث بحث جدی هست رئیس جمهور این مملکت باید به این معیشت فکر کنند دولت این مملکت و نیروهای امنیتی نظامی و انتظامی باید به این معیشت و عدم شکل‌گیری یک طغیان فکر کند... من یک دکه دار را که نمی‌توانم شب به شب در

خانه اش پول ببرم، یک راننده تاکسی که مسافرکشی می کند من نمی توانم، یک مغازه داری که چک برگشتی او دارد وادار می کند ایشان را به خودکشی، نمی توانم جور دیگری به او کمک کنم مجبورم بگویم باز کن... اقتصاددانان مملکت شماها باید راه کار به من ارائه می کردید که من چگونه می توانم این مملکت را در شرایط سخت کرونا، به گونه یی اداره کنم که طغیان ناشی از گرسنگی و فقر هم نداشته باشم» (تلویزیون شبکه خبر).

۶۸-روز ۲۱ مرداد ۹۹ رسانه حکومتی عصر ایران با اشاره به انفجار مهیب در بیروت بر اثر انباشت حجم عظیمی از «نیترا ت آمونیوم» و تظاهرات خشمگینانه مردم برای برکناری هیأت حاکمه، به سرکردگان ولایت خامنه ای هشدار داد «مراقب بیرونی شدن ایران باشید». در این هشدار که با عنوان «نیترا ت نارضایتی» و با عبارت «سخنی صریح با مسؤولان» نوشته شده، آمده است:

«به نفع نظام، مردم و کشور است که به جای مسیر «ناراضی - معترض - برانداز»، راه عقلانی «ناراضی - راضی - حامی» انتخاب شود. اما این راه معقول چگونه پیموده می شود؟ به نظر می رسد تنها راه این است: شنیدن صدای مردم و تمکین عملی در برابر گفتمان غالب بر جامعه. نیترا ت آمونیوم انباشته شده در گمرک بیروت، سال ها بدون صدا در انبار شماره ۱۲ خاک می خورد و کسی هم به آن توجه نمی کرد؛ اصلاً یادشان رفته بود که یک بمب ۲۷۵۰ تنی بیخ گوش شان است با بی اعتنایی از کنارش می گذشتند. بناگاه اما جرقه ای کوچک، آن انبار خاموش را به انفجاری مهیب بدل کرد و بیروت، با تمام زیبایی و شکوهش در چند لحظه کوتاه فرو ریخت. به قول مرحوم عمران صلاحی، «حالا حکایت ماست» و انبار بزرگی که در ایران وجود دارد و هر لحظه ممکن است منفجر شود و هر آنچه هست را با خاک یکسان کند: «نیترا ت نارضایتی» نه تعارف بردار است و نه قابل کتمان؛ هم فرد فرد مردم می دانند و هم آمارهای مسؤولان دلالت بر آن دارد: مردم ایران در ناراضی ترین وضعیت دهه های اخیر هستند. ابعاد این نارضایتی هم گسترده است: از اقتصاد گرفته تا سیاست و از دین تا فرهنگ و از همه جا تا همه جا. حکومتها در برابر افراد ناراضی - به ویژه اگر در اکثریت باشند - دو راه دارند: یا باید با اصلاحات جدی، آنها را به راضی یا حداقل امیدوار تبدیل کنند یا آن که با استمرار سیاست های منجر به نارضایتی، ناراضی ها را به «معترض» بدل کنند... واقعیت این است که امروز اصل ضدیت با نظام در همین فاصله گذاری بین حکومت و مردم است و خود همین افراد، بیش از بقیه شایسته وصف برانداز بودن هستند. جمهوری اسلامی ایران در بزنگاهی تاریخی قرار گرفته است و راه معقول و ثبات آفرین، تبدیل ناراضیان به راضیان و حامیان است و الا نیترا ت نارضایتی، هر آن ممکن است منفجر شود و بشود آنچه نباید بشود».

۶۹-به دلیل شدت غارت و چپاول سرمایه ها و دسترنج مردم که رژیم در چهار دهه علیه مردم بکار گرفته و هر اعتراضی را با سرکوب پاسخ داده، وقتی اعتراض گسترده ای در جایی صورت می گیرد، به سرعت تبدیل به درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم می شود.

در سال گذشته دامنه اعتراضهای توده ای در شهرهای مختلف کشور هر روز افزایش داشته است. بر اساس ترازنامه ای که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای سال ۱۳۹۸ منتشر کرده، تعداد ۳۲۲۰ حرکت اعتراضی که از طرف کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران، بیکاران، بازاریان، مدافعان حفاظت از محیط زیست و خیزشهای توده ای صورت گرفته که ۱۵۰۰ مورد آن مربوط به قیام آیان و خیزش دی ماه است. بدیهی است که بیلان حرکتهای اعتراضی بسیار بیشتر است.

از آغاز سال ۱۳۹۹ با وجود اینکه بحران ویروس کرونا از اسفند ۹۸ در اولین اوج خود در ایران بود، حرکتهای اعتراضی اقبال زحمتکش به طور مستمر ادامه داشت و روزانه به طور متوسط ۸ حرکت اعتراضی صورت می گرفت.

در فاصله زمانی ۱۴ روز از ۲۹ اسفند ۹۸ تا ۱۳ فروردین ۹۹ زندانیان عادی، با محکومیتهای سنگین، حبس ابد و اعدام در ۱۲ زندان (زندانهای پارسیلون خرم آباد، الیگودرز، مرکزی تبریز، سقز، الوند همدان، تهران بزرگ، مهاباد، عادل آباد شیراز، پیرنو، سپیدار اهواز، شیبان اهواز و زندان مرکزی یزد)، دست به شورش و اعتراض زدند. این پدیده در طول حاکمیت رژیم آخوندی، بی سابقه بود.

از اواخر اردیبهشت ماه ۹۹، مردم استان خوزستان، به ویژه منطقه غیزانیه با بی آبی مواجه شدند. مردم در اعتراض، جاده اصلی را مسدود کردند. نیروهای سرکوبگر مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما مردم در مقابل آنها مقاومت کردند. حرف مردم این بود که در منطقه ما ۳۰۰ چاه نفت است چرا باید از آب شرب سالم محروم باشیم؟ منطقه غزانیه بیش از ۸۰ روستا دارد. درگیریهای نیروهای سرکوبگر با مردم در اوایل خرداد ماه ادامه داشت، اما مردم آنها را عقب نشاندند. مقامات محلی رژیم در وحشت از گسترش اعتراض شدید مردم، از مردم عذرخواهی کردند. در جریان تجمع اعتراضی مردم چهارمحال بختیاری، بیشتر کشاورزان، کفن پوشیده و شعار می دادند، می میریم می میریم ذلت نمی پذیریم.

۷۰- پنجشنبه شب ۲۶ تیر ۹۹ مردم بهبهان برای اعتراض به وضعیت زندگی و معیشت نابسامان خود و صدور حکم اعدام برای بازداشت شدگان قیام آبان سال گذشته، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی در میدان بانک ملی کردند. قیام کنندگان با سر دادن شعارهایی چون «خامنه ای قاتله ولایتش باطله/ بسیجی بی شرف/ مرگ بر دیکتاتور/ حکومت آخوندی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم/ توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه/ نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران/ ایرانی می میرد ذلت نمی پذیرد و ...» نفرت و انزجار از رژیم را نشان دادند. خیزش مردم بهبهان توسط نیروهای امنیتی و نظامی به شدت سرکوب شد. نیروی سرکوبگر انتظامی با شلیک گاز اشک آور و تیراندازی مردم را مورد تهاجم قرار داده و تعداد زیادی را دستگیر کرد.

خانم رجوی در سخنرانی‌اش در گردهمایی جهانی ایران آزاد، که همزمان با تظاهرات مردم بهبهان و توفان توثیت علیه احکام اعدام سه جوان قیامی جریان داشت، گفت: «به همه شما درود می‌فرستم. به‌خصوص به شهر شهیدان، به مردم به‌پاخاسته بهبهان و هم‌چنین میلیون‌ها هموطن برانگیخته و

غیرتمند که علیه احکام ضدانسانی اعدام جوانان قیام با توفان عظیم توییت و اعتراضات گسترده اینترنتی، سد بستند».

به دنبال خیزش مردم و جوانان شورشگر، رژیم در وحشت از گسترش قیام به دیگر شهرها و مناطق کشور به لشکرکشی و ضدتظاهرات نمایشی روی آورد و امت همیشه در صحنه بسیج و سپاه و ساندیس خواران نظام را برای شعار دادن علیه مجاهدین در ساندویچ شعار علیه اسرائیل و آل سعود به صحنه آورد. در این نمایش رسوا، که مشتی آخوند و بسیجی صحنه گردان آن بودند، پلاکاردهایی علیه رئیس جمهور برگزیده مقاومت با پرچم آمریکا بلند کردند تا دق دل نظام را از گردهمایی جهانی ایران آزاد و سخنرانی خانم رجوی و بازتاب گسترده آن در داخل ایران، خالی کنند.

تجمع و بسیج سراسیمه حکومت آخوندی برای ترتیب دادن این ضد تظاهرات و حمله به رئیس جمهور برگزیده مقاومت درحالی بود که وزارت کشور رژیم رسماً هرگونه تجمع را ممنوع و اعلام کرده بود که با تصویب کمیته امنیتی، اجتماعی و انتظامی به خاطر شیوع مجدد کرونا، برگزار کردن هرگونه همایش و گردهمایی در سطح کشور مطلقاً ممنوع است.

در مرداد ماه کارگران مقاوم پالایشگاههای نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاههای سیکل ترکیبی در نقاط مختلف کشور، تبریز، مشهد، آبادان، اهواز، ماهشهر، خرمشهر، اصفهان، اردبیل، ارومیه، هریس، مهران، ایلام، بندرکنگان، عسلویه، روستای تنبک، شیروان، هویزه، دشت آزادگان، لامرد، مَهر، ایرانشهر، زرنديه و قشم دست به اعتصاب و اعتراض زدند. کارگران اعتصابی در بیش از ۵۰ مرکز و کانون کارگری برخواستهای خود که عبارت بودند از پرداخت منظم و به موقع دستمزدها، پرداخت حق بیمه و سایر مزایای کاری، توقف اخراج کارگران، کاهش ساعات کار، رعایت قانون اقماری ۱۴ روز کار، ۱۴ روز استراحت، ارائه تسهیلات بانکی، برکناری پیمانکاران، دادن اجازه برای تشکیل سندیکای کارگری و تشکیل هیأت نظارت کننده حقوقی، پای فشردند.

علاوه بر نمونه‌های جمعی و گسترده اعتراضاتی که اشاره کردیم، حرکت‌های اعتراضی زحمتکشان و محرومان به دلایل گوناگون، از جمله به خاطر تخریب مغازه‌ها و خانه‌ها، یا کمبود آب و زمین‌خواری و تخریب و تصرف مراتع و جنگل‌ها و آلودگی هوا و تخریب محیط زیست، و به خصوص عدم پرداخت حقوق و دستمزد پزشکان و پرستاران و کادر پزشکی، به رغم کار طاقت فرسا و پرخطر در شیوع کرونا و هم چنین عدم پرداخت بازنشستگان؛ صورت گرفته است.

فصل هشتم :

قطعنامه سرفصلی اکثریت نمایندگان منتخب مردم آمریکا
گردهمایی‌های جهانی ایران آزاد و اجلاس شورای ملی مقاومت

در آغاز چهلمین سال تأسیس شورا و سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر

۷۱- به رغم محدودیتهای فراگیرناشی از همه گیری ویروس کرونا در همه کشورها ، اعضا و هواداران مقاومت ایران به موازات فعالیتهای کانونها و جوانان شورشی در داخل میهن اسیر، در عرصه سیاسی و در خارج کشور با ابتکار و خلاقیت نه تنها از فعالیتهای خود نکاستند بلکه به کارزار سیاسی و بین المللی خود علیه رژیم شتاب جدیدی بخشیدند. قطعنامه سرفصلی اکثریت نمایندگان منتخب مردم آمریکا در آستانه ۳۰ خرداد که یک پیام ماندگار تاریخی به مردم ایران است، ثمره تلاشهای وقفه ناپذیرمقاومت و پشتیبانان آنها با رژیم آخوندی در عرصه بین المللی است. کارزار عظیم سیاسی و بین المللی مقاومت در آستانه ۳۰ تیر در گردهمایی سه روزه جهانی "ایران آزاد" به اوج رسید و سپس با اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت، تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل، تکمیل گردید.

در آستانه ۳۰ خرداد ۹۹ قطعنامه دو حزبی اکثریت نمایندگان منتخب مردم آمریکا در کنگره این کشور در حمایت از قیام مردم ایران، طرح ۱۰ ماده ای خانم مریم رجوی و برقراری یک جمهوری دموکراتیک ، غیر مذهبی و غیر اتمی منتشر شد. این قطعنامه توسط ۲۲۱ نماینده شامل ۱۰ تن رؤسای دموکرات کمیته های مجلس نمایندگان و هم ترازان جمهوریخواه آنها و ۱۱۳ تن رؤسای دموکرات زیرکمیته ها و هم ترازان جمهوریخواه امضا شده است. این قطعنامه با اشاره به توطئه انفجار گردهمایی مقاومت ایران در پاریس در ۹ تیر ۱۳۹۷ از جمله تصریح میکند : «از آنجا که در ۲ ژوئیه ۲۰۱۸ دادستان فدرال در بلژیک اعلام کرد یک توطئه تروریستی علیه گردهمایی " ایران آزاد-آلترناتیو" در روز ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ برای حمایت از مبارزه مردم ایران برای آزادی را در هم شکسته است؛

از آنجا که یک دیپلمات ارشد رژیم ایران مستقر در سفارت ایران در وین، پایتخت اتریش، در ارتباط با توطئه تروریستی طراحی شده، در حالیکه در آلمان بود، دستگیر شده است ؛

از آنجا که گردهمایی ایران آزاد برای ابراز حمایت از طرح ۱۰ ماده ای رهبر اپوزیسیون ایران خانم مریم رجوی برگزار شده بود که برای آینده ایران خواهان حق جهانی رای دادن، انتخابات آزاد، اقتصاد آزاد، برابری زنان و مذاهب و ملیتها، سیاست خارجی بر پایه همزیستی مسالمت آمیز و یک ایران غیر اتمی است؛

از آنجا که در اوت ۲۰۱۸ دولت ایالات متحده دو ایرانی را طبق شکایت دادگستری فدرال دستگیر کرد که در خدمت وزارت اطلاعات ایران بودند و علیه دو تن از مسئولان شورای ملی مقاومت ایران در آمریکا با مجموعه ای از اهداف اعم از ربودن، عضوگیری، سوءاستفاده سایبری، یا عملیات دستگیری و کشتن، تعقیب و مراقبت مخفی می کردند؛

از آنجا که، مطابق گزارش منتخب فعالیتهای رژیم ایران در اروپا که توسط وزارت خارجه آمریکا در تاریخ ۵ جولای، منتشر شد، "دو ایرانی مأمور رژیم ایران توسط مقامات آلبانی به اتهام تروریسم" برای بمبگذاری علیه مراسم سال نو هزاران عضو مخالف ایرانی در تیرانا دستگیر شدند؛

از آنجا که دولت آلبانی در دسامبر ۲۰۱۸، سفیر رژیم ایران غلامحسین محمدی نیا و مصطفی رودکی، نماینده ویژه وزارت اطلاعات در آلبانی برای طراحی و اجرای اعمال تروریستی علیه مخالفان ایرانی و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را اخراج کرد؛

از آنجا که مردم ایران از حقوق اولیه آزادی محروم بوده و به همین دلیل دیکتاتوری سلطنتی را رد کرده و مخالف دیکتاتوری مذهبی هستند،

و از آنجا که در کنگره ۱۱۵ مجلس نمایندگان آمریکا در قطعنامه مصوب ۴۷۴۴ از ایالات متحده خواستار "محکوم کردن نقض حقوق بشر علیه مخالفان ایرانی در قتل عام ۱۹۸۸ و در سرکوب تظاهرکنندگان در سالهای ۱۹۹۹، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۷ و فشار بر رژیم ایران برای دادن اطلاعات کامل به بستگان شهیدان در مورد محل دفن آنها شده است" اکنون مقرر می‌کند:

۱- حملات تروریستی حمایت شده توسط رژیم ایران در گذشته و حال علیه شهروندان آمریکایی، مقامات آمریکا و مخالفین ایرانی، شامل عملیات تروریستی علیه شرکت کنندگان مخالف ایرانی در گردهمایی "ایران آزاد" در سال ۲۰۱۸ در پاریس محکوم گردد.

۲- به آژانسهای مرتبط با دولت آمریکا فراخوان میدهد که با متحدین اروپایی، شامل کشورهای بالکان کار کنند تا رژیم ایران را بخاطر تخطی از پروتکل های دیپلماتیک مورد حسابرسی قرار دهند.

همچنین از دولتها میخواهد که از فعالیتهای مخرب هیئت های دیپلماتیک رژیم ایران جلوگیری کنند و به بستن سفارتهای آن منجمله بستن سفارت رژیم ایران در آلبانی اقدام نمایند.

۳- کنگره در کنار مردم ایران که به تظاهرات صلح جویانه و مشروع خود علیه رژیم سرکوبگر و فاسد حاکم ادامه میدهند، می ایستد.

۴- کنگره حق مردم ایران را برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک، غیرمذهبی و غیر اتمی به رسمیت می شناسد.

نمایندگان کنگره آمریکا در روز ۱۷ ژوئن ۲۰۲۰ در یک کنفرانس اینترنتی قطعنامه اکثریت اعضای مجلس نمایندگان را اعلام کردند.

۷۲- در روزهای ۲۷ و ۲۹ و ۳۰ تیرماه ۱۳۹۹، گردهمایی جهانی ایران آزاد برگزار شد. این کنفرانس هموطنان را در ۳۰ هزار نقطه در ایران و ۱۰۰ کشور جهان در ارتباط مستقیم با مجاهدین در اشرف ۳ گردهم آورد. در این گردهمایی که همزمان با ۳۰ تیر، سالگرد قیام تاریخی مردم ایران علیه ارتجاع و استعمار، برای بازگرداندن دولت ملی و دموکراتیک دکتر محمد مصدق در سال ۱۳۳۱ و همچنین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت تنها جایگزین مستقل و دموکراتیک در سال ۱۳۶۰ با شرکت گسترده و استقبال هموطنانمان برگزار شد، بیش از هزارتن از رهبران سیاسی، پارلمانترها و شخصیت‌های مختلف از آمریکا، کانادا، کشورهای اروپایی و عربی و اسلامی در آن شرکت و شماری از آنها سخنرانی کردند. برخی از این شخصیتها عبارتند از:

-نخست وزیران پیشین کشورهای کانادا، الجزایر و آلبانی : آقایان استیون هارپر، سید احمدغزالی، سالی بریشا و پاندلی مایکو
-اعضای سنای آمریکا:

سناتور مارکو رובیو(رئیس کمیته اطلاعات)، سناتور بن کاردین(رئیس دمکراتها در کمیته مشاغل)، سناتور رابرت منندز(رئیس دمکراتها در کمیته خارجی)، سناتور جان کورنین، سناتور مایک براون، سناتور تادیانگ، سناتور جان بوزمن و سناتور مارتا مک سالی و نمایندگان کنگره: آقایان پال گوسار، لنس گودن، ماریو دیازبالارت، دنی دیویس، دان بیکن، تیم بورچت، دونالد پین، دیوید ترون، رالف نورمن، تام امر، تام مک کلینتاش، تد دویچ، حکیم جفریز، و خانم شیلاجکسون لی

-وزرای خارجه پیشین فرانسه، ایتالیا، کانادا، لهستان ،آلبانی ،اسلواکی و یمن : خانم میشل آلیوماری و آقایان جولینو ترترزی، جان برد، آنا فوتیگا، لولزیم باشا، ادوارد کوکان، ریاض یاسین و خالد الیمانی همچنین آقای نیوت گینگریچ، رئیس پیشین کنگره آمریکا، بارونس بوتروید رئیس پیشین پارلمان انگلستان، مایکل کامینسکی و گابریلا مورائوسکا نایب رئیسان سنای لهستان

۷۳-در این گردهمایی که در همبستگی با قیام مردم ایران و حمایت از کانون‌های شورشی و ارتش آزادی برگزار شد، خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران طی سخنانی به تحلیل شرایط و راهکارهای نجات مردم ایران از رژیم ولایت فقیه پرداخت و گفت: «امروز زمین و زمان فریاد می‌زند که رژیم ولایت فقیه در موقعیت سرنگونی است. هر چند ویروس فاشیسم دینی (ولایت فقیه) و ویروس متحد آن کرونا دست به دست هم داده‌اند تا مردم جامعه ما را مأیوس و منفعل کنند، اما در توفان آبان به چشم دیدیم که آتش قیام‌ها به ناگهان در ۹۰۰ نقطه کشور شعله‌ور شد و الگوی درخشانی از عملیات بزرگ سرنگونی خلق کرد. این قیام‌ها از دی ۹۶ تا آبان و دی ۹۸، در پی اصلاح رژیم نیست؛ حرفی با آخوندها ندارد؛ چیزی از آن‌ها نمی‌خواهد؛ بلکه می‌خواهد حکومت‌شان را سرنگون کند...مقاومت ایران با گزارش‌های دقیق و مستند عدد ۱۵۰۰ شهید را در قیام آبان، به ثبت داد. اما واقعیت بیش از این‌هاست. انبوه اسناد افشا شده توسط کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت از سازمان اورژانس کشور که فقط اندکی از بسیار، آن‌هم فقط در تهران است، این را ثابت می‌کند. از این قیام‌ها، پاسداران سیاسی، مبلغان، لابی‌ها و ریزه‌خواران ولایت فقیه نیز، همه مات شدند. زیرا تمام رشته‌های فریب و دروغ‌شان پنبه شد. می‌گفتند دیگر متصور نیست که مردم ایران به قیام و انقلاب برای سرنگونی دست بزنند. می‌گفتند تحولی در ایران رخ نمی‌دهد مگر از درون همین رژیم. و بارها این پندار آخوند ساخته را تکرار می‌کردند که مجاهدین پایگاهی در میان مردم ندارند. در جستجوی مجاهدین جوان و نوجوان بودند که به‌ناگاه جاری‌شدن سیل‌آسای آن‌ها را در خیابان‌های شهرهای سراسر ایران به چشم دیدند و وقتی کار به دستگیری دانشجویان پیشرو و پیشتاز رسید، دیگر برنتابیدند. این که آخوندها و خیل بازجوها و مستخدمان‌شان

این طور علیه مقاومت و مجاهدین افسار گسیخته‌اند، به‌همین دلیل است. آن‌ها رژیم‌شان را در موقعیت سرنگونی می‌بینند و از این واقعیت به‌خود می‌پیچند که قیام‌ها و جوانان شورشی مسیر و استراتژی مجاهدین را در پیش گرفته‌اند».

خانم رجوی دربخش دیگری از سخنرانی خود، پس از اعلام یک دقیقه سکوت به یاد هموطنان جانبازانه در اثر شیوع کرونا، درباره رویکرد شوم آخوندها برای فرصت سازی از کرونا با فرستادن مردم به قربانگاه و استراتژی کلان تلفات، گفت: «این کشتار بیش از هر زمانی پرده از این واقعیت هولناک برداشته که چگونه آخوندها، بنیادهای بهداشت و درمان و تغذیه و رفاه جامعه را ویران کرده‌اند و بیش از هر کشوری در جهان، مردم ما را در برابر کرونا آسیب‌پذیر کرده‌اند. نباید وضعیت کرونا در ایران را با سایر کشورها مقایسه کرد. خامنه‌ای در اسفندماه گذشته به صراحت گفت که می‌خواهد از کرونا برای رژیم فرصت و نعمت بسازد. من بارها از جانب مقاومت ایران اعلام کرده‌ام که روند نامتعارف افزایش شمار قربانیان کرونا، حاصل سیاست‌های جنایتکارانه و چپاولگرانه خامنه‌ای و روحانی است. استراتژی اجساد و کلان تلفات انسانی برای سد بستن در برابر خطر قیام و سرنگونی و برای منفعل کردن، مأیوس کردن و بی‌حرکتی جامعه ایران است. آنها مردم را بدون هرگونه کمک در پیشگیری و درمان، به سرکار می‌فرستند و در عین حال آن‌ها را به دلیل عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مقصر و عامل شیوع کرونا معرفی می‌کنند.

کارگزاران رژیم می‌گویند در ماه تیر بیماری شبیخون زده است و «پرستاران مثل برگ پاییزی می‌ریزند» و دست کم ۱۵ هزار تن از کادر درمانی به کرونا مبتلا شده‌اند.

درودهای بیکران به پزشکان و پرستاران فداکار که در این ماه‌ها با درد و رنج فراوان و مایه‌گذاری از جان‌شان برای نجات هموطنان مان یک دم آرام و قرار نداشتند. برای تقدیر از آن‌ها یک دقیقه کف می‌زنیم...

درهمین شرایط بحرانی آخوندهای حاکم از تخصیص بودجه برای مقابله با بیماری و حتی پرداخت حقوق پرستاران خودداری می‌کنند. وزیر بهداشت همین رژیم می‌گوید از اول شیوع کرونا به‌رغم درخواست‌های مکرر برای اولین بار در خرداد ماه، فقط ۳۰۰ میلیون یورو، یعنی ما به ازاء هر ایرانی ۳,۵ یورو، به این وزارتخانه برای مقابله با کرونا پرداخت شده که قابل مقایسه با هیچ کشوری در جهان نیست. البته همین پول هم، در چرخ دنده فساد فراگیر حکومتی حیف و میل می‌شود. این در حالی است که مجلس آخوندی پس از هلاکت سلیمانی یک طرح سه فوریتی به تصویب رساند تا ۲۰۰ میلیون یورو از «صندوق توسعه ملی» به فعالیت‌های نیروی تروریستی قدس اختصاص داده شود (ایرنا، ۱۷ دی ۹۸).

آخوندها همچنین در حین بحران نفس‌گیر کرونا به فرستادن یک ماهواره پرهزینه به فضا ادامه دادند. همزمان، فعالیت جنگی و تروریستی در عراق و سوریه و یمن را ادامه دادند و فعالیت‌های شوم هسته‌یی را به سطح بالاتری رساندند. وزیر دفاع رژیم اخیراً در مجلس ارتجاع گفت: «در چهار سال گذشته ...

تقریباً به اندازه ۱۰ سال قبل، ما موشک تولید کرده‌ایم. راستی مخارج این فعالیت‌ها از کجا تأمین می‌شود؛ جز با خالی کردن سفره مردم محروم؟».

۷۴- خبرگزاری رویترز در شامگاه ۱۷ تیر ۹۹ نوشت: «یک گروه اپوزیسیون ایرانی در تبعید که هدف بمب‌گذاری خنثی شده در فرانسه دوسال پیش بود روز جمعه گردهمایی در اینترنت برگزار کرد و باوجود شیوع ویروس کرونا بدنبال فشار بر دولت تهران بود. شورای ملی مقاومت ایران، جناح فراگیر گروه اپوزیسیون تبعیدی که بدنبال پایان دادن به حکومت شیعی مسلمان در ایران است، سنتاً گردهمایی انبوهی هرساله در حومه پایتخت فرانسه برگزار می‌کرد. ۱۸ سناتور کنونی آمریکا در میان کسانی بودند که روز جمعه سخنرانی کردند. همچنین رودی جولیان، وکیل شخصی پرزیدنت دونالد ترامپ، که مکرراً از این گروه حمایت کرده سخنرانی کرد. شورای ملی مقاومت گفت این گردهمایی به ۳۰ هزار مکان در ایران و ۱۰۰ کشور در سراسر جهان وصل بود. مریم رجوی رهبر این گروه در خلال این گردهمایی ۶ ساعته گفت: «مأموریت نسل ما سرنگونی رژیم جنایتکار آخوندها و احیای حقوق پایمال شده تمامی مردم ایران است». این گردهمایی مجازی درست دو روز بعد از آن بود که در بلژیک به یک دیپلمات رژیم ایران (اسدالله اسدی) و سه نفر دیگر دستور داده شد به خاطر نقش آنها در توطئه خنثی شده برای حمله بمبگذاری در گردهمایی شورای ملی مقاومت در نزدیکی پاریس در سال ۲۰۱۸، محاکمه شوند».

خبرگزاری فرانسه گزارش کرد: «گروه اپوزیسیون ایرانی در تبعید روز جمعه با حامیان معروف خود از اروپا و آمریکا، کنفرانس اینترنتی سالانه برای پافشاری بر قیام و تغییر رژیم در تهران برگزار کرد... مریم رجوی پرزیدنت شورای ملی مقاومت گفت: «اولین تعهد مردم و مقاومت ایران این است که این رژیم مذهبی را سرنگون کنیم و ایران را پس بگیریم». او گفت «حرف آخر این است که آخوندها هیچ راه حلی ندارند و رژیم آنها در تمامیت خود محکوم به سرنگونی است». او گفت هواداران این سازمان «جان خود را فدا می‌کنند تا شعله‌های قیام را روشن نگه دارند».

سخنرانان خارجی از جمله متیو آفورد، نماینده پارلمان انگلستان، و فیلیپ گوسلن، نماینده پارلمان فرانسه، و آنا فوتیگا، وزیر خارجه پیشین لهستان، بر پیام خانم رجوی تأکید می‌کردند. رودی جولیان گفت: «این رژیم در آستانه سقوط است». او گفت: «تغییر رژیم دردسترس است به نومیدان گوش نکنید».

واشینگتن تایمز ۳۰ تیر ۹۹ نوشت: «این گردهمایی که توسط شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران سازماندهی و برگزار شد، تقریباً یک شاهکار تکنولوژیکی را رقم زد زیرا دهها هزار شرکت کننده از ۱۰۲ کشور و ۳۰ هزار نقطه مختلف در دنیا را از طریق زوم به هم وصل می‌کرد. برخی از فعالان مقاومت ایران حتی از داخل ایران به گردهمایی وصل شدند و خطر جانی برای خود خریدند زیرا رژیم خامنه‌ای کارنامه‌ای مملو از سرکوب سبعانه علیه اپوزیسیون داخلی را دارد. در پس این پیروزی لجستیکی یک پیام ساده از سوی شورای ملی مقاومت ایران مطرح شد و آن اینکه دوران

حاکمیت آخوندها و پشتیبانان تروریست آنها به سر آمده است. یک عضو مجلس آلمان، مارتین پاتسلت، گفت: مردم ایران خواهان تغییر و دموکراسی، و حقوق بشر و رونق اقتصادی هستند و دیگر گرسنگی نمیخواهند. اراده این ملت بسیار قویتر از هرگونه اقدام سرکوبگرانه رژیم ایران است. سناتور لیبرمن گفت: قرارداد هسته‌ای و سایر سیاست‌ها در میان همه تلاشها برای ایجاد رفرم در رژیم تهران شکست خورده‌اند و تنها راه حل باقیمانده قیام مردم ایران برای استقرار دولتی جدید است. بعد از همه تلاشهای بی ثمر برای تغییر در رفتار این باند جنایتکار، که مردم و تاریخ و فرهنگ ایران را به گروگان گرفته‌اند، تغییر از سوی کانونهای شورشی در ایران ایجاد خواهد شد. هنگامی که آنها مقاومت را تبدیل به شورش کنند، ما و سایر کشورهای جهان - مخصوصاً آمریکا - باید در کنار آنها بایستیم و از آنها حمایت کنیم. من مطمئنم که این روز نزدیک است».

در مورد «شاهکار تکنولوژیکی» مورد اشاره واشنگتن تایمز، رژیم و مزدورانش که به شدت گزیده شده بودند، به انواع تشبثات از جمله مراجعه به شرکت‌های ترتیب دهنده کنفرانس مبادرت کردند تا چیزی برای تخطئه و انکار ۳۰ هزار نقطه وصل پیدا کرده و آن را علیه مقاومت ایران مصرف و در بوق کنند. اما ساعتها در پخش زنده، در هر لحظه ۴۸ میتینگ آنلاین که هر کدام ۴۹ نقطه وصل را نشان می‌داد و ۱۳ یا ۱۴ بار پشت سر هم می‌چرخید و تعویض می‌شد و برای مدعی جز سرافکنندگی چیزی باقی نگذاشت. آماردقیق نقاط وصل مورد تأیید شرکت‌های ترتیب دهنده کنفرانس در مجموع ۳۱،۲۲۲ نقطه بود که عکس و فیلم و اسناد آن در دبیرخانه شورا موجود و مجدداً قابل ارائه و انتشار است. سایبری رژیم در حین پخش برنامه با هزاران حمله قصد اخلاص داشت اما با تدابیر بازدارنده متخصصان و ترتیب‌دهندگان کنفرانس خنثی و در هم کوبیده شد.

۷۵- خانم رجوی در دومین کنفرانس گردهمایی ایران آزاد تحت عنوان «سی و دومین سالگرد قتل‌عام ۶۷، جنایت مجازات نشده علیه بشریت»، ضمن تبریک به خاطر وادار کردن قضائیه جلادان به یک گام عقب‌نشینی و توقف در اعدام ۳ جوان قیامی گفت: «خشم و اعتراض مردم ایران تا سرنگونی رژیم و پیروزی نهایی ادامه دارد. این جوانان و تمام زندانیان قیام باید هر چه سریع‌تر آزاد شوند... رژیم آخوندی چهار دهه است که می‌خواهد با شیطان‌سازی و با اعدام و قتل‌عام و تروریسم، آلترناتیو خود یعنی آنچه را که باید باشد، نابود کند. می‌خواهد دنیا را متقاعد کند که این رژیم آلترناتیوی ندارد و باید به آن تن داد. وقتی هم نتواند مجاهدین و شورای ملی مقاومت را نابود کند، تلاش می‌کند نشان بدهد که آن‌ها بدتر از این رژیم هستند و در نتیجه باز هم باید با همین رژیم ساخت. نتیجه وضع موجود هم روشن است؛ از یک طرف کشتار جوانان ایران، از طرف دیگر غارت دارایی مردم و چوب حراج‌زدن به خزر و خلیج فارس و جزایرش در معاملات و قراردادهای وطن‌فروشانه که این روزها صحبتش زیاد است. آخوندها، قدرت پوسیده را به این صورت حفظ کرده‌اند که البته دوام نخواهد آورد. در ۴۰ سالگی که می‌گذرد، رژیم بی‌وقفه اعلام کرده که مجاهدین و مقاومت ایران را دشمن اصلی و نخستین مرز سرخ خود می‌داند. بنابراین، در این رویارویی تاریخی می‌توان جایگاه و نقطه قرارگرفتن

همه نیروها و جریانات را مشخص کرد. در یک طرف، بقایای شیخ و شاه و افراد و جریان‌هایی هستند که به‌طور آشکار و بی‌پرده و یا شرمگینانه و در پرده، همین رژیم را بر شورای ملی مقاومت و مخصوصاً بر مجاهدین ترجیح می‌دادند و می‌دهند. مثلاً در سیاست صلح و جنبش صلح در جنگ ۸ ساله، در بحث هویت و ماهیت رژیم بعد از مرگ خمینی و مطرح شدن سراب میانه‌روی رفسنجانی و در برابر توهم اصلاحات آخوند خاتمی. پس، ما با افراد و جریان‌هایی روبرو هستیم که یا با همین رژیم هستند، یا متحد بالفعل رژیم‌اند و یا به درجات با همین رژیم همسو هستند، برای مثال بر سر تحریم‌ها و هم‌چنین برنامه‌های هسته‌یی و موشکی رژیم یا در باره فعال شدن مکانیزم ماشه در ۶ قطعنامه بلوکه‌شده شورای امنیت علیه این رژیم، یا بر سر نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران و یا در موضوع قاسم سلیمانی و دخالت‌های رژیم در سوریه و لبنان و یمن. بله، بر سر همه این مسائل با رژیم همسویی و هم‌زمانی می‌کنند؛ اما در طرف دیگر آن‌هایی قرار دارند که رو در روی رژیم ایستاده‌اند و بنابراین با ما هستند یا همسو با مقاومت ایران‌اند. این نخستین، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جبهه‌بندی در ایران امروز است. در واقع این شورا و این آلترناتیو، شاخص و آئینه تمام نمای مبارزات ۴۰ ساله است. و این حقیقت را روشن می‌سازد که چرا شیطان‌سازی و خصومت رژیم با مجاهدین و تروریسم علیه این مقاومت، در چنین ابعاد گسترده‌یی جریان دارد و هدف آن چیست؟».

۷۶- در جریان گردهمایی ایران آزاد ۳۱ شخصیت آمریکایی در بیانیه مشترکی، ضمن اشاره به کارنامه جنایات رژیم ایران در داخل و خارج کشور، نوشتند: «... برخلاف بسیاری دولتها، چهره‌های اصلی در این رژیم شیطانی سالها و حتی دهه‌ها در مناصب مسئول بوده‌اند. مقامات ارشدی که به دستور آنها پلیس شهروندان را در خیابانها به قتل میرساند و مردم بیگناه را بناحق دستگیر میکند، و مقامات زندان شهروندانی که تنها جرمشان ابراز خواستشان برای آزادی سیاسی و مذهبی بوده است را شکنجه و اعدام میکنند، و قضاتی که استبداد دولتی را میسر کرده و حکومت قانون را تحریف میکنند میباید اکنون مورد حسابرسی قرار گیرند. این جنایتکاران از امتیاز بودن در حاکمیت برای گریز از مجازات جنایاتشان علیه بشریت سوء استفاده کرده‌اند. در این چشم انداز تیره یک نقطه امید وجود دارد. تنها زمانی که بیشتر از هر موجودیت دیگری منجمله دولتها، برای آزاد کردن شهروندان ایرانی از دست استبداد و جهان از تروریسم برانگیخته از بنیادگرایی عمل کرده، شورای ملی مقاومت ایران است. شورای ملی مقاومت بطور خستگی ناپذیر تلاش میکند تا تضمین کند که امید برای دموکراسی و نقطه پایان بر بیعدالتی در ایران زنده بماند.

بعلاوه، این شورا با تداوم ارتباطات رسانه‌ای، انتشارات و جلسات، توجه بین‌المللی به تهاجمی که علیه بشریت در جریان است را زنده نگه داشته است. ما کشورهایی که با اصول دموکراتیک زندگی میکنند را فرا میخوانیم تا برای یک ابتکار عمل هماهنگ، برای به حسابرسی کشاندن افرادی که مسئولیت نقض فاحش حقوق بشر را برعهده دارند عمل کنند. شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین شرایط دهشتناک وصف ناپذیری را از سوی رژیم ایران تحمل کرده‌اند و اسناد بسیار کاملی از جنایاتی که

علیه خودشان و مردم ایران صورت گرفته است را حفظ کرده اند. موزه اشرف ۳ مجاهدین در آلبانی، یک نمایشگاه و گنجینه چشمگیر از مدارکی را گردآوری کرده که توسط قربانیانی که شخصا شاهد روشهای منحط شکنجه رژیم بوده اند تهیه شده است. مستندات مجاهدین در سایر کشورها قویا مورد تایید میباشد. در حالیکه آمریکا و سایر دولتها بفکر سیاستهایی برای جلوگیری و مهار تهدیدات و تجاوزات ایران هستند، میتوانند و باید کسانی که دستشان آلوده به خون این همه ایرانی است را به پای حسابرسی بکشانند. رویه قضایی مستحکمی برای این امر وجود دارد که رهبران نمیتوانند از مصونیت در حاکمیت بودن برای جنایاتشان علیه بشریت استفاده کنند. ما توصیه میکنیم کشورهایی که قربانی تروریسم دولتی ایران واقع شده اند، منجمله آمریکا و هم پیمانان اروپایی شان، تیمهای متخصص را برای مطالعه اسناد و مدارک در اشرف ۳ گسیل دارند و در عین حال مدارک خود را برای استفاده نهایی در اقدامات دادگاه بین المللی سازمان بدهند».

در میان امضاکنندگان اسامی رودی جولیان، نیوت گینگریچ، سناتور لیبرمن، ژنرال جیمز جونز، مایکل موکیزی، تام ریچ، لوئیس فری، لیندا چاوز، پاتریک کندی، ژنرال جورج کیسی، ژنرال جیمز کانوی، رابرت جوزف، لینکلن بلومفیلد، کنت بلکول، مارک گینزبرگ و میچل ریس به چشم میخورد.

۷۷- در سومین کنفرانس این گردهمایی خانم رجوی گفت: «تروریسم جان مایه و ذاتی این رژیم و از آن جدایی ناپذیر است. بنابراین پایان تروریسم از پایان رژیم جدایی ناپذیر است. اما میتوان با برخی تدابیر و اقدامات سیاسی و تاکتیکی آن را لااقل در خاک اروپا مهار و متوقف کرد.

۱- تمام مزایا و امکاناتی که این رژیم برای اعمال تروریستی اش در خاک اروپا استفاده می کند، باید از آن سلب شود. سفارت های این رژیم باید تعطیل شوند...

۲- شرکت های پوششی، مراکز فرهنگی و آموزشی، انجمن های مذهبی و به اصطلاح مساجدی که توسط رژیم ایران تأمین مالی و حمایت می شوند و همگی مراکز پشتیبانی جاسوسی و تروریسم رژیم اند، باید افشا و بسته شوند.

۳- هرگونه تبادل مالی بین المللی افراد وابسته یا شرکت های پوششی اطلاعات آخوندها و نیروی قدس، باید به کلی متوقف شود.

۴- عوامل و مزدوران رژیم که تحت پوشش فعالیت های تجاری، فرهنگی، مذهبی یا در لباس خبرنگار، یا با ماسک مخالف و پناهنده و سیتی زن عمل می کنند، باید از کشورهای اروپایی اخراج شوند.

۵- دولت های غرب باید سرویس های امنیتی و اطلاعاتی خود را از مراوده و تماس با وزارت اطلاعات بدنام رژیم و نیروی تروریستی قدس، که راه را برای ورود مزدوران رژیم باز می کند، برحذر دارند.

۶- اخبار طرح ها و عملیات و اقدامات تروریستی رژیم باید بدون هرگونه ملاحظه تجاری و دیپلماتیک با جزییات منتشر شود.

۷- اسامی مزدوران و عوامل وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس که در خاک اروپا فعالیت می‌کنند و اسامی موجودیت‌های پوششی و لابی‌های این رژیم باید به‌طور کامل منتشرشود و به‌اطلاع همگان برسد.

۸- ما از همه مجالس قانون‌گذاری اروپا و آمریکا می‌خواهیم قوانین نافذی برای اخراج عوامل وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران از کشورهای خود تصویب کنند.

امیدوارم همه دولت‌ها به‌این فراخوان پاسخ مثبت بدهند، زیرا منافع خود آنها و امنیت مردم‌شان در گرو این قاطعیت و اقدامات است. آنچه مردم و مقاومت ایران از این دولت‌ها خواسته و می‌خواهند ایستادگی در برابر یک تروریسم غدار دولتی و نخستین حامی و بانکدار تروریسم بین‌المللی است. زمان آن است که بی‌اعتنایی‌ها به سرنوشت و امنیت و صلح مردم جهان متوقف شود. هر قاطعیتی علیه این رژیم و هر قدمی علیه رژیم در هر کجای جهان، یاری رساندن به مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و در خدمت صلح و امنیت بین‌المللی است».

۷۸- اجلاس سه روزه شورا که از پنجشنبه ۲ مرداد آغاز شد و در ۴۴ نقطه در ۱۱ کشور فرانسه، آلمان، انگلستان، آمریکا، سوئد، نروژ، اتریش، هلند، بلژیک، ایتالیا و آلبانی جریان داشت، در بامداد یکشنبه ۵ مرداد به پایان رسید.

در اجلاس شورا تحولات و رخدادهای میهن‌مان به‌ویژه پس از قیام آبان در عرصه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.

شورا گردهمایی جهانی ایران آزاد و برگزاری اجلاس‌های سه‌گانه آن را، که در بحبوحه محدودیت‌های همه‌گیری کرونا «بزرگ‌ترین گردهمایی آنلاین جهانی» توصیف شده است، سلسله عملیاتی بزرگ در امر ارتباطات آن هم با رعایت پروتکل‌های ضروری کرونا ارزیابی کرد که حاکی از توانمندی خارق‌العاده مقاومت ایران رو در روی استراتژی خامنه‌ای برای بهره‌برداری از «فرصت کرونا» است.

خامنه‌ای، چنان که در اسفند ۹۸ گفت، درصدد بوده و هست تا از تهدید کرونا برای جان و سلامت مردم ایران در راستای زمین‌گیر کردن جامعه انفجاری و متوقف کردن روند مقاومت و قیام، برای رژیمش «فرصت» بسازد. مقاومت ایران، اما، با اطلاعیه‌ها و موضع‌گیریهای روشن‌گر روزانه، با ارائه مستمر گزارش‌ها و آمار و ارقام از سراسر ایران، با افشا و انتشار اسناد و مکالمات درونی رژیم، با فعالیت‌های وقفه‌ناپذیر بین‌المللی و با برگزاری این گردهمایی و امواج امیدبخش و انگیزاننده آن، دیوارهای سیاه کرونای ولایت فقیه و استراتژی کلان تلفات آخوندها را با پتک‌های گران درهم کوبید. این رخداد بی‌سابقه، چنان که مسئول شورا در پیام «قدردانی از رزمندگان و زحمتکشان کهکشان ۹۹» گفت:

قابطه عمله و اکره رژیم را دچار وحشت و جنون کرده است. کر هماهنگ و هیستریک رژیم آخوندی و عقبه آن در خارج کشور، با مشارکت پس‌ماندهای شاه و مرتجعان چپ‌نما، در واکنش به همین کهکشان و پخش سخنرانی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در رسانه‌ها، بازتاب واضح تلخکامی و نگرانی

آنها از چشم‌انداز قیام و سرنگونی و جایگزینی تنها آلترناتیو دموکراتیک و مستقل است؛ آنها در تحلیل نهایی، کسانی هستند که در بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جبهه‌بندی سیاسی ایران امروز، رژیم آخوندها را بر شورای ملی مقاومت ترجیح می‌دهند.

هم‌چنان که خانم رجوی در یکی از سخنرانی‌های گردهمایی جهانی گفت، برای شناختن هر کس و هر جریان، به‌سادگی می‌توان از او پرسید که انتخاب واقعی خود را بین رژیم ولایت فقیه و شورای ملی مقاومت در این نبرد سنگین و غیرقابل انکار ۴۰ ساله، مشخص کند.

شورا شکست و رسوایی توطئه‌های تروریستی و شیطان‌سازی علیه مقاومت در آستانه گردهمایی جهانی ایران آزاد را مورد بحث قرار داد. این توطئه‌ها با تیتراهای درشت رسانه‌های حکومتی درباره جمع‌آوری هزاران امضا و دخیل‌بستن به مقامات آلبانی برای پذیرش خانواده‌های وزارتی و مزدورچگان مربوطه در اشرف ۳، به‌طور ناگهانی کلید خورد. نمونه دیگر، نقشه رژیم برای ربودن جنبش دادخواهی و نیرنگهای چند وجهی وزارت اطلاعات از طریق یک مزدور نفوذی بود که در آبان ۹۸ با انتشار کلیپ مکالمات دژخیمان قضاییه جلادان در اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا درهم شکست.

در اجلاس شورا، موضوع کرونا و ابعاد و آثار و آمار قربانیان، اوضاع انفجاری جامعه، زبانه کشیدن شعله قیام‌هایی که در آبان و دیماه ۹۸ به خاک و خون کشیده شدند، خروش مردم بهبهان و نحوه مقابله رژیم با آن، مشکلات طاقت سوز معیشتی، گرانی و فقر روزافزون در بحبوحه کرونا، اعتراض‌های مردمی در سراسر میهن، شورش در زندانها، اعدام‌های رژیم، فریادهای میلیونی «اعدام نکنید» در فضای مجازی، و فعالیت‌های کانون‌های شورشی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. شورا در مبحث تحولات بین‌المللی و منطقه‌یی، به‌طور خاص به ضربات وارده بر استراتژی مداخله‌جویی و بحران‌سازی خامنه‌ای در سوریه و عراق و لبنان پرداخت. قیام لبنان و قیام اکتبر جوانان عراقی و تنفر آنها از دخالت‌های رژیم آخوندی و تنزل موقعیت و تضعیف دست‌نشانندگان رژیم در این کشور پس از هلاکت قاسم سلیمانی، از مهم‌ترین وقایع این دوره بود.

در اجلاس شورا ۵۰ تن از اعضا درباره تاریخچه ۴۰ ساله شورا و پایداری و مرزبندی‌های سیاسی یگانه جایگزین دموکراتیک در یکی از بغرنج‌ترین و متلاطم‌ترین مقاطع تاریخ ایران سخن گفتند. در این اجلاس ۸۲ تن از ناظران و هم‌پیمانان شورا شرکت داشتند و شماری از آنان سخنانی ایراد کردند.

ترانه «رویش ناگزیر» از مرجان شورشگر پایان بخش اجلاس سه روزه بود. گرامیداشت فوق‌العاده خانم مرجان از جانب هنرمندان و اقشار مختلف مردم در داخل و خارج ایران و پیوند او با مقاومت ایران برای رژیم به قدری گران آمد که اطلاعات آخوندها به انتشار نشریه جعلی «مجاهد» روی آورد تا شاید برخی را مرعوب کند و به فاصله گرفتن از مقاومت یا موضعگیری علیه آن وادار کند. ترفندهای رسوایی که جز بیزاری و نفرت حاصلی برای رژیم ندارد. در این نشریه تقلبی به تاریخ ۱۸ خرداد ۹۹، عکسها و اسامی ۱۶ تن هنرمندان داخل کشور نیز جعل شده بود.

۷۹- شکست توطئه تروریستی رژیم آخوندی علیه گردهمایی بزرگ مقاومت در تیرماه ۱۹۹۷ در پاریس و دستگیری دیپلمات تروریست کارکشته رژیم، که فرماندهی عملیات بمب‌گذاری را به عهده داشت، و دستگیری سه مزدور تروریست دیگر که درگیر این توطئه بودند، قطعاً یک سرفصل در جنایتهای تروریستی فاشیسم دینی در چهل سال گذشته است. اسدالله اسدی یک مامور با سابقه وزارت اطلاعات و متخصص مواد منفجره است که سالها در عراق هدایت شماری از مزدوران و عملیات تروریستی علیه مجاهدین را به عهده داشت.

محاكمه دیپلمات تروریست و سه مزدور دیگر در جلسات مقدماتی دادگاه در ۲۵ تیر و ۹ مرداد ۹۹ در بلژیک شروع شد و پس از گذار از مراحل قانونی تبادل لوایح، جلسات اصلی دادگاه در آذر ماه برگزار می‌شود. اطلاعات مشخص حاکی از شرکت و دخالت بالاترین عناصر و مراجع تصمیم‌گیری رژیم به سردمداری شخص خامنه‌ای در این بمب‌گذاری است. این طرح که از یک سال پیش آماده شده بود بارها در جزییات در وزارت اطلاعات مورد ارزیابی تکنیکی، خطی و سیاسی قرار گرفته و مشخصاً بعد از قیام دیمه ۹۶ کلید خورده است.

خامنه‌ای در ۱۹ دی ۱۳۹۶، بعد از تأکید بر نقش محوری مجاهدین در هدایت قیام، گفت که از مجاهدین «تقاضا» خواهیم گرفت. شمعانی، دبیر شورای عالی امنیت رژیم، در همان زمان گفت مجاهدین از جایی که تصور نمی‌کنند ضربه خواهند خورد. حسام‌الدین آشنا، معاون سابق دری نجف آبادی وزیر اطلاعات و داماد او و مشاور کنونی روحانی، مدتی قبل از گردهمایی که قرار بود بمب در آن منفجر شود، در یک توییت به زبان استعاره تأکید کرد که خانم مریم رجوی بزودی هدف قرار خواهد گرفت. حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه نیز در مورد تقاضا مورد نظر خامنه‌ای گفت: «در وقایع اخیر نیز گروهکهای بدنام با هدایت دشمنان اصلی ملت، از مطالبات اقتصادی به حق مردم سوءاستفاده و تلاش کردند با تولید ناامنی خواسته‌های ملت را منحرف کنند...البته اقدامات آنها بی‌پاسخ نخواهد ماند و در وقت مناسب به آنها سیلی خواهیم زد» (۲۲ بهمن ۱۳۹۶).

در مورد اسدالله اسدی و سوابق او در عراق شایان یادآوری است که در اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران به تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۸۷ آمده است: «در آذر ماه ۸۶ گروهی از مأموران اطلاعات و نیروی قدس از داخل و خارج ایران، برای توطئه و شکایت و لجن‌پراکنی علیه مجاهدان شهر اشرف، به عراق فرستاده شدند و در هتل منصور بغداد تحت‌امر سفارت رژیم قرار گرفتند. برخی از این مزدوران، که به مدت سه ماه ناگزیر از اقامت و انجام مأموریت در عراق شدند از جمله، عبارتند از: مسعود خدابنده، مصطفی محمدی، رضا اکبری نسب، تیمور ختار و علیرضا بشیری. مزدوران مزبور در طبقه سوم هتل منصور مستقر شدند و تحت‌سرپرستی مأموران قدس و اطلاعات آخوندی به اسامی طباطبایی، نوبخت و اسدی قرار گرفتند. همه صورتحسابهای هتل توسط سفارت رژیم ایران پرداخت می‌شد و مزدوران ابتدا در سمینار مضحکی تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» شرکت داده شدند که با حضور ۲۰ نفر از عوامل و جیره‌خواران رژیم برگزار گردید».

۸۰-اسدالله اسدی، یک سال قبل و همزمان با برگزاری گردهمایی پاریس در سال ۱۳۹۶ به مدت ۵ روز از وین به فرانسه رفته و شخصاً به شناسایی و ارزیابی موقعیت پرداخته بود. مقامات امنیتی این سفر را سفر شناسایی و آمادگی برای عملیات سال بعد تفسیر کرده اند. او در روزهای آخر ماه ژوئن در پاریس بوده و از شهرک اور سوراوز دیدن کرده است. او با برخورداری از کمک مزدوران لو رفته و لو نرفته به شناسایی محل استقرار مهمانان خارجی گردهمایی وهتلهای شهرک رواسی آن فرانس در مجاورت فرودگاه شارل دوگل و همچنین شناسایی نمایشگاههای شهرک ویلپنت در شمال پاریس مبادرت کرده است. او روز ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷ (۸ تیر ۱۳۹۶) یعنی درست دو روز قبل از گردهمایی (اول ژوئیه ۲۰۱۷) با کمک سایر مزدوران برای شناسایی در محل سالنهای ویلپنت بوده است.

یک سال بعد اسدی در روز ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ یعنی ۱۰ روز قبل از گردهمایی سال ۹۷ (۲۰۱۸) از وین به تهران رفت و روز اول تیر بمب را شخصاً با یک هواپیمای مسافربری اتریشی به وین منتقل کرد. کار خطرناکی که می توانست به یک فاجعه بزرگ تبدیل شود و آشکارا مقررات بین المللی هوایی را نقض می کرد. اسدی بعداً در روز ۵ تیر همراه با زن و دو پسرش این بمب را از طریق آلمان به لوکزامبورگ برد و در ۷ تیر (دو روز قبل از گردهمایی) آن را به دو مزدور تروریستی که قرار بود آن را به محل گردهمایی ببرند، یعنی نسیمه نعیمی و امیر سعدونی، تحویل داد. این دو مزدور قبل از ظهر روز برنامه یعنی ۹ تیر، درحالی که بمب را با ماشین خود به پاریس و محل گردهمایی منتقل می کردند در بلژیک دستگیر شدند. عصر همان روز مهرداد عارفانی نفر سوم در ویلپنت دستگیر شد. دیپلمات تروریست اسدالله اسدی نیز بعد از ظهر روز بعد (اول ژوئیه برابر با ۱۰ تیر ۱۳۹۷) در مسیر بازگشت به وین در خاک آلمان دستگیر شد.

اسدی از سالها قبل با این دو مزدور رابطه فعال داشت و به طور منظم آنها را در کشورهای مختلف اروپایی ملاقات می کرد و هر وقت هم لازم بود برای آموزش آنها را به ایران می برد. آنها بطور منظم از وزارت اطلاعات حقوق می گرفتند. در این سالها تستهای لازم بر روی آنها انجام شده و آموزشهای لازم را دیده بودند و کارایی آنها برای بمب گذاری محرز شده بود.

۸۱- به دستور وزارت اطلاعات و صلاحدید وزارت خارجه آخوندها، دیپلمات تروریست بمب گذار در جلسات مقدماتی دادگاه در تیر و مرداد امسال شرکت نکرد تا از بار انعکاسات و عواقب وخیم سیاسی کاسته شود. اما دادگاه با کیفر خواست دادستان فدرال برای محاکمه اسدی و همدستان به دو اتهام «اقدام به عمل تروریستی با قصد قتل» و «شرکت در یک گروه تروریستی» اعلام موافقت کرد.

رژیم آخوندی طی دو سال گذشته از هیچ تلاشی برای ممانعت از محاکمه اسدی و آزاد کردن وی فروگذار نکرده و باز هم نخواهد کرد. اقداماتی از قبیل فشارهای دیپلماتیک، وعده های اقتصادی، گروگانگیری اتباع کشورهای اروپایی و تهدید به تروریسم تا کنون به شکست انجامیده است.

در این پرونده خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورا، به مدت ۷ ساعت با ارائه اسناد و مدارک شهادت داد و مشخص کرد که این عملیات بزرگ تروریستی در شورای عالی امنیت رژیم به ریاست

روحانی تصویب شده و خامنه ای دستور اجرای آن را داده است. خانم رجوی تأکید کرد علاوه بر اسدی و دیگر تروریستهای دستگیر شده به عنوان عاملان این جنایت، آمران واقعی یعنی خامنه ای، روحانی، ظریف و آخوند محمود علوی وزیر اطلاعات باید محاکمه شوند. این، لازمه متوقف کردن تروریسم افسارگسیخته آخوندهاست. آقایان مهدی ابریشمچی، محمد محدثین و ابولقاسم رضایی هم در این رابطه شهادت داده و اطلاعات و اسناد لازم را به پرونده افزوده اند. در دو سال گذشته شمار دیگری از مسئولان و اعضا و هواداران مجاهدین و مقاومت ایران نیز به عنوان شاهد نزد مقامات قضایی به تفصیل شهادت داده اند.

۸۲-علاوه بر شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان دهندگان فرانسوی گردهمایی، تعدادی از شخصیت‌های سیاسی از امریکا، اروپا و کشورهای عربی، که در گردهمایی ۹ تیر ۱۳۹۷ در سالن ویلپنت حضور داشتند و قرار بود هدف قرار گیرند، به عنوان شاکی خصوصی وارد پرونده شدند شامل آقایان و خانمها:

سید احمد غزالی نخست وزیر سابق الجزایر

سناتور رابرت توریسلی

باب جوزف معاون سابق وزیر خارجه امریکا

اینگرید بتانکور سناتور وکاندید ریاست جمهوری کلمبیا

جولیو ترتری، وزیر خارجه سابق ایتالیا

راجر گادسیف، نماینده سابق پارلمان بریتانیا

لیندا چاوز مدیر سابق روابط عمومی کاخ سفید

رابرت بلک من، نماینده پارلمان بریتانیا

تونه کلام، نماینده سابق پارلمان اروپا

ایوبونه استاندار، نماینده پارلمان و رئیس سابق سازمان ضد جاسوسی فرانسه

طاهر بومدرا، معاون نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در عراق

الیزابت زامپاروتی، نماینده سابق پارلمان ایتالیا

پیر برسی، رئیس انجمن حقوق بشر نوین در فرانسه

ریاض یاسین، سفیر یمن در فرانسه و وزیر خارجه سابق این کشور

مارتین پاتسلت، نماینده پارلمان فدرال آلمان

ژان فرانسوا لوگاره، شهردار منطقه یک پاریس

آنتونیو تاسو، نماینده پارلمان ایتالیا

۸۳-خانم مریم رجوی روز ۳۰ تیر ۹۹ در گردهمایی جهانی ایران آزاد توطئه بمبگذاری در ویلپنت را جزء بزرگترین طرحهای تروریستی تاریخچه ۴۰ ساله رژیم در اروپا خواند و گفت: این نشان می‌دهد که

رژیم، مقاومت ایران را تهدید اصلی موجودیت خود می‌داند و برای مقابله با آن از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نیست، به نحوی که مقام‌های رسمی خودش را هم برای نقل و انتقال و تحویل دادن بمب به صحنه می‌فرستد. یک سیاست قاطع تنها گزینه درست برای ممانعت از گسترش تروریسم رژیم ایران است. وی بر ضرورت بستن سفارتها و نمایندگیهای رژیم تاکید کرد و گفت عوامل و مزدوران رژیم تحت پوشش‌های تجاری، فرهنگی، مذهبی، خبرنگاری و یا با ماسک مخالف، پناهنده و سیتی‌زن باید از اروپا و آمریکا اخراج شوند.

باید توجه کرد که اسدالله اسدی یک مأمور قدیمی و سطح بالای وزارت اطلاعات است که در پوش دیپلومات عمل می‌کرده است. هم پست واقعی او به عنوان یک سرکرده اطلاعاتی و هم پوش وی به عنوان یک دیپلومات نشان میدهند که او بخشی از یک سلسله مراتب نظامی و اداری است که تمامیت این سلسله مراتب از هر دو سو (وزارت اطلاعات و وزارت خارجه) نسبت به عمل او مسئول تلقی میشوند. این زنجیره فرماندهی از دو مافوق مستقیم او در وزارت اطلاعات و وزارت خارجه شروع می‌شود و از یک طرف به وزیر خارجه و از طرف دیگر به وزیر اطلاعات وصل می‌شود. این دو وزیر تحت مسئولیت رئیس جمهور رژیم عمل می‌کنند. رهبر رژیم هم بالاترین مسئول در این سلسله مراتب محسوب می‌شود. علاوه بر این، وزارت اطلاعات به طور خاص و مستقیم تحت امر شخص خامنه‌ای قرار دارد و وزیر خارجه نیز مستقیماً به او گزارش می‌دهد.

این نمونه به خوبی نشان میدهد که سیاست مماشات و چشم پوشی بر جنایات تروریستی و جاسوسی رژیم موجب شده که رژیم با وقاحت و ریسک پذیری بسیار زیاد به این گونه جنایات‌های بی‌سابقه دست بزند. دیپلمات‌تروریست و سلسله مراتب بالای او از یک طرف با تکیه بر مماشات و از سوی دیگر با توجه به دیپلومات بودن در فضای برجام که برای رژیم و پشتیبانانش مترادف شریک با کشورهای اروپایی است، احساس مصونیت میکرده اند. به این دلیل است که دستگیری و محکومیت جهانی او محاسبات رژیم را بر هم زده و باز هم بیشتر برهم خواهد زد.

۸۴- مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در روز ۳۱ مرداد ۹۹ به مناسبت روز بین‌المللی «یادآوری و احترام به قربانیان تروریسم» لیست گذاری مدیر شکنجه‌گاه مخوف اوین و منع ویزا برای ۱۳ تن قاتلان ترور دکتر کاظم رجوی و خانواده قاتلان را اعلام کرد.

وزیر خارجه آمریکا گفت: «این اقدامات پیام حمایت به بسیاری از قربانیان جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان میدهد که ما از حسابرسی کسانی که دست به ترور و خشونت میزنند، حمایت میکنیم. ایالات متحده آمریکا به فشار خود علیه رژیم ایران ادامه میدهد تا که با شهروندان خود با احترام و وقار رفتار کند. رژیم ایران در خارج از مرزهایش برای گسترش سلسله‌ی تروریسم دست به آدم‌کشی و تروریسم در فراسوی مرزهای خود میزند. اقدام امروز شامل محدودیت ویزا برای ۱۳ مقام [ایرانی] میباشد که در طراحی ترور پیچیده و بی‌رحمانه سال ۱۹۹۰ در سوئیس به عنوان بخشی از کارزار جهانی تروریسم رژیم ایران دست داشتند. این ۱۳ آدمکش که خود را به عنوان دیپلمات جا زده

بودند، تحت فرمان بالاترین مقامات دولت [ایران] برای ساکت کردن اپوزیسیون عمل میکردند، تا نشان دهند هیچکس از دست رژیم ایران در امان نیست، فارغ از این که کجا زندگی کنند. ایالات متحده ساکت کردن منتقدین توسط رژیم ایران را از طریق خشونت و ترور تحمل نخواهد کرد».

رویترز در همان روز اعلام کرد این ۱۳ نفر «عاملان ترور دکتر کاظم رجوی هستند که برادرش مسعود رجوی در همان زمان اعلام کرد رژیم ایران و سفارت آن در سوئیس مسئول این ترور هستند».

خانم مریم رجوی با استقبال از لیست‌گذاری مدیر شکنجه‌گاه اوین و منع صدور ویزا برای قاتلان و خانواده قاتلان دکتر کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر از سوی وزیر خارجه آمریکا، آن را یک گام ضروری بین‌المللی در مبارزه علیه سرکوب و تروریسم، و همچنین در راستای امنیت کشورهای اروپایی توصیف کرد که بایستی با حکم جلب و محاکمه و مجازات سردمداران رژیم و عاملان جنایت، تکمیل شود. وی تأکید کرد سردمداران رژیم و مشخصاً علی خامنه‌ای، رهبر رژیم، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت، علی اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای و وزیر خارجه وقت، و حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت رژیم، که آمران این جنایت بودند، باید در برابر عدالت قرار گیرند.

خانم رجوی افزود لیست‌گذاری و محاکمه و مجازات قاتلان دکتر کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر و آمران این جنایت علیه بشریت، هم چنان که بسیاری جنایتهای تروریستی دیگر در کشورهای اروپایی، سالهاست به تأخیر افتاده است. چیزی که باعث جری تر شدن این رژیم در خونریزی و تروریسم در اروپا و دیگر نقاط جهان است.

در ۲۰ مارس ۲۰۰۶ قاضی تحقیق سوئیسی حکم جلب علی فلاحیان وزیر وقت اطلاعات ایران را بخاطر مشارکت در ترور صادر کرد. در حکم جلب علی فلاحیان آمده است: «اعدام کاظم رجوی با دقت تمام طراحی شده بود. تیم‌های کماندویی یکبار در اکتبر ۱۹۸۹، سپس در اواخر ژانویه و اوایل فوریه ۱۹۹۰ و نهایتاً از ۱۰ تا ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ به سوئیس آمده بودند.... تحقیقات روشن ساختند که ۱۳ نفر در آماده سازی و انجام قتل همکاری داشتند. این سیزده نفر پاسپورتهای مأموریت ایرانی داشتند که بر روی آنها عبارت "در مأموریت" نقش بسته بود. بعضی از این مدارک همزمان در یک روز در تهران صادر شده بودند.... همه این پاسپورتهای به دستور وزارتخانه تحت رهبری علی فلاحیان صادر شده بودند و در هنگام بازگشت قاتلان به ایران در فرودگاه از آنها پس گرفته شد. همه پاسپورتهای این ۱۳ نفر در کریم خان که خیابانی در تهران است، صادر شد. دو ساختمان در این خیابان، مقر بخشی از سرویسهای اطلاعات ایران یعنی واواک است».

۸۵- از این پیشتر، دبیرخانه شورا در روز ۱۹ خرداد ۹۹ از تصمیم دادستان استان وو VAUD در سوئیس مبنی بر «بسته شدن» پرونده ترور دکتر کاظم رجوی به خاطر مرور زمان ۳۰ ساله مطلع شده بود و اینکه پرونده ۱۴ تن از قاتلان (شامل علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت) به زودی مختومه می‌شود. مقاومت ایران در همان روز قوی‌ترین اعتراض خود و محکومیت بستن پرونده ترور دکتر کاظم رجوی را اعلام کرد و آن را مانند فراری دادن دو تن از قاتلان دستگیر شده در فرانسه در روز ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳،

به وضوح یک معامله و زد و بند سیاسی دانست. در اطلاعیه دبیرخانه شورا به تاریخ ۱۹ خرداد ۹۹ در این باره آمده است: «تروریسم و جنایت علیه بشریت که بی‌دریغ از جانب فاشیسم دینی حاکم بر ایران ادامه دارد مشمول مرور زمان نمی‌شود. هفت حمام خون و قتل عام علیه مجاهدین در اشرف و لیبرتی، دستگیری دیپلمات تروریست بمب‌گذار اسدالله اسدی در گردهمایی بزرگ ایران در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ و همچنین اخراج سفیر و دیپلمات‌تروریستهای رژیم آخوندها از آلبانی گواه همین حقیقت است. مرور زمان ۳۰ ساله در پرونده دکتر کاظم رجوی که با تعویق و تأخیرهای بسیار همراه بوده است چیزی جز ممانعت از اجرای عدالت و مماشات با رژیم ملایان و تروریسم افسارگسیخته آن نبوده و نیست. اما مردم ایران نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند. مقاومت ایران قویاً از دولت و دادگستری سویس خواست تا پرونده باز بماند. حکم جلب بین‌المللی آمران و عاملان صادر شود و عدالت به اجرا در بیاید».

متعاقباً خانم مریم رجوی اعلام کرد: «رژیم آخوندها با بسیج دستگاههای سیاسی و اطلاعاتی‌اش از یک طرف می‌خواهد پرونده دکتر کاظم رجوی را ببندد، از طرف دیگر قاضی دژخیم غلامرضا منصوری را در بیرد و جلاد شکنجه‌گر حمید عباسی [نوری] را برای تخطئه قربانی یعنی مجاهدین "سرموضع" و لوث کردن جنبش دادخواهی به کار بگیرد. اصل موضوع از میان برداشتن تنها جایگزین دموکراتیک بخاطر بقای رژیم است».

خانم رجوی خاطرنشان کرد: «مقاومت ایران با تمام توان توطئه‌های زنجیره‌ای دوران پایانی حکومت آخوندی را درهم می‌شکند. در پرونده ۱۷ ژوئن نیز رژیم با ردیف کردن یک دوجین بریده مزدور و احسان نراقی تحت عنوان جامعه‌شناس و پژوهشگر و همچنین شورایاس تحت عنوان محقق و خبرنگار و چندین خانواده و مادر پیر و دلتنگ عمل می‌کرد و آنها ابزار کار رژیم برای سر بریدن مقاومت بودند. طرف جنگ برای مقاومت ایران، رژیم ولایت فقیه در تمامیت آن به ویژه گشتاپوی دینی و قضاییه جلادان و وزارت دیپلمات‌تروریست‌هاست».

تصمیم به بستن پرونده ترور دکتر کاظم رجوی، در روزهای بعد با اعتراضهای گسترده در سوئیس و در سطح اروپا و در سطح بین‌المللی از سوی پارلمان‌ترها، مدافعان حقوق بشر، شخصیت‌های سیاسی و مذهبی مواجه شده بود.

فصل نهم :

شیطان سازی برضد آلترناتیو دموکراتیک

راهبرد امنیتی رژیم در بحران سرنگونی

۸۶- راهکار رژیم ولایت فقیه در مورد مقاومت سازمانیافته مردم ایران به طور عام و در مورد شورا و مجاهدین خلق به طور خاص شامل دو محور سخت افزاری و نرم افزاری است. راهکار سخت افزاری

رژیم بسیار مشخص است. زندان، شکنجه، اعدام، ترور، ربودن و نابود کردن، بمب گذاری، موشک پرانی تاکتیکی‌هایی هستند که بدون توقف به کار گرفته شده اند. راهکار نرم افزاری رژیم اما در بسیاری موارد چند لایه، متنوع، پیچیده و پرهزینه تر از روش اول برای رژیم است. در شرایطی که حکومت با بحران همه جانبه درگیر و جامعه در حال انفجار است، کابوس قیام و سرنگونی یک لحظه ولایت خامنه ای را رها نمی کند. در چنین شرایطی رژیم آخوندی تنها راه نجاتش را کماکان تروریسم (سخت افزار) و جنگ روانی به شکل شیطان سازی (نرم افزار) می بیند.

شیطان سازی خط کار وقفه ناپذیر این رژیم بوده اما در یکسال گذشته به دلایل زیر برای رژیم اهمیت بسا بیشتری پیدا کرده و حامیان و مزدوران گوناگون برای اجرا و پیش بردن این سیاست بسیج شده اند: - بر پا کردن اشرف ۳، یک شهر مدرن در تپه های آلبانی، آنچنانکه در بیانیه هیأت آمریکا در گردهمایی ایران آزاد توصیف شده و برگزاری پیروزمند مراسم سالانه مقاومت ایران طی ۵ روز در تیرماه ۱۳۹۸ در آنجا

- قیام های آبان و دی ۱۳۹۸ و مداخله موثر مقاومت در آن

- تشدید تحریمها و فشارهای بین المللی

- همه گیری ویروس کرونا و افشاگریهای روزمره مقاومت و فراخوانهای مسئول شورا بخصوص فراخوان ۱۷ اسفند ۹۸ در مورد بنیادها و موسسات اقتصادی تحت کنترل خامنه ای - شکست فضاقت بار خامنه ای در نمایش انتخابات مجلس ارتجاع و بایکوت تمام عیار این نمایش از سوی مردم

راهکار نرم افزاری رژیم آخوندها علیه مقاومت به دلایل قابل فهم و همه ساله قبل و بعد از برگزاری گردهماییهای سالانه مقاومت با بسیج عوامل وزارت و اطلاعات سپاه و مزدوران نفوذی بالا می گیرد. شورا در بیانیه مرداد ۹۸ اعلام کرد: «اشرف ۳ در آلبانی طی ۵ روز، از ۲۰ تا ۲۴ تیرماه شاهد، سلسله‌یی از گردهماییهای سالانه مقاومت با حضور ۳۵۰ تن از رهبران، قانونگذاران و شخصیت‌های سیاسی از ۴۷ کشور جهان بود... به دنبال سلسله تظاهرات مقاومت ایران و گردهماییهای ۵ روزه در آلبانی، دستگاه‌های تبلیغاتی و امام جمعه های خامنه ای، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران به تکاپو افتاده و با یاهو گوئی و هرزه درایی، بیهوده کوشیدند آب رفته را به جوی برگردانند... مسئول شورا نیز بارها اعلام کرده که: تغییر و سرنگونی کار ایالات متحده نیست و نمی تواند باشد. سیاست آمریکا تغییر رفتار رژیم و وادار کردن آن به مذاکره و مصالحه است. تجربه عراق به عنوان بزرگترین اشتباه سیاست خارجی آمریکا برای چند نسل کفایت است... از این رو، اگر کسی فکر می کند یا می خواهد چنین القا کند که آمریکا به واقع در صدد سرنگون کردن رژیم و پرداختن قیمت آن است، یا اشتباه می کند و یا عمد دارد برای بهره‌برداری سیاسی خودش چنین قلمداد کند... بنابراین، لب کلام، که همان گناه اصلی مقاومت از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد است، همانا شعار سرنگونی و تبلیغ برای "تغییر رژیم" است؛ گناهی که ما به آن افتخار می کنیم و ربطی به امروز و دیروز و اروپا و آمریکا یا تغییرات در هیأت

حاکمه آمریکا نداشته و ندارد. شورا از همان روز تأسیس، خود را به عنوان آلترناتیو دموکراتیک و مستقل رژیم حاکم اعلام کرده و سنگین ترین بها را برای حفظ استقلال خود پرداخت کرده است.»

ما در همان بیانیه اعلام کردیم: «تاخت و تاز به مقاومت در قالب‌های میان تھی چپ‌نمایانه، ضدامپریالیستی و ضدجنگ، ترفند دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم است. اداره کل التقاط در وزارت اطلاعات و بخش امنیتی - دفاعی خبرگزاری سپاه پاسداران در سایتهای داخل و خارج کشور با اسامی گوناگون، بی‌دریغ، گفتمان‌هایی از این دست را ارائه می‌دهند، از قبیل "گردهمایی مجاهدین خلق در آلبانی، تأکیدی مجدد بر وابستگی و سقوط به قهقرای اپورتونیسم!" و این که "با حمایت بولتون، سناتور سابق جان مک کین، رودی جولیان، و مجموعه یی از اقلیت جنگ طلب، مجاهدین خلق توانستند یک اردوگاه تعلیماتی بسته برای مقاصد خود در آلبانی به وجود آورند... همایش آلبانی در پی گردهمایی‌های پاریس بیشتر به نمایش‌های تلویزیونی و انتخاباتی غرب شبیه است که هدفی جز نمایش و خودفروشی در مقابل ارتجاعی ترین نمایندگان امپریالیستی و ایجاد توهم در بین معدود هواداران باقی مانده آنها ندارد"» (بهزاد مالکی، ۱۵ مرداد ۱۳۹۸).

امسال در اول تیر ۹۹ آقای مهدی سامع، سخنگوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در مقاله «تهدیدهای ولایت، کابوسهای خامنه ای و راهکارهای ولی فقیه» نوشت: «برای خامنه ای و نهادهای نظامی امنیتی حکومت سازمان مجاهدین خلق ایران تهدید اصلی است. ماندگاری و داشتن تشکیلات قوی و منسجم، فعالیت پیگیر روزمره در داخل و خارج از ایران، قدرت انعطاف در رویارویی با تحولات سیاسی، پایداری و ایستادگی بر سیاست سرنگونی و آمادگی برای پرداخت هزینه در این راه، فقدان فساد اقتصادی، خاص خوری و پدیده آقازادگی، ژن خوب و پارتی بازی در درون تشکیلات و بالاخره نفوذ به طور نسبی قابل توجه در مناسبات بین المللی دلایلی است که این جریان را از نظر سیاسی به دشمن اصلی نظام تبدیل کرده است. این واقعیتی است که هر نیرو و هرکس با هر میزان نزدیکی و یا دوری به این سازمان باید مورد توجه قرار دهد. برخورد نظام با مجاهدین خلق، بدون اما و اگر، قهرآمیز برای نابودی آن است. موشک باران پایگاههای مجاهدین در عراق، ترورهای سیاسی، نفوذ به منظور کسب اطلاعات و ضربه فیزیکی زدن، مانند توطئه خنثی شده انفجار بمب در گردهمایی پاریس، دستگیری، شکنجه و صدور احکام سنگین برای فعالان این سازمان در داخل ایران، تحریک و به کارگیری تعداد اندکی از خانواده ها به منظور شکنجه روانی رزمندگان مجاهد و ... راهکارهای سخت افزاری برای نابودی و یا حداقل مهار فعالیتهای این سازمان است. البته مجاهدین گرچه تهدید اصلی نظام هستند، اما تنها تهدید نیستند. جریانها و افراد سیاسی و اجتماعی دیگر، به شمول گروهها و افراد چپ و مارکسیست و یا جریانهایی که علیه تبعیض قومی و ملی مبارزه می کنند و علیه کلیت نظام بوده و در این راه وارد سازمانیابی و عمل می شوند نیز دشمن ارزیابی شده و بستگی به میزان کارایی آنان مورد سرکوب قرار می گیرند... همزمان با سرکوبهای گسترده، کارگزاران ولایت خامنه ای تلاشهای پُرشمار و البته پرتکراری را در حوزه نرم افزاری با هزینه های کلان سامان داده اند. هدف این حرکتهای به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم حقانیت دادن به حاکمیت، ترساندن از قیام و انقلاب، مرعوب کردن

مردم و قدرتمند نشان دادن حاکمیت و بی اعتبار کردن مخالفان است. ساخت فیلم سینمایی، مستند سازی، گزارشهای تصویری، برقراری نمایشگاه و جلسات سخنرانی، چاپ کتابهای گوناگون، انتشار مجلات نظری و کتابهای سیاسی تاریخی، انتشار اخبار دروغ و اسناد جعلی در رسانه های حکومتی، فعالیت دیپلماتیک و رسانه ای در اروپا و آمریکا، تزریق اطلاعات غلط به رسانه های غیرایرانی و تبلیغ گفتمان سازهیهای انحرافی در این رسانه ها، به خدمت گرفتن "جدا شدگان" و "پشیمان" های اپوزیسیون، مشارکت و تقویت الترنا تئو سازهیهای جعلی، ترویج و تبلیغ گفتمان "سوریه ای شدن، خطر جنگ و تجزیه ایران، خطر ناامنی و جنگ داخلی"، تلاش ردیالنه برای دامن زدن به اختلاف گروههای سیاسی و ... از جمله اقدامات نرم افزاری حاکمیت برای رویارویی با دشمنان نظام است. در این حوزه نیز جهت عمده حمله به سمت مجاهدین خلق نشانه روی می شود، هرچند دیگران هم بستگی به میزان کُنشی که دارند، بی نصیب نمی شوند. طی شش ماه گذشته بدون اغراق در هر روز حداقل یک عمل نرم افزاری در مورد مجاهدین خلق انجام شده است. از نمایش فیلم تا انتشار خبر و گزارش و چاپ مقاله در نشریات و مجله های حکومتی، از گزارش دروغ در نشریه معتبر اشپیگل تا پخش اراجیف پاچه ورمالیده ای که بگم بگم به راه انداخته، از چاپ نشریه مجاهد جعلی تا پخش شایعات و تبلیغات دروغ پیرامون دست داشتن مجاهدین خلق در این و یا آن اقدام تروریستی رژیم و ... در هر روز تولید و پخش می شود. در مورد آن دسته از دشمنان که خامنه ای آنان را چپ مارکسیستی نامید و به بسیجیان پیرامون دامنه نفوذ این جریان هشدار داد، رفتار نرم افزاری حکومت متنوع و چند وجهی بر محور جلوگیری از متشکل شدن این جریان است. ایجاد جریان دانشجویان بسیجی "عدالتخواه" در اساس برای مقابله با چپ است. دانشجویان عدالت خواه با تقلید از مارکسیستها با سیاست اقتصادی دولت به شدت مخالفت می کنند و کوشش می کنند دانشجویانی که به طور واقعی عدالتخواه و مخالف نظام هستند را جذب کرده و به ترتیب آنان را به زائده بسیج دانشجویی تبدیل کنند. برای حاکمیت کارهای تئوریک، ترجمه برخی آثار کلاسیک و وجود کانونهای بحث نظری تا جایی که به متن زندگی واقعی ربطی نداشته و به نیروی محرکه برای عمل تبدیل نشود، قابل تحمل است. آن چه برای رژیم غیرقابل تحمل است، ایجاد تشکیلات به منظور عملی کردن ایده ها، حضور در صحنه واقعی مبارزه و اعتقاد به ایجاد واحدهای مخفی مبارزه و شورش است. دستگاههای امنیتی رژیم بارها به رفقای چپ که در حرکتها و اعتراضهای خیابانی دستگیر شده اند، مرز تحمل خود را گوشزد کرده اند. خامنه ای که از عمق تضادهای موجود در جامعه باخبر است و می داند که این شرایط بستر مناسب برای فعالیت مارکسیستها است، برای عوامل اطلاعاتی خود این خط قرمز را ترسیم کرده است. همزمان نهادهای امنیتی حکومت با رواج برخی از گفتمان سازهیهای انحرافی که در بالا چند نمونه آن را برشمردم، در ایجاد هماهنگی و اتحاد فعالان چپ کارشکنی می کند. میدان دادن به نیروی موسوم به «محور مقاومت» که تضاد اصلی را نه داخلی که خارجی ارزیابی می کند، نادیده گرفتن فعالیت برخی از مدعیان چپ که کاری جز ایجاد تفرقه در مبارزه از دست شان بر نمی آید و کسانی که مبارزه علنی را جنبه اصلی مبارزه معرفی می کنند، از دیگر اقدامات نرم افزاری حاکمیت در رویارویی با مارکسیستها و

کمونیهستی‌هایی است که برای سرنگونی رژیم تلاش می‌کنند. یکی از ابزارهای مهم در راهکار نرم افزاری، چاپ مجله‌های **پر ملاط** است. در این رسانه‌ها با پوشش بحث‌های نظری، تحقیق تاریخی، دیدگاه‌های فلسفی اجتماعی و ... مقاله‌هایی منتشر می‌شود که فشرده آن ضدیت با تحول انقلابی و سازمانیابی انقلابی است» (نبردخلق شماره ۴۲۶ اول تیر ۱۳۹۹).

۸۷- از آبان ۹۸ فاشیسم دینی حاکم بر ایران با به کار گرفتن یک مزدور نفوذی مذبوحانه تلاش کرد دستگیری دژخیم حمید نوری را علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت و مسئول شورا به کار بگیرد. کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا در اطلاعیه ۲۴ آبان ۹۸ خاطرنشان کرد «به خصوص که در اثر تلاش‌های بی وقفه رئیس جمهور برگزیده مقاومت کار جنبش دادخواهی در سالهای اخیر بالا گرفته و رژیم بیش از هر زمان نیازمند مقابله و فرو بردن آن در آب گل آلود است». صحت این ارزیابی در مراحل بعد گام به گام به اثبات رسید و روشن شد وزارت اطلاعات رژیم با برنامه ریزی و طرح مشخص در صدد مصادره جنبش دادخواهی و چماق کردن آن علیه مجاهدین «سر موضع» بر آمده است تا با هزینه کردن یکی از صدها و هزاران عامل شکنجه و قتل عام و با هیاهوی حداکثری پیرامون آن، ابتکار عمل را از طریق مأمور نفوذی بدست بگیرد و تمامیت امر را به سود نظام علیه سازمان و مقاومتی برگرداند که ۹۰ درصد شهیدان قتل عام و کل شهیدان ۴۰ ساله از آن برخاسته اند. در سناریوی وزارت اطلاعات بایستی سوابق حمیدنوری در دادگاه و در اطلاعات و در نزد پلیس سوئد و همچنین موضوع دخترخوانده و خلبان طلاق داده پوشیده باقی می‌ماند تا موضوع تر و تازه جلوه کند گوئیا که در داخل رژیم کسی خبر نداشته که حمید نوری در این سفر دستگیر میشود. وزارت اطلاعات آخوندها هرگز گمان نمی‌کرد کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا بتواند ضمن یک هفته صدای مکالمات رازینی و مقیسه را برملا کند که یکی میگوید حمید نوری «یک بازجویی که پرونده‌های محدودی از رده‌های پایین دستش بوده» است و دیگری میگوید به او گفته است به این سفر نرود و «خودش هم دوزاری اش افتاده بود ... گفت من احتمالاً دستگیر بشم».

متعاقباً در ۱۹ آبان ۹۸ ایرج مصداقی ادعا کرد در یک «عملیات پیچیده چند وجهی» موفق شده است یکی از متهمان تراز اول قتل عام ۶۷ را در محدوده قضایی اروپا دستگیر کند. حیرت‌آور اینکه در همان روز با یک دروغ و ترفند پیشدستانه ادعا میکند «فرقه رجوی به دستور شخص وی پس از مطلع شدن از پیروزی بزرگ عملیات "دادخواهی ۶۷" تلاش‌های زیادی برای مخدوش کردن این عملیات به خرج داده است. در آخرین تلاش، نماینده پلید این فرقه ضمن تماس با یکی از وکلای پرونده، تلاش کرده است چهره من را به زعم رهبر این فرقه پلید مخدوش کند که پاسخ مناسب و شایسته را دریافت کرده است». این در حالی بود که مجاهدین و شورا اطلاع نداشتند و مطلقاً اقدامی هم نکرده بودند. همچنانکه در اطلاعیه کمیسیون امنیت آمده «این به وضوح استفاده ناشیانه از تاکتیک "آی دزد، آی دزد" برای در امان ماندن از افشای بعدی است». پلید خواندن مجاهدین نیز فقط پژواک ادبیات آخوندی اطلاعاتی برای کاستن از پلیدی رژیم و برگرداندن این صفت به جانب مقاومت است.

دژخیم مقیسه ای در کلیپ صوتی افشا شده توسط کمیسیون امنیت تأکید میکند که به حمیدنوری گفته بود: «گفتم اصلاً این دسیسه است. تو را میکشانند آنجا دستگیرت میکنند... خودش گفت که اون (خلبان ایرانی) علیه من یک حرفهایی زده در دادگاه آنجا و در اطلاعات آنجا حرفهایی علیه من زده... تا الان ۱۰ بار رفته بود و هیچ کاری نداشتند. مرتب به کشور های خارجی میرفت و منعی وجود نداشت».

۸۸- آقای ابوالقاسم رضایی معاون دبیرخانه شورا درسخرانی خود در ۱۹ بهمن ۹۸ در استکهلم گفت: «همین روزها در همین سوئد تلاش مزورانه و رذیلانه برای منحرف کردن پرونده دژخیم حمید نوری از طریق مأموران وزارت اطلاعات و توابع تشنه به خون را می‌بینیم، دژخیمی که مجاهدین و هوادارانش وزندانیان آزاد شده از ۲۴ سال پیش او را افشاء کرده اند. امروز نیز تا آنجا که به سازمان مجاهدین و مقاومت ایران برمی‌گردد ما در این پرونده همچنانکه دراطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا آمده است، از طریق سازمانهای بین‌المللی آنچه را می‌توانستیم و می‌توانیم انجام داده ایم و باز هم می‌دهیم تا این دژخیم آزاد نشود و بخاطر جنایات ضدبشری‌اش محاکمه شود. حدود ۹۰۰ زندانی آزاد شده از زندانهای خمینی در اشرف ۳ حضور دارند که بیشترین اطلاعات را در مورد این دژخیم دارند بسیاری از آنها توسط او شکنجه شده اند این زندانیان در دسترس دادگاه هستند و مراجع قضایی و ارگانهای ذیربط سوئد از موضوع بخوبی مطلع هستند، کما اینکه شمار زیادی از زندانیان سیاسی آزاد شده هوادار سازمان مجاهدین در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا نیز برای مقامات سوئدی بخوبی شناخته شده اند.

اما در این میان نقش مأموران وزارت اطلاعات و عواملش و توابع تشنه به خون مجاهدین چیزی جز پیش بردن خطوط رژیم یا این باند و آن باند رژیم نیست... این مزدوران نمی‌گویند و به روی خود نمی‌آورند که چرا و چگونه باندهای مختلف رژیم از قبل در جریان سفر این مزدور بودند، یعنی در جریان همان خبری بودند که این مزدوران و توابع میخواستند آنرا تر وتازه و بعنوان یک سورپریز به خورد مردم بدهند. آنها در مورد اظهارات سر دژخیم مقیسه‌ای که به دژخیم نوری توصیه کرد به خارج نرود چه می‌گویند؟ دست کدام باند رژیم در کار است؟ کدام باند به او اطمینان خاطر داده که برو؟ موضوع خلبنانی که شوهر دختر خوانده حمید نوری بوده چیست و چگونه موضوع حمید نوری را از قبل با سرویس ها و با دادگاهها و مراجع سوئد در میان گذاشته؟ این خلبنان کیست؟ چه شد؟ کجاست؟ دخترخوانده چه شد؟»

اینها همان سؤالات بی پاسخ بیش از ۱۲۰۰ زندانی سیاسی در شمار دادخواهان حقیقی و واقعی است که سایتهای مقاومت بیانیه آنان را منتشر کرده اند. تاکنون از آنها ۱۴ کتاب خاطرات در باره زندانهای

رژیم خمینی منتشر شده و بعضاً مقالات بسیار روشنگری در باره مزدور نفوذی وزارت اطلاعات نوشته اند.^۱

۸۹- از اوایل سال ۱۳۹۹ و بخصوص پس از شروع پاندمی کرونا و افشاگریهای مستمر و روزانه شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین، رژیم آخوندی به دور جدیدی از جنگ روانی و شیطان سازی علیه سازمان مجاهدین روی آورد. یک نمونه آن طوماری بود که در کارگاه های وزارت اطلاعات بهم بافته شده بود و مدعی بود ۸ هزار نفر از خانواده های مجاهدین در آلبانی از تهران (فقط از تهران) خطاب به نخست وزیر آلبانی فرستاده اند. این طومار که بعداً به ۱۱ هزار! امضا هم رسید با تیتراژ درشت «فرزندان ما اسیر دست تروریستها در کشور آلبانی هستند» در رسانه های حکومتی درج شد (روزنامه ابرار ۱۴ اردیبهشت). در این طومار که متن آن نیز در صفحه اول ابرار درج شده است خطاب به «آقای ادی راما، رئیس دولت جمهوری آلبانی» آمده است «سازمان مجاهدین خلق مدعو خاک کشور شما و تحت حمایت دولت شما میباشد. اما فرزندان بی گناه ما اسیر این فرقه تروریستی هستند و به لطف دولت شما هیچ گونه راه ارتباطی با دنیای خارج خصوصاً با خانواده و دوستان ندارند... تا کی میخواهید پدران و مادران سالخورده را از ارتباط با فرزندانمان محروم نگه دارید؟ تا کی میخواهید این تهدید امنیتی برای خود و کل اروپا را در خاک آلبانی و علیه عالیتین مصالح ملت خود حفظ نمایید؟ آیا از میزان شیوع بیماری کرونا در این اردوگاه که تهدیدی برای مردم آلبانی است با خبر هستید؟!»

همزمان لجن پراکنی های سرانگشتان خارج کشوری رژیم آخوندی از قبیل اسماعیل یغمایی و ایرج مصداقی با غلیظ ترین لمپنیزم آخوندی و رکیک ترین کلمات به سمت شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق و رهبری و مسئولان و اعضای آن کسرازیر شد. برخی بار دیگر به سناریوی دلتنگی و ابراز نگرانی در مورد سرنوشت خویشاوندان سر به نیست شده در آلبانی روی آوردند و پسری هم مادر خود را به بدترین اتهامات باب طبع انجمن های نجات اطلاعات آخوندها می آلود. از ادبیات و فرهنگ این رژیم بیش از این انتظاری نیست.

اما حضور و سخنان خانم اکرم حبیب خانی، عضو شورای ملی مقاومت، در برنامه ارتباط مستقیم تلویزیون ملی ایران سیمای آزادی در روز ۲۱ اردیبهشت ۹۹ و همچنین برنامه های افشاگر هفته های بعد با شرکت زندانیان سیاسی و یاران و پشتیبانان مقاومت و هواداران و اعضاء و مسئولان مجاهدین و شورا که تا تیرماه ادامه داشت، دشمن ضد بشر و اطلاعات و عوامل آن را قویاً پس زد و در تنگنا قرار داد.

سپس در روز ۹ تیر ۹۹ فراخوانی با امضای ۱۰۴ تن از «روشنفکران، هنرمندان و فعالان مدنی به همدلی وجدانهای بیدار، دادخواهی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان شصت و هفت» منتشر شد که در آن علاوه بر سفیدسازی مصداقی بطور تلویحی و بدون ذکر نام، مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران به «کارشکنی» در پرونده حمید نوری متهم شده بودند. واضح است که هم آن سفیدسازی و هم

^۱ دو هفته پس از تدوین بیانیه حاضر، تعداد امضاکنندگان بیانیه زندانیان سیاسی در نیمه شهریور ۹۹ به بیش از ۱۴۰۰ تن رسید.

این برجسب کارشکنی، کمال مطلوب رژیم و طراحان فراخوان مزبور بود تا همانطور که فوقاً (در ماده ۸۷) گفته شد، ابتکار عمل به دست مأمور نفوذی بیفتد و ورق علیه مجاهدین «سر موضع» و سازمانی برگردد که ۹۰ درصد شهیدان قتل عام از آن برخاسته اند. به همین خاطر کسانی که چنین قصدی نداشتند و صرفاً برای دادخواهی امضاء کرده بودند، از آن فاصله گرفتند.

مقاله ۱۲ تیر خانم زینت میرهاشمی، سردبیر نشریه نبرد خلق و عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق، در این خصوص بسیار روشنگر است: «... وقتی به تیتراژ نامه و تعداد امضا کنندگان آن نگاه کردم ابتدا به نظرم مثبت آمد و راستش خوشحال هم شدم. چه خوب که این تعداد در خارج از کشور، با نحله های فکری و گذشته متفاوت یک حرکت مثبت انجام دهند. تجربه نشان داده که در بین امضا کنندگان این بیانیه، امکان توافق و دور هم جمع شدن بر سر یک عمل مشترک، مثلاً تظاهرات در دفاع از زندانیان سیاسی، وجود نداشته است. از این تعجب کردم که واقعا چه چیزی می تواند فصل مشترک امضا کنندگان این بیانیه باشد. اما بعد از ردیف کردن جمله های زیبا در مورد حقوق بشر، دم خروس و شگرد مصداقی پیدا شد: ضدیت با سازمان مجاهدین خلق ایران. من حدس می زنی که بر طبق سنت رایج در این گونه امضا گیریه ها، برخی به قسمت پایانی بیانیه توجه نکرده و بر اساس اعتماد و طرح "دادخواهی" امضا کرده اند. به خاطر آشنایی، دوستی و احترام متقابلی که با تعدادی از امضا کنندگان دارم، تصمیم گرفتم پس از خواندن دقیق بیانیه که به نظرم مصداقی در پایان نقش اصلی دارد، آن را با صراحت چنین تعریف کنم: بیانیه "حمایت از مصداقی، و ستیز با مجاهدین خلق در پوشش دادخواهی". اما چرا؟ در بیانیه آمده است: "پیشبرد امر دادخواهی نیاز به تقابل جدی و همه جانبه تر با دروغ پراکنی و افروزی تلاشها برای روشن ماندن چراغ حقیقت دارد". چراغ حقیقت در پایان بیانیه به شکلی بسیار ظریف این گونه روشن می شود؛ "مخالفت های ایدئولوژیک و سیاسی" که با کوشندگان (منظور مصداقی به روایت این فراخوان) اختلاف دارند، "حاصلی جز خدمت به اهداف جمهوری اسلامی در پنهان کردن حقیقت و انکار جنایت ندارد و نخواهد داشت". این که فعالیت مستمر و پیگیر مجاهدین خلق برای دادخواهی نادیده گرفته می شود و برای مثال توجه نمی شود که حجم اصلی شهادتها و گزارشها در پرونده مأمور اطلاعات رژیم در زندان سوئد، توسط فعالان سازمان مجاهدین که زندانی بوده اند ثبت شده، جای ابهام بسیار دارد و به نظر می رسد اطلاعات مغرضانه و البته با هدف مصداقی در این بی اطلاعی موثر بوده است. مصداقی که خود را همزمان ولی فقیه و شورای نگهبان همه زندانیان سیاسی می داند از موضع برتر این بیانیه را امضا نکرده تا در آن با اسم از او حمایت شود و بدین وسیله در مأموریت خود که بیش از ۷۰۰ زندانی در باره آن گواهی داده اند "سفید" شود. از آن جایی که جنبش دادخواهی، و دفاع از قربانیان رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، رنگ، نژاد، مذهب، سیاست، دین نمی شناسد و واقعا کسی که در این امر بسیار انساندوستانه فعالیت می کند، باید توانایی گام برداشتن فراتر از این مرزها داشته باشد، می توانم نتیجه بگیرم. این فراخوان، زیرکانه و ماهرانه، برای خاموش کردن "چراغ حقیقت" و "پنهان کردن حقیقت" و علیه هدف فراخوان است. دور زدن مجاهدین خلق در جنبش دادخواهی که هدف مصداقی است، اخلاقی و انسانی نیست و غیرممکن

است. این اقدام نه تنها هیچ کمکی به «همدلی و همیاری» «وجدانهای بیدار» نخواهد کرد، بلکه انحراف و دامی است که نباید در آن افتاد».

۹۰- کمیسیون قضایی شورا در گزارش ۱۳ تیر ۹۹ در مورد پرونده دژخیم حمید نوری اعلام کرد: مقاومت ایران «از همان ابتدا به تمام و کمال به وظایف خود در پهنه‌های مختلف، به ویژه برای ممانعت از هرگونه زد و بند و در بردن دژخیم و جلوگیری از توطئه‌های رژیم و مزدورانش، قیام کرده است. در این خصوص بسیاری از جزئیات در زمان مناسب پس از حصول اطمینان از اینکه در محاکمه و مجازات دژخیم تأثیر کاهنده نخواهد داشت، به اطلاع عموم خواهد رسید. در حال حاضر سر تیترا اقدامات شایان گزارش توسط کمیسیون قضایی به قرار زیر است:

۱- چندین لیست از زندانیانی که شاهد جنایتهای این دژخیم در زندان‌ها بوده و آماده شهادت دادن در این باره بودند و اکنون در اروپا و آمریکا و کانادا اقامت دارند و یا در صفوف مجاهدین در اشرف ۳ در آلبانی بسر می‌برند، در اختیار مراجع قضایی مسئول پرونده قرار گرفته است. همچنین اعلام گردید که حدود ۹۰۰ زندانی سیاسی آزاد شده در اشرف ۳ آماده شهادت دادن در باره جنایات رژیم در زندانهایش هستند.

۲- شماری از شاهدان گواهی‌های دقیق و مکتوب با ذکر تاریخ و اسامی در مورد دژخیم حمید عباسی و نقش او در شکنجه و اعدام و سرکوب زندانیان به مراجع ذیربط ارسال کردند.

۳- برغم محدودیتهای ناشی از اپیدمی کرونا که سفر را بسیار سخت و یا ناممکن میکرد، شماری از زندانیان بصورت حضوری و یا از طریق ویدئو کنفرانس توسط مقامات قضایی مسئول پرونده در سوئد استماع شده و برخی در نوبت هستند».

۹۱- در ۱۸ تیر ۹۹، یک ماه پس از درگذشت مرجان، آقای فریدون ژورک کارگردان و فیلمساز از ناظران جلسات شورای ملی مقاومت به عهد خود وفا کرد و در یک رزم تحسین انگیز سیاسی و آرمانی با مایه گذاری از خودش، مأموریت مزدور نفوذی ایرج مصداقی را با جزئیات فاش کرد. آقای ژورک در مقاله و گواهی سرفصلی خود «یک خائن پشت‌پرده تنظیم و نگارش کتاب‌های لاجوردی-کارنامه سیاه مناظره زندانیان اوین انتشارات دادستانی انقلاب اسلامی مرکز تابستان ۱۳۶۲» نوشت: «لاجوردی در حسینیة اوین جلسات متعدد (مثلاً مناظره) تشکیل داد تا زندانیان را رو درروی هم قرار دهد. در این جلسات خائنان و بریدگانی مثل قاسم اثنی عشر به شرح خاطرات خود می‌پرداختند و زندانیان مقاوم دیگر را به مباحثه و مناظره دعوت می‌کردند. خلاصه پرونده‌های تهیه‌شده توسط قاسم اثنی عشری و رضا کیوان زاد، پس از تایپ توسط محمدرضا یزدی زاده، به دفتر شعبه هفت ارسال می‌شد تا در اختیار نویسندگان کتاب‌ها قرار بگیرد... چندی بعد برایم چهره پشت پرده تنظیم و نگارش این کتاب‌ها روشن شد. نام این خائن پشت‌پرده ایرج مصداقی بود. او بر اساس متن‌های ارسالی، خارج از مجموعه شروع به تحریر متن کتاب‌ها می‌کرد. اگر هم نیازی به بحث حضوری و یا بررسی مطالبی در خصوص پرونده

پیش می‌آمد (که در چندین مورد پیش آمد) این ملاقات در دفتر بند ۳۱۱ انجام می‌گرفت. این جلسه با حضور ایرج مصداقی و قاسم اثنی عشری و رضا کیوان زاد و یکی از مسئولان شعبه، که اکثراً بازجوی سفاکی به نام فاضل هماهنگ‌کننده جلسه بود، تشکیل می‌شد... تنها جلسه‌ای که در بند ۳۱۱ تشکیل شد و من (فریدون ژورک) حضور داشتم، جلسه‌ای بود با حضور مصداقی و به سرپرستی رحمانی... که بعدها شنیدم که نام اصلی‌اش محمد داوودآبادی است و به محمد مهرآئین هم معروف بود. او یکی از سفاک‌ترین و کثیف‌ترین سربازجوها بود که در زمان شاه به اتهام ارتباط با مجاهدین دستگیر شده که شخص محمد حنیف‌نژاد با پذیرفتن مسئولیت کارهای او راه آزادشدنش را باز کرده بود. هدف جلسه بررسی فیلم‌نامه (توابعان) بود که بر اساس طرح و نوشته‌ای از مصداقی توسط من به صورت فیلم‌نامه تنظیم شده بود. فیلم‌نامه مورد تأیید مسئولان دادستانی قرار نگرفته بود و علت آن را عدم درک واقعی من از قصد ساختن چنین سریالی اعلام شد. به همین جهت طرح نوشتاری مصداقی به سازمان تبلیغات اسلامی که مدیریت آن را حاج‌آقا زم عهده‌دار بود، ارسال شد که بعداً به صورت یک فیلم سینمایی تولید و در سینماهای سراسر کشور به نمایش درآمد».

متعاقباً آقای ژورک در اجلاس شورا در مورد مصداقی توضیح داد: «وقتی که من دیدمش توی زندان ابتدا به ساکن تصورم این بود که ایشان دستیار آقای فاضل هست، یکی از وحشی‌ترین بازجوهای بند شعبه هفت اوین که مخصوص مجاهدین بود و بهش می‌گفتند قصابخانه... به این جهت سعی می‌کنه که هی فرار بجلو بکند راجع به من صحبت کند... اما تو مزدوری یعنی مامور به خدمت بودی در اوین... بعد هم که کار تمام شد تحت نظارت خود وزارت اطلاعات و با کمک آنها آمدی خارج و بعد هم همین جا سعی کردی باز به این کار نفوذی‌ات ادامه بدهی».

در ۲۰ تیر ۹۹ سخنگوی مجاهدین اعلام کرد: «مقاله سرفصلی آقای فریدون ژورک درباره مزدور نفوذی ایرج مصداقی فصل‌الخطاب و یک گواهی ماندگار و تاریخی از به اصطلاح «عملیات پیچیده چندوجهی» دادستانی ارتجاع در زمان لاجوردی، و سپس اطلاعات آخوندها در زمان دژخیم فلاحیان و دژخیم حجاریان (معاون وقت وزیر اطلاعات آخوندها) است که از بردن مزدور به گشتهای دادستانی و بردن بر سر پیکرهای سردار خیابانی و اشرف رجوی آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. اطلاعات آخوندها به گفته کارشناسانش در سال ۱۳۷۰ به این نتیجه رسید که: «راهکار انحلال سازمان در انجام عملیات و ضربه زدن نظامی نیست هر چه بیشتر به آنها ضربه بزنند، هم منسجم‌تر می‌شوند و هم نیروی بیشتری می‌توانند جذب کنند و فعالیت آنها تشدید می‌شود، مگر این که سراغ عملیات روانی بروید که عمده‌تاً باید روی جدا شده‌ها متمرکز شود... در عملیات روانی هم بسیار کار کردیم که شاید امکان بیان آنها خیلی نباشد» (رضوی-کتاب استراتژی و دیگر هیچ-صفحه ۲۰۷ و ۲۰۹). از این رو شاگرد جلال اوین سعید شاهسوندی، به گفته خودش توسط حجاریان توجیه و با مأموریت اعلام شده «محاکمه مسعود رجوی» به اروپا فرستاده شد. همزمان مزدور ایرج مصداقی در خرداد ۱۳۷۰ آزاد و با مأموریت به زیر کشیدن رهبری مقاومت «از عرش به فرش» برای نفوذ در مناسبات مجاهدین به خارج اعزام شد. او هم مانند امیر سعدونی، بمب‌گذار ویلپنت، که ۱۲ سال به عنوان سلول خفته به هواداری از مجاهدین تظاهر

می‌کرد، به مدت دو دهه به ایفای نقش پرداخت و مراحل دگردیسی خود را طی کرد. اما اکنون فریدون ژورک با گواهی صادقانه خود، در پیوند و وفای به عهد با مرجان شورشگر، برای هر کس که قصد فهم ترفندهای رژیم را داشته باشد، نقطه پایان گذاشت و «دیگر تمام است ماجرا...» با درود به بیش از ۱۰۰۰ زندانی از بندرسته و بعضاً در بند، که پیشاپیش بر اساس تجارب عینی خود در شکنجه‌گاه‌های دشمن ضدبشر بر این ماجرا اشراف داشتند و آن را با هموطنان و نسل جوان در میان گذاشتند».

۹۲- در همان روز ۱۸ تیر دکتر منوچهر هزارخانی که از برجسته‌ترین روشنفکران و نویسندگان معاصر ایران و مسئول کمیسیون فرهنگ و هنر در شورا است در مصاحبه با تلویزیون ملی ایران سیمای آزادی در مورد دام‌گذاریهای رژیم در خارج از کشور و ابعاد بی‌سابقه خصومت و لجن‌پراکنی علیه مجاهدین و شورا گفت: «در حال حاضر یک انقلاب واقعی در ایران در حال وقوع است. این انقلاب واقعی توسط سازمان مجاهدین خلق ایران رهبری میشود... وظیفه همه ما با هر نظری که داریم این است که سازمان مجاهدین خلق را تا آنجایی که میتوانیم کمک کنیم برای اینکه زودتر و سریعتر این انقلاب را به نتیجه برساند. در حال حاضر باید کمک کرد که مملکت از اشغال آخوندها خارج شود و هیچ چاره‌ای ندارد الا اینکه حکومتشان سرنگون بشود. تماماً سرنگون بشود. سازمان مجاهدین الان بعنوان دشمن اصلی رژیم ایران توسط رژیم حاکم بر ایران شناخته شده است. آدم‌های صادقی هستند، آدم‌هایی هستند که پای حرفشان می‌ایستند. اول جانشان را دستشان میگیرند و بعد می‌آیند عضو میشوند. خوب این خیلی جاهای دیگر نیست... شیطان‌سازی اساساً در خارج کشور است، هم شیطان‌سازی و هم آلترناتیو سازی علیه شیطان خیالی، اینها مال خارج کشور است. علتش هم این است که در صحنه عملی انقلاب در ایران سازمان قابل ملاحظه و قابل محاسبه‌ای وجود ندارد که فکر کنید که ممکن است از آن راه بشود جلوی مجاهدین را گرفت یا مجاهدین را در یک مجموعه وسیعتری حل کرد که خطرشان کمتر بشود و بعد از اینکه خطرشان کمتر شد آنوقت شلاق بدست وارد میدان شد و کلکشان را کند. این دامهای خارج کشور است... اگر غیر از این اتفاق می‌افتاد تعجب آور بود که رژیم باشد، عاملان خارج کشوری هم در غرب در کشورهای مختلف باشند و این کارها را نکنند... من از اول نظرم این بود که در خارج کشور دامگذاری فقط میشود کرد و این هم در دسترس رژیم است... فقط وزارت اطلاعات نیست کل سیستم شان است».

۹۳- گردهمایی جهانی «ایران آزاد» که سه روز جریان داشت، از یک سو پایگاه گسترده مردمی مقاومت ایران و از سوی دیگر حمایت جهانی از این مقاومت را در اروپا و آمریکا و منطقه، به نمایش گذاشت. این همان چیزی بود که خشم و کین رژیم و مزدوران و متحدان رسمی و غیر رسمی، اعلام شده و اعلام نشده اش را بر انگیخت و صدای همه افراد و طرفهائی را که از سرنگونی فاشیسم دینی وحشت دارند و این رژیم را به هزار زبان به مجاهدین و شورای ملی مقاومت ترجیح می‌دهند، در آورد. بخصوص که فکر میکردند که امسال بدلیل کرونا مجاهدین قدرت تحرک ندارند و از ظهور قدرتمند

مقاومت در این ابعاد غافلگیر شده بودند. به همین خاطر رژیم نیروهای ذخیره خود را برای مقابله با این گردهمایی تاریخی به میدان آورد.

هنوز سخنرانی خانم رجوی در روز ۲۷ تیر به پایان نرسیده بود که آه و فغان بقایای شاه، که برای پنهان کردن ماهیت واقعی خود داعیه سرنگونی دارند، به آسمان بلند شد. آنها تعارف را کنار گذاشتند و به صراحت گفتند که رژیم آخوندی را «صدمبار به مجاهدین» ترجیح میدهند. این بار جلودارهای اطلاعات آخوندی و جلودارهای ارتش سایبری اطلاعات سپاه پاسداران، براندازنماهای سلطنت طلب شده بودند. اما جار و جنجال‌های تبلیغاتی بقایای شاه برای التیام سوزش ناشی از گردهمایی ایران آزاد کافی نبود و چند ساعت بعد تسنیم نیروی تروریستی قدس و روزنامه جوان و خبرگزاری سپاه پاسداران و بعیدی نژاد، سفیر رژیم در لندن، و گله‌ای از آخوندها و پاسداران به صحنه آمدند.

از سوی دیگر افرادی با برند «کمونیستی» و شبه کارگری در یک کر هماهنگ به میدان آمدند و انگار که با مجاهدین و شورای ملی مقاومت پدر کشتگی دارند همه مرزها را در نورددیدند.

یکی از آنها دست به قلم برد تا ماهیت مجاهدین و مقاومت را برای آقای پاتسلت نماینده مجلس فدرال آلمان که در گردهمایی بزرگ ایرانیان در برلین سخنرانی کرده بود، فاش کند و در نامه سرگشاده به پاتسلت تحت عنوان «روی اسب بازنده شرط بندی نکنید» نوشت: «این سخنرانی در زندگی سیاسی شما به عنوان سیاستی شرم آور ثبت خواهد شد. شما از یک سازمان دفاع کردید که یک سکت کاملاً مذهبی است... جهت اطلاع شما این سازمان در هیچ پروسه مبارزه و یا جنبش اجتماعی در ایران نقشی نداشته و ندارد، این سازمان هدفش اساساً به رسمیت شناخته شدن از سوی دولتها و یا تعدادی از سیاستمداران غربی و امریکایی است، و دچار این توهم است که اگر تعدادی همانند شما اینها را آلترناتیو معرفی کنند، راه رسیدن به قدرت در ایران برایشان هموار می شود... این مردم به هیچ سازمان اسلامی و به هیچ زن محجبه بعنوان رئیس جمهور منتخب یک سکت، روی خوش نشان نمی دهند و نخواهند داد... نفس حضور یک سازمان پادگانی با لباس متحد الشکل و با روسری و حجاب اسلامی برای مردم ایران و به ویژه زنان و نسل مدرن و جوان ایران زهر هلاهل است که با حضور و دفاع افرادی مثل شما و چند ده شخصیت بازنشسته و نان به نرخ روز خور، نمیتوان آنرا شیرین کرد و به مردم ایران حقنه کرد. این اتفاق با اطمینان کامل میتوانم بگویم، نخواهد افتاد... پس پیام من به شما و خانم ریتا زوسموت (رئیس سابق پارلمان فدرال آلمان) که از چندین و چند سال قبل، از مریم رجوی دفاع میکند، اینست بخود آئید و از این سیاست دست بردارید. امیدوارم به این سوال من و ما، پاسخ دهید که چرا شما و تعدادی دیگر همانند شما حاضر میشوید از این سکت مذهبی و عقب مانده و ارتجاعی دفاع کنید. واقعا چرا؟» (نامه سرگشاده مینا احدی به مارتین پاتسلت ۲۰ تیر ۱۳۹۹).

همه چیز طبق النعل بالنعل، گفتمان فاشیسم دینی با مخالفانش هست، تنها چیزی که کم دارد اینکه پاتسلت را به ۱۰ سال حبس تعزیری و ۱۰۰ ضربه شلاق به خاطر همکاری با سازمان منافقین محکوم میکرد!

پاتسلت در هفته نامه آلمانی فرایتاگ در ۱۶ مرداد در پاسخ به آن نامه سرگشاده نوشت: «این نامه تحریک آمیز، دقیقاً همان اتهاماتی را تکرار کرده بود، که نادرستی آنان در مقالات روزنامه فرانکفورتر آلگماینه و اشپیگل ثابت شده بود.

... بدنام و تقبیح کردن کسانی که متحمل رنج شده اند، کسانی که مقاومت شان را بارز کرده و یک آلترناتیو دمکراتیک و شفاف را ارائه داده اند، معادل دفاع از نظام استبدادی [حاکم بر ایران] است، در حالیکه هیچ دلیلی برای چنین دفاعی وجود ندارد. شما یاد و خاطره کمونیست هایی را که در سال ۱۳۶۷ به قتل رسیده اند، لکه دار می کنید، وقتی که مشروعیت کسانی، که سالهاست از سازمان ملل به جد خواهان رسیدگی به این جنایات می شوند، را زیر سؤال می برید... شما علاوه بر این، از جانب مردم ایران صحبت نمی کنید. این یک پیش فرض احمقانه است که فکر کنید، دقیقاً می دانید، مردم ایران چگونه فکر می کنند... من نمی توانم این را براحتی بفهمم که چطور نماینده یک جریان سیاسی، که هواداران آن نیز قربانی روحانیان دیکتاتور شده اند، ابزار تبلیغ همین رژیم شده و همان سازی را کوک می کند که وزارت اطلاعات ایران و دستگاه تبلیغاتی رژیم چندین دهه است که در آن می دمند و "دلایلی" را مطرح می کند که دادگاههای آلمان مدتهاست آنها را بعنوان "اخبار جعلی" رد کرده اند. این نه تنها خجالت آور و شرم آور است بلکه هیچ کمکی به مردم ایران در ادامه دادن به مبارزات خود برای آزادی نمی کند که بسا برعکس آن صدق می کند... از شما خواهش می کنم: اگر در مخالفت خود در برابر رژیم مستبد ایران جدی هستید، در یک رقابت سیاسی مشارکت کنید و برنامه خود را برای سرنگونی و جایگزینی ملایان دیکتاتور ارائه دهید».

۹۴- یکی دیگر از همین دار و دسته با همان هیستری و بغض و کین زنان بسیجی نسبت به «یکی از منفورترین، حاشیه ای ترین و ضداجتماعی ترین نیروهایی که توی صحنه سیاست ایران تلاش میکنه جایی برای خودش باز بکنه» هشدار داد و گفت که «اگر ما تقریباً بیست سال پیش گفتیم که رویای به قدرت رسیدن مجاهد ممنوعه و مجاهد نمیتونه از این کانال به قدرت برسه. امروز با گسترش جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی با رادیکال شدن هر روزه اون، با حضور قدرتمند طبقه کارگر در این جنبش این رویا ممنوع و ممنوع تر و غیر ممکن و غیرممکن تر میشه» (آذر مدرسی ۳ مرداد).

دیگری گفت: «سازمان مجاهدین جمهوری اسلامی در سایه است. با سرنگونی و نابودی جمهوری اسلامی سایه اش هم محو خواهد شد. آرزوی بقدرت رسیدن سازمانی مثل سازمان مجاهدین با آمال و آرزوهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه انسانها و خواست و آرزوی آزادی زن و رهائی انسان از خرافات مذهبی در تناقض است. کسانی که در قرن بیست و یکم و با داشتن یک تجربه زنده از یک حکومت اسلامی هنوز وقت و انرژی شان را صرف پراکندن توهم بقدرت رسیدن مجاهدین می کنند، هرچه نامیده شوند، نمیتوانند آزادیخواه، برابری طلب و حتی منصف و باوجدان نامیده شوند» (جلیل جلیلی ۳ مرداد).

روز بعد یکی دیگر داد سخن داد که «مردم ایران باید اینها را بشناسند. اینها واقعا جریانات عقب مانده تر از جمهوری اسلامی ایدئولوژیک تر عقب مانده تر کله پوک تر و مضرتر بحال جامعه اگر نباشند به اندازه جمهوری اسلامی به حال جامعه مضر هستند. بنابراین اینها برادر دوقلوی جمهوری اسلامی اند. اینها از یک جنبش هستند جنبش اسلام سیاسی. اینها منشأشان مرجع شان خاستگاه ایدئولوژیکشان همان افکار و ایدئولوژی و عقب ماندگی اسلام است. یکی هستند با جمهوری اسلامی. تنها تفاوتشان این هست که اینها میخواهند خودشان در قدرت باشند آنها هم میخواهند خودشان در قدرت باشند. دعوا برسر قدرت است. سازمان مجاهدین نه مطالبه رفاهی برای مردم تاحالا مطرح کرده و نه در برنامه اش هست. سازمان مجاهدین نه تنها به مخالفین خودش بیرون سازمان، اگر یک نفر جرأت کند از داخل سازمان شان یک کمی ناراضی باشد و انتقادی بخواهد بکند اولاً فوراً یا سربه نیستش میکنند یا بیرونش میکنند و تازه آمد بیرون فوراً اعلام میکنند که اینها عامل جمهوری اسلامی اند» (آسنگران ۴ مرداد).

چند هفته ای طول کشید تا دستورالعملهای ضروری از سلسله اعصاب فرسوده فسیلهای راه توده عبور کند تا اعلام کنند «مردم ایران ابله نیستند که از مار اسلام جمهوری اسلامی به افعی مجاهدین خلق پناه ببرند» (راه توده، ۳۱ مرداد ۱۳۹۹).

صدور فتوای «ممنوعیت» و «محو» و «مضرتر بودن» نیروی اصلی جنگنده ضد رژیم و «افعی» شناختن آن به نسبت رژیم، بالاترین نقطه وحدت و اتصال سوسیال بورژوازی ضدانقلابی را با فاشیسم دینی حاکم بر ایران بارز و برملا می کند. در این رویکرد ارتجاعی، مجاهدین حق حیات و تبلیغ سیاسی و ایدئولوژیک ندارند و «محو و ممنوع» یا چنانکه حزب توده بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ می خواست «استرداد» و «اعدام» باید کردند.

اینها نمونه هایی از اپوزیسیون نماهایی هستند که به هزار زبان میگویند رژیم ولایت فقیه را صد بار به مجاهدین و شورای ملی مقاومت ترجیح میدهند و بنابراین با پیشرفت مقاومت و آلترناتیو دموکراتیک، عنان از کف داده و وظیفه اصلی خود را مبارزه با آن میدانند. واضح است که این یاوه گوییها علیه یک مقاومت خونبار که دشمن اصلی رژیم است بالفعل بهترین وسیله تقرب به نظام منحوس ولایت است. قدر مسلم اینکه اگر مارکس حضور می داشت در برابر این قبیل افراد و جریانات پر انحطاط، تکرار می کرد که: «مطمئناً اگر آنها مارکسیست هستند، من مارکسیست نیستم»!

۹۵-پیش از اینها، در روز ۳۰ تیر به دنبال برگزاری سه گردهمایی بزرگ، آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت طی پیامی با «تبریک به آغاز چهلمین سال جنگ آلترناتیو با چراغ راهنمای "نه شاه-نه شیخ" که بزرگترین و طولانی ترین مقاومت سازمان یافته تاریخ ایران را نمایندگی می کند»، خاطرنشان کرد: «در آغاز چهلمین سال، از روشن شدن و تعمیق مرزبندی بین آزادی با استبداد، بین مقاومت با تمامیت شیخ و شاه و فرهنگ و ایدئولوژی آنها، به غایت استقبال می کنیم. این فرصتی مغتنم برای هر جنبش به واقع دموکراتیک و انقلابی است تا بنای استبداد و دجالیت با هر رنگ و لعابی

را از بن براندازد. بگذارید شاه و شیخ با همه شکنجه‌گران و پاسداران و دم و دنبالچه‌ها و هم‌کاسه‌ها و مزدوران هر چه می‌خواهند بر ما بتازند. با هر چه دشنام و رذیلت است. با رکیک‌ترین الفاظ و با خشمی دیوانه‌وار. با افتخار تمام باید گفت که در تاریخ ایران این تنها نمونه‌ایست که در این ابعاد و با این شدت و این مدت، زیر ضرب و تازیانه و در معرض برچسب و لجن‌پراکنی باشد و بتواند دوام بیاورد، انسجام داشته باشد و اعتلاء پیدا کند. این نشان می‌دهد که ما علیرغم همه برچسبها و بمبارانها و شکنجه‌ها و اعدام و قتل عام توانسته‌ایم دشمنان درونی و بیرونی خلق‌مان را به همین میزان پس برانیم، گسسته و برآشفته کنیم و در هم بکوبیم. در محک تجربه، همه قول و غزل‌ها و لاف و گزاف‌های آزادیخواهی و حقوق بشری مدعیان وقتی به مجاهدین می‌رسد رنگ می‌بازد. پرده‌ها کنار می‌رود و درنده‌خویی رضاخانی یا نوع خمینی آشکار می‌شود. در این چارچوب مجاهدین حق آزادی عقیده و بیان و تشکل و پوشش و حتی حق پاسخگویی هم ندارند. باید جواب بدهند که چرا مسلمان هستند. چرا مبارزه و مقاومت می‌کنند. چرا دنبال زندگی عادی نمی‌روند. چرا زنان مجاهد بر خلاف حکم رضاخان روسری دارند اما در صف اول دفاع از حقوق بی‌حجابان بوده‌اند. چرا در ایدئولوژی آنها جهاد اکبر با نفس و ایدئولوژی فردیت و جنسیت، عملیات جاری شده است. حرف بسیار ساده و روشن است: همین رژیم ولایت فقیه را صدار بر مجاهدین و شورا ترجیح می‌دهند. در رویکرد شیخ و شاه، مجاهد را باید کشت والا نظم دنیای وحشی ارتجاع و بهره‌کشی را برهم می‌زنند و برمی‌شورد. زانو زدن و کاسه‌لیسی در برابر شیخ و شاه از یکسو و غیظ و کین میرغضبانه در برابر مجاهدین از سوی دیگر دو روی یک سکه است. اینجاست که قرآن می‌گوید ”بر غیظ خود بمیرید“. پیام این اندازه خصومت و دروغ و نفرت بر ضد مجاهدین و نتیجه تعمیق مرزبندی، اعتلای آلترناتیو به واقع دمکراتیک و مستقل است. این نوید سرنگونی و پایان عصر استبداد و دجالیت و مژده پیروزی مقاومت و جبهه خلق است. تاکید میکنم طبق طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی، مصوب شورای ملی مقاومت، هر نیروی جمهوریخواه و ملتزم به نفی کامل نظام ولایت فقیه که خواهان استقرار یک نظام سیاسی دمکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت است با ماست و ما با او هستیم».

۹۶- روز چهارشنبه اول آبان ۱۳۹۸ (۲۳ اکتبر ۲۰۱۹) مدیر کل پلیس آلبانی از کشف یک شبکه تروریستی رژیم آخوندی در آلبانی خبر داد که هدف آن انجام حملات بر روی جنبش اپوزیسیون ایران (مجاهدین خلق) بود. این شبکه تروریستی توسط نهادهای امنیتی آلبانی کشف شده بود. این شبکه علاوه بر سایر اقدامات جاسوسی و تروریستی، در مارس ۲۰۱۸ دست اندرکار طرح حمله تروریستی به گردهمایی مجاهدین در جشن نوروز ۱۳۹۷ بوده است. حمله ای که در آخرین مراحل عملیاتی کشف و خنثی شد و مدیر کل پلیس جزییات جدیدی از آن ارائه کرد.

در گردهمایی نوروزی علاوه بر خانم رجوی، شهردار جولیان و شخصیت‌های اروپایی و آمریکایی و همچنین مسئولین سازمان مجاهدین خلق ایران شرکت داشتند.

مدیرکل پلیس اعلام کرد این حمله از داخل ایران توسط یکی از سرکردگان نیروی قدس با نام مستعار پیمان هدایت میشد. وی افزود مزدوری بنام علیرضا نقاش زاده متولد ۱۹۷۴ با یک پاسپورت اطریشی بنام اروین آرام که خود را از «اعضای سابق مجاهدین» معرفی میکرد در این عملیات تروریستی دست داشته است. همین سرکرده نیروی قدس شمار دیگر از بریده مزدوران را در کشورهای اروپایی برای عملیات جاسوسی و تروریستی علیه مقاومت ایران تأمین و مدیریت میکند. علیرضا نقاش زاده که توسط نیروی قدس اجیر شده بود، به بهانه دیدار مادرش طاهره زارنجی و بردن وی از آلبانی، به این کشور سفر میکرد و به جمع آوری اطلاعات لازم برای این عملیات جنایتکارانه تروریستی می پرداخت. به گفته مدیرکل پلیس آلبانی، نیروی تروریستی قدس علاوه بر عوامل ایرانی خود، باندهای جنایات سازمان یافته در ترکیه را برای اقدامات تروریستی علیه مجاهدین بخدمت میگیرد. در همین رابطه عبدالخالق ملک زاده (با نام مستعار فرهاد) یک مأمور عملیاتی نیروی قدس به طور مداوم با عبدالسلام تورگوت یک جنایتکار حرفه ای شناخته شده در ترکیه در تماس بود. عبدالخالق ملک زاده اهل سراوان، مدیرعامل اخراجی شرکت تعاونی قیر سبز در چابهار از مأموران وزارت اطلاعات مأمور به خدمت در مالزی و سپس مسقط و بعد از آن ترکیه در پوشش شرکت پترو پارس است.

شایان یادآوری است که در ماه مارس ۲۰۱۸ دو تروریست رژیم آخوندی برای بمبگذاری و ایجاد انفجار در مراسم نوروزی مجاهدین در پوش خبرنگار از ترکیه به آلبانی رفتند اما در حال عکس برداشتن از محل دستگیر شدند.

به موازات اعزام مأموران رژیم ایران و بریده مزدورانی مانند علیرضا نقاش زاده، چند تن از افراد باند عبدالسلام تورگوت نیز برای اجرای عملیات تروریستی به آلبانی اعزام شدند. به گفته مدیرکل پلیس آلبانی، عبدالسلام تورگوت در سال ۲۰۱۱ در آلبانی به اتهام قاچاق یک تن هروئین به زندان افتاده بود اما توانست با یک پاسپورت قلابی فرار کند. وی بخاطر قاچاق مواد مخدر در آذربایجان و ترکیه نیز به زندان افتاده بود.

مقاومت ایران بدنبال افشای جزییات طرح تروریستی بار دیگر به اقدامات ضروری زیر فراخواند:
- مأموران و مزدوران اطلاعات و سپاه و نیروی تروریستی قدس باید محاکمه و مجازات و از خاک اروپا اخراج شوند.

- وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران باید در لیست تروریستی اتحادیه اروپا قرار گیرند.

- سفارتها و نمایندگیهای این رژیم که مراکز ترور و جاسوسی هستند باید تعطیل شوند.

۹۷- رسانه های آلبانی در ۲۵ دی ۱۳۹۸ اخراج دو دیپلمات رژیم از این کشور را به نامهای محمد علی ارض پیما نعمتی مأمور وزارت اطلاعات و سید احمد حسینی الست رایزن فرهنگی رژیم، به جرم فعالیت تروریستی و ارتباط با قاسم سلیمانی، اعلام کردند. نیویورک تایمز (۱۵ ژانویه ۲۰۲۰) گزارش کرد: «وزارت خارجه آلبانی ۲ دیپلمات رژیم ایران را بخاطر فعالیتهای "خارج از چهارچوب استاتویشان" اخراج کرد. بیانیه وزارت خارجه اعلام کرد ۲ دیپلمات محمد علی ارض پیما نعمتی و

احمد حسینی به عنوان افرادی نامطلوب اعلام شدند و از آنها خواسته شد " فوراً " آلبانی را ترک کنند. آلبانی همچنین در دسامبر ۲۰۱۸ دو دیپلمات رژیم ایران را بخاطر "نقض استاتوشان" از طریق شرکت در فعالیتهای غیرقانونی که امنیت این کشور را تهدید میکرد، اخراج کرد.

خانم رجوی اخراج این دو دیپلمات تروریست توسط دولت آلبانی را یک اقدام شجاعانه و تحسین برانگیز در راستای مبارزه با تروریسم و امنیت مردم آلبانی و پناهندگان ایرانی توصیف کرد که باید توسط سایر کشورهای اروپایی سرمشق قرار بگیرد. خانم رجوی افزود: نمایندگی های رژیم ایران مرکز جاسوسی و تروریسم است. اغلب دیپلماتهای رژیم یا از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران می آیند و یا آموزش تروریستی و جاسوسی دیده و در خدمت آن هستند. در حالیکه مردم ایران در خیابانها خواستار سرنگونی آخوندها هستند. اتخاذ یک سیاست قاطع در قبال تروریسم رژیم آخوندی و تعطیل سفارت های رژیم در سایر کشورها ضرورت مضاعف دارد.

دولت آلبانی همچنین در سوم بهمن دستور تعطیلی فوری بنیاد موسوم به سعدی متعلق به رژیم ایران را در خاک آلبانی اعلام کرد. در این دستور همه مجوزهای صادر شده به اسم این بنیاد در سالهای گذشته باطل شد.

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم در اطلاعیه ۵ بهمن ۱۳۹۸ اعلام کرد: «بنیاد فرهنگی سعدی در سال ۱۳۷۳ توسط فاشیسم دینی حاکم بر ایران، بدنبال تحولات کشورهای حوزه بالکان، در راستای صدور تروریسم و بنیادگرایی، تأسیس شد. اینگونه مؤسسات زیر پوشش آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، به جذب و استخدام افراد بومی برای اهداف جاسوسی و تروریستی می پردازند. اداره و هدایت بنیاد سعدی در کشورهای مختلف با غلامعلی حداد عادل، عضو شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دستگاه صدور تروریسم و بنیادگرایی رژیم آخوندی می باشد. وی همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی انقلاب فرهنگی و از نزدیکان و بستگان خامنه ای (پدر عروس او) می باشد. این بنیاد در آلبانی زیر نظر احداالله قلی زاده و احمد حسینی الست رایزن فرهنگی رژیم در آلبانی (دیپلمات اخراجی از آلبانی در سال ۲۰۱۹) اداره می شد».

با اینحال اقدامات تروریستی رژیم در آلبانی و فرانسه و سایر کشورها علیه مقاومت ایران به موازات بسیج شیطان سازی ادامه دارد.

فصل دهم :

اتحاد، همبستگی و وظایف ما

۹۸-اجلاس سه روزه شورا در آغاز چهلمین سال حیات هر چند که در بحبوحه کرونا و محدودیت های ناشی از آن برگزار شد، یک اجلاس سرفصلی در تاریخچه دیرپاترین و سرسخت ترین و پرکشاکش ترین ائتلاف سیاسی میهن ما به پشتوانه رزم و رنج و خون و فدای بی انتهای فرزندان این مرز و بوم بود. بنابراین ما با یک اجلاس تاریخی روبرو بودیم که

صحنه‌ها و سخنان و موضعگیری‌های درخشان اعضای آن ماندگار و بیادماندنی است. اگر بیانیه حاضر گنجایش می‌داشت جای آن بود که مشروح اجلاس و سخنرانی‌های آن یک به یک نقل می‌شد. اگر چه بسیاری از اعضای بخاطر کمبود وقت، فرصت صحبت نیافتند. با اینهمه برای اطلاع عموم هموطنان دیدن کلیپ‌ها و استماع سخنرانی‌های این اجلاس را به منظور اشراف بر وضعیت و و ساختار و ترکیب تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل و آشنایی با حدود ۱۰ درصد از اعضای آن که سخنرانی کردند، توصیه می‌کنیم. این سخنرانی‌ها چند نوبت برای هموطنانمان در داخل کشور از طریق ماهواره و رادیو مجاهد پخش شده و در سایت‌های مقاومت در دسترس است.

شورا که بیش از نیمی از اعضای آن را زنان مبارز و مجاهد این میهن تشکیل می‌دهند، شامل برجسته‌ترین مبارزان سیاسی، افسران نظامی و فرماندهان ارتش آزادیبخش ملی، کارشناسان و متخصصان، دانشگاهیان و فرهنگیان، هنرمندان، قهرمانان ورزشی ایران، و فرزندان اقوام و عشایر گوناگون این میهن است. در یک کلام شورا تاریخچه و فشرده سیاسی مبارزات ۴۰ ساله این میهن در چارچوب یک آلترناتیو مرکب از یک مجلس موقت قانونگذاری، یک دولت موقت و یک ارتش آزادیبخش ملی است. این شورا از بابت پروسه مبارزاتی و تصفیه و تعالی سیاسی در پایان راهی است که کس دیگری هنوز به آغاز آن هم گام ننهاده است. همچنانکه رئیس جمهور برگزیده مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران گفته است، ما نه برای کسب قدرت بلکه برای انتقال آن نبرد می‌کنیم.

از اینرو شورای ملی مقاومت ایران، در آغاز چهلمین سال حیات خود، بار دیگر بر اساس برنامه و مصوبات خود خاطرنشان می‌کند:

- ما بر اساس خط مشی اصولی خود مبنی بر مخالفت با هرگونه مداخله نظامی خارجی در ایران و مخالفت با هرگونه آلترناتیوسازی از جانب قدرتهای خارجی، بر ضرورت قطع همه حمایتها و امداد رسانیها به دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، تأکید می‌کنیم.

- ما از مبارزه حق طلبانه کارگران و مزدبگیران علیه نظام حاکم و از مطالبات معلمان، پرستاران، پزشکان و دیگر اقشار معترض و به پا خاسته میهنمان، حمایت و همبستگی خود را با آنان اعلام می‌کنیم. خواست کارگران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران و لغو کار کودکان، از خواستههای شورای ملی مقاومت ایران است.

- ما خواستار اقدام بی درنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران و بازدید گزارشگر ویژه حقوق بشر از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با خانواده شهیدان و زندانیان سیاسی هستیم و از جامعه جهانی می‌خواهیم برای توقف اعدامهای گسترده و خودسرانه به اقدام عملی و جدی دست بزنند. چشم پوشی قدرتهای بزرگ از نقض حقوق بشر در ایران به بهانه توافق اتمی، محکوم و غیرقابل قبول است.

- ما بار دیگر در رابطه با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بر لزوم محاکمه آمران و عاملان این نسل کشی سازمانیافته حکومتی و جنایت علیه بشریت، تأکید می کنیم و از کمیسر عالی حقوق بشر می خواهیم که یک کمیسیون مستقل برای تحقیق در مورد قتل عام سال ۶۷ تشکیل دهد. انتشار نوار صوتی آقای منتظری در گفتگو با اعضای هیأت مرگ در تابستان ۱۳۹۵، سند انکارناپذیر دیگری از این جنایت بزرگ است. سند دیگر مصاحبه تیرماه ۱۳۹۶ آخوند علی فلاحیان، وزیر اطلاعات پیشین رژیم، است که با استناد به خمینی گفت: «اینها اصلاً محاکمه نمی خواهند... اینها حکمشان همیشه اعدام است، اصلاً حکم ولایی ایشان [خمینی] بود؛ چه قبل از این جریان ۶۷ چه بعدش، حکم اینها اعدام است، حتی اگر حاکم شرعی هم حکم به اعدام نداده باشد». همچنین آخوند دژخیم مصطفی پورمحمدی عضو هیئت مرگ در قتل عام زندانیان سیاسی (وزیر کشور احمدی نژاد و وزیر دادگستری روحانی) در مرداد ۹۸ مجاهدین سر موضع را به «تصفیه حساب» تهدید کرد و گفت: «دشمنی از این (مجاهدین) بدتر هم می شود؟ در تمام دنیا چهره (نظام) را تخریب کردند. هیچ تخریبی در این ۴۰ سال اتفاق نیفتاده مگر آن که پای اصلی آن منافقین بوده است. ما هنوز تصفیه حساب نکرده ایم و بعد از تصفیه حساب این حرف ها را پاسخ می دهیم. شوخی هم نداریم... ما به خاطر منافقین کلی شهید دادیم، تلفات دادیم، شکست خوردیم ... امروز هم منافقین خائن ترین دشمنان این ملت اند و باید جواب بدهند، باید پای میز محاکمه بیایند و به حساب تک تک آنها رسیدگی شود... الان وقت به حساب رسیدن است؛ وقت زمین گیر کردن و محاکمه کردن است...».

عفو بین الملل روز ۲۹ مرداد ۹۹ با انتشار مجدد دو سند "اقدام فوری" خود در ۲۵ مرداد و ۱۱ شهریور ۱۳۶۷ در مورد اعدام های جمعی در زندان های ایران، که همان زمان برای سلسله مراتب حکومتی از جمله وزیر دادگستری و "نمایندگی های دیپلماتیک ایران" ارسال شده است، یک بار دیگر نشان داد همه سردمداران و باندهای رژیم از جمله دولت و نخست وزیر وقت از ابتدا در جریان قتل عام بوده اند و هیچ یک را نمی توان و نباید استثنا کرد. این موضوع خشم دست اندرکاران و مدافعان آشکار و پنهان رژیم را برانگیخت و حملات خود را به سازمان عفو بین الملل تشدید کردند. حملاتی که با گزارش این سازمان تحت عنوان «جنایت ادامه دار علیه بشریت» با «اسرار به خون آغشته» به مناسبت سی امین سالگرد قتل عام شروع شده بود. عوامل رژیم در منتهای وقاحت معترضند که چرا عفو و گزارشگران و محققان آن مجاهدین شاهد قتل عام در آلبانی را استماع کرده اند و چرا از شهیدان مجاهدین آن طور که مطلوب رژیم است هویت زدایی نمی کنند. با یک نگاه به سؤالات هیأت های مرگ برای تعیین تکلیف زندانیان که سازمان عفو بین الملل هم منتشر کرده است می توان واقعیت امر و آنچه را در قتل عام گذشته دریافت.

نمونه سؤالاتی که «هیأت های مرگ» برای تعیین سرنوشت زندانیان می پرسیدند :

آیا حاضرید «منافقین» و رهبران آن را محکوم کنید؟

آیا حاضرید در مورد عقاید و فعالیت های سیاسی خود ابراز ندامت کنید؟

آیا به جمهوری اسلامی اعلام وفاداری می کنید؟

آیا آماده‌اید برای کمک به نیروهای نظامی جمهوری اسلامی پا به میدان مین بگذارید؟
 آیا آماده‌اید برای جنگیدن با «منافقین» به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ملحق شوید؟
 آیا حاضرید در مورد رفقای سابق‌تان جاسوسی کنید و با مأموران اطلاعاتی همکاری کنید؟
 آیا حاضرید عضو جوخه‌های اعدام شوید؟
 آیا حاضرید یک «منافق» را دار بزنید؟

اینچنین است که مردم و آزادیخواهان ایران، آمران و عاملان و توجیه‌گران جنایت بزرگ علیه بشریت و مزدورانی را که در صدد مصادره جنبش دادخواهی علیه مجاهدین «سر موضع» و رهبری آنان به سود رژیم هستند، نه فراموش می‌کنند و نه می‌بخشند.

۹۹- ما از برنامه ۱۰ ماده‌یی خانم رجوی حمایت می‌کنیم و در ایران فردا خود را متعهد به آن می‌دانیم:

- ۱- نه به ولایت فقیه. آری به حاکمیت مردم در یک جمهوری با رأی آزاد و کثرت‌گرا
- ۲- آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و فضای مجازی
 انحلال سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، لباس شخصی‌ها، بسیج ضد مردمی، وزارت اطلاعات، شورای انقلاب فرهنگی و همه گشتها و نهادهای سرکوبگر در شهر و روستا و در مدارس، دانشگاهها، ادارات و کارخانه‌ها
- ۳- تضمین آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر
 انحلال دستگاههای سانسور و تفتیش عقاید، دادخواهی قتل عام زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام
- ۴- جدایی دین و دولت، آزادی ادیان و مذاهب
- ۵- برابری کامل زنان و مردان در حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، لغو هرگونه تبعیض، حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال.
 منع بهره‌کشی از زنان تحت هر عنوان
- ۶- دادگستری و نظام قضایی مستقل طبق معیارهای بین‌المللی مبتنی بر اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات. الغاء قوانین شریعت آخوندی و بیدادگاههای انقلاب اسلامی
- ۷- خودمختاری و رفع ستم مضاعف از اقوام و ملیتهای ایرانی طبق طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران
- ۸- عدالت و فرصتهای برابر در اشتغال و در کسب و کار و بازار آزاد برای تمام مردم ایران. احقاق حقوق کارگر و دهقان، پرستاران، کارمندان، فرهنگیان و بازنشستگان
- ۹- حفاظت و احیای محیط زیست قتل عام شده در حکومت آخوندها

۱۰- ایران غیر اتمی، عاری از تسلیحات کشتار جمعی. صلح، همزیستی و همکاریهای بین المللی و منطقه‌یی

۱۰۰- شورای ملی مقاومت همه زنان و مردان ایران زمین و نیروهای سیاسی و رنگین کمان نیروهای اجتماعی و فرهنگی ایران را فرا می خواند تا پیرامون شعار محوری «مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای» در هزار و هزاران کانون شورشی و اشرف دیگر، متحد و متشکل شوند. به باور ما راه حل عملی برای سرنگونی رژیم حاکم بر ایران در گام اول به سازماندهی و تشکل یابی حول شعار محوری مبارزه منوط است. از این رو ما زنان و مردان ایران زمین را به ایجاد کانونهای شورشی در سراسر میهن دربند فرا می خوانیم.

جنبش بیشماران و قیام مردم ایران، در هر کوی و برزن، در هر کارخانه و شهر و روستا و در هر اداره و مدرسه و دانشگاه، قادر است نظام اهریمنی، ضد مردمی و ضد ایرانی ولایت فقیه را به زیر کشیده و حاکمیت مردم را برقرار کند.

جنبش مقاومت پایدار مردم ایران با کانونهای شورشی و ارتش آزادی و جایگزینی دموکراتیک در صحنه عمل انقلابی و با مرزبندی اساسی «نه شاه - نه شیخ» و با تضمین و پشتوانه خون یکصد و بیست هزار شهید راه آزادی، مصمم است دیکتاتوری دینی را سرنگون و ایران آزاد آینده را بنا کند.

هم چنان که مسئول شورا در ۱۶ دی ۹۶ اعلام کرد : «شورای ملی مقاومت، به دور از هرگونه تنگ نظری و پافشاری بر مواضع و برنامه و مصوبات خود، پیوسته به جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی فراخوان داده و آماده همکاری با همه نیروهای جمهوری خواهی است که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناحها و دسته بندیهای درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت، مبارزه می کنند».

شورای ملی مقاومت ایران

۳۱ مرداد ۱۳۹۹